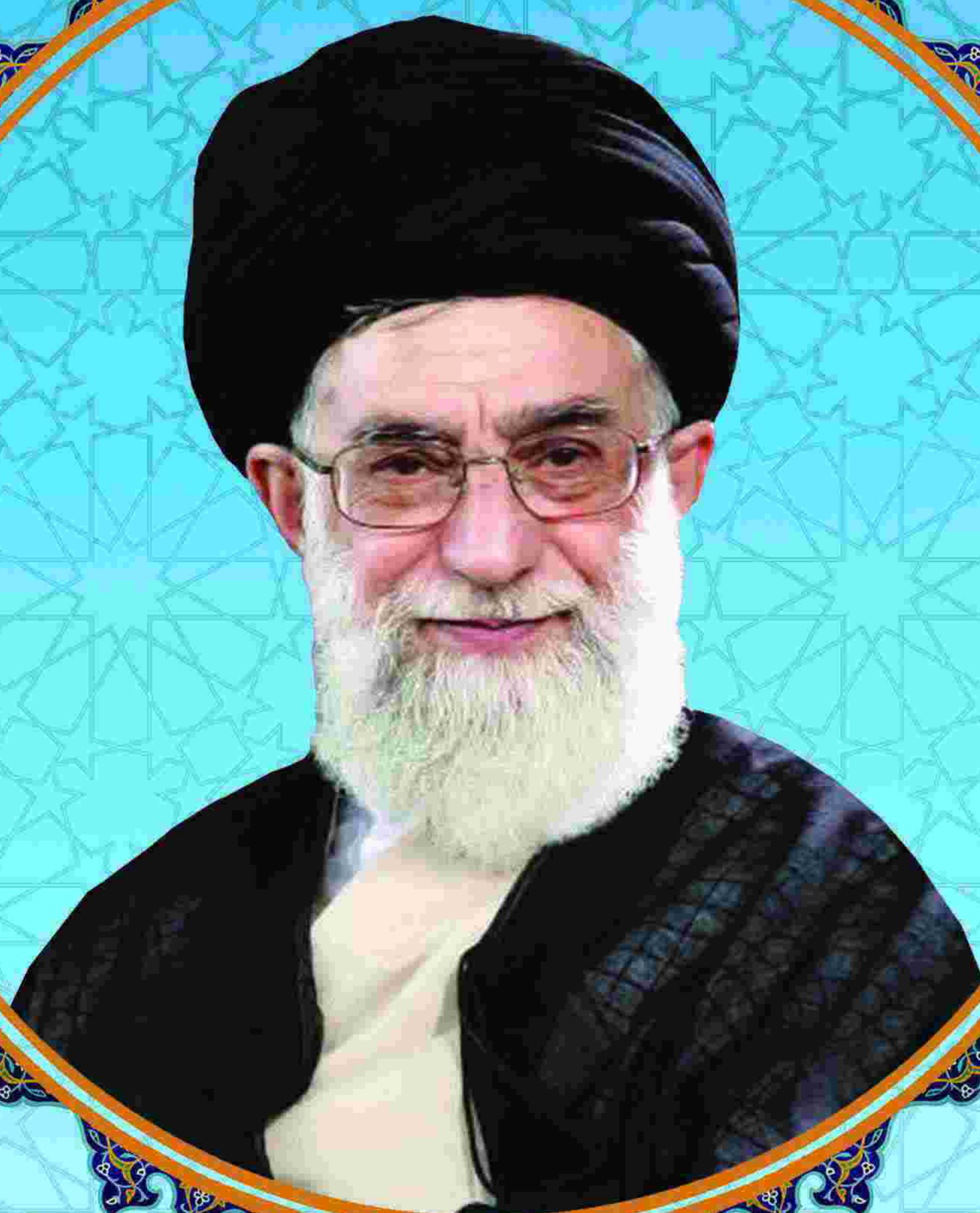




دوفصلنامه فرهنگی، تربیتی، اجتماعی و سیاسی  
مدرسه علمیه کریمه اهل بیت علیها السلام







اگر همه‌ی تخصص‌های مورد نیاز یک جامعه به بهترین شکل وجود داشته باشد  
اما جامعه، دینی نباشد،  
آن ملت در دنیا و آخرت دچار خسران و مشکلات واقعی خواهد بود  
و این مسئولیت عظیم یعنی تبدیل جامعه به جامعه‌ای دینی،  
بر عهده‌ی علما، روحانیت و طلاب است.

بیانات رهبری  
در دیدار جمعی از مدیران، مدرسان و طلاب حوزه‌های علمیه‌ی تهران  
۹۵/۰۲/۲۵





## فهرست مطالب

مناجات / ۲
سخن سردبیر / کرامت انسان / ۳
طلبگی / الفبای طلبگی / ۴
طلبگی / هویت طلبگی / ۵
اخلاق / کرامت / حدیث تربیتی / حجت الاسلام والمسلمین سائلی / ۶
اخلاق / زندگی به سبک مادر / سیره فاطمی / ۱۰
اخلاق / واجب فراموش شده / امر به معروف / ۱۱
درنگ / دشمن شناسی / ۱۲
طلبگی / طلبه طراز انقلاب / ۱۴
درنگ / زلال معرفت / توصیه علماء / ۱۶
طلبگی / طلبه در پرتو اخلاق / ۱۸
درنگ / آثار و برکات وضو / ۲۴
طلبگی / تبلیغ خصوصی / احمد رضا اخلاقی / ۲۲
احکام / ارتباط با نامحرم در فضای مجازی / رقیه چهرقانی / ۲۶
اخلاق / اخلاق همسر داری / ۲۷
طلبگی / چگونه همسری باشم؟ / ۲۸
مباحثه / چگونه یادگیری متحولی داشته باشیم / ۳۴
آگاهی / هوش هیجانی / حجت الاسلام والمسلمین سائلی / ۳۸
شهداء / مدافعان حرم / ۴۰
شهداء / راویان نور / طاهره سادات حسینی / ۴۲
نقد فیلم / فیلم کودک / ۴۴
درنگ / هنر رضایت از زندگی / ۴۸
واحد سلامت / بیماری خاموش / ۵۰
دستپخت بانو / شیرینی زنجبیلی / ۵۲
بانوی هنرمند / جانماز / ۵۴
شعر / غلامحسین میری / ۵۵
اخبار مدرسه / آموزش، پژوهش، فرهنگی / ۵۶
دلنوشته / سیده زهرا امامی / ۶۵

صاحب امتیاز: مدرسه علمیه کریمه اهل بیت علیها السلام - قم  
مدیر مسئول: کبری محمدی  
سر دبیر: سیده زهرا امامی

همکار تحریریه: خانم ها: زهرا ساکی، سمیه بابائیان، هوشنگی

هیئت تحریریه: خانم ها: طاهره حسین زاده، لیلا مغانلو، فاطمه اسماعیل زاده، خدیجه سلطانی، مهدوی دوست، پرنیان، فاطمه ناحی، فاطمه میری، بنت الهدی راشدی، فاطمه فریدنی، مریم صدقی، سیده زهرا امامی، سمیرا سرایانی

با سپاس از: استاد ارجمند حجت الاسلام والمسلمین علی سائلی، استاد ارجمند سرکار خانم رقیه چهرقانی، سرکار خانم ساکی، سرکار خانم رضایی، سرکار خانم بازوکی و همه عزیزانی که ما را یاری رساندند.

و سپاس ویژه: از راهنمایی های اساتید ارجمند حجت الاسلام والمسلمین هادی منش و دیلمقانی و حمایت سرکار خانم کبری محمدی

گرافیک: فاطمه فراهانی، سمیرا سرایانی و با تشکر از همکاری بنت الهدی راشدی

شماره تماس: ۰۲۵-۳۸۸۷۵۱۸۳  
پایگاه های اطلاع رسانی مدرسه: [karimeqom.whc.ir](mailto:karimeqom.whc.ir)  
کانال های اطلاع رسانی در ایتا و سروش: [@karimeh\\_qom](https://www.instagram.com/karimeh_qom)  
پست الکترونیک: [qom.karimeh@gmail.com](mailto:qom.karimeh@gmail.com)

پیشنهاد و انتقادات را به نشانی صندوق پستی ۳۷۱۳۸۵۱۷۷۵ و یا با شماره ۳۸۸۷۵۱۸۳ (داخلی ۱۰۶) تماس بگیرید.

نشانی: نیروگاه، بلوار یادگار امام، خیابان شهید فرمانعلی مولایی، کوچه پنجم، مدرسه علمیه کریمه اهل بیت علیها السلام



# مناجات محبت

خدایا ما را از کسانی قرارده که :

آنها را برای قرب و دوستیت برگزیدی؛  
 آنانی که برای عشق و محبتت خالص گردانیدی؛  
 مشتاق لقاء خود نمودی و راضی به قضایت گردانیدی؛  
 به آنان نعمت دیدار عطا کردی؛  
 نعمت رضا و خوشنودیت را به آنها بخشیدی؛  
 از عذاب هجران و دوری از خودت پناهشان دادی؛  
 و در جایگاه صدق و راستی در جوار خود جایشان دادی؛  
 برای معرفت مخصوصشان کردی  
 و آنها را شایسته بندگیت گردانیدی  
 و قلبشان را دلباخته محبت خودت کردی  
 و برای مشاهده جمال خود انتخابشان کردی  
 و روی آنها را برای خودت خالی نمودی (فقط به سوی تو)  
 و دلشان را برای دوستی خودت از هر چیزی فارغ کردی  
 و به آنچه نزد توست ترغیبشان نمودی،  
 ذکر و یادت را به ایشان الهام کردی،  
 توفیق شکر به آنان دادی  
 و به اطاعت و فرمانبرداری خود مشغولشان کردی  
 و آنان را از بندگان صالح خود گردانیدی،  
 آنان را جهت مناجات با خود برگزیدی  
 و هر چیزی که باعث بریدن آنها از تو بود را بریدی.

خدایا ما را از آنان قرارده که :

عادتشان این است که به تو شاد و خوشحال باشند  
 و روزگارشان به آه و ناله از فراق تو بگذرد،  
 آنان که پیشانیان برای عظمت تو در سجده است و  
 چشمهایشان در خدمت به تو بیدار  
 و اشکهایشان از خوف تو روان است  
 و دلهایشان متعلق به محبت توست.  
 ای آنکه روشنایی های قدسی اش برای چشمان دوستانش ریزان  
 و انوار جمالش برای دلهای عارفان شیفتگی آور است.  
 ای آرزوی دلهای مشتاقان و ای انتهای آرزوی دوستان،  
 از تو می خواهیم:  
 محبت خودت را و محبت محبان تو را  
 و محبت (علاقه هر کاری که باعث دوستی بیشتر تو شود).  
 و باز از تو می خواهیم:  
 خودت را محبوبتر از آنچه غیر خودت است برای من قرار دهی،  
 و محبت من را باعث خوشنودیت قرار دهی،  
 و اشتیاقم به خودت را باعث دوری من از گناه و معصیت قرار دهی.  
 بارالها!  
 به من با چشم دوستی و مهربانی نگاه کن،  
 رویت را از من برمگردان  
 و مرا در پیشگاهت از اهل سعادت و خوشبختی قرارده  
 ای اجابت کننده، ای مهربانترین مهربانان.

عشق آن شعله است کو چون بر فروخت

هر چه جز معشوق باقی، جمله سوخت





خداوند انسان را از دو جنبه مورد تکریم قرار داده است؛

نخست اینکه از جهت ذاتی و سرشتی او را اشرف مخلوقات آفریده است؛ به گونه ای که هیچ مخلوقی برتر از انسان نیست: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»؛ و دوم اینکه با استعدادهایی که در وجود انسان قرار داده این شایستگی را به او داده است که در اثر ایمان و انجام اعمال صالح می تواند به مقام قرب الهی برسد. پس انسان هم کرامت ذاتی دارد و هم کرامت اکتسابی و به دست آوردنی و می تواند این قابلیت را پیدا کند که خلیفه ی خدا در روی زمین باشد.

انسان از جایگاه ویژه ای برخوردار است که از همان ابتدای خلقت بحث خلیفه بودن او پیش آمد. این نگاه در مکتب اسلام با نگاهی که مسیحیان برای انسان قائل اند، خیلی متفاوت است.

آنها معتقدند انسان گنهگار به دنیا می آید. ژان کالون معتقد است گناه نخستین انسان، یک انحراف و فساد ذاتی است که او را مشمول خشم خداوند می گرداند و سپس به کارهای زشتی چون بی عفتی، ناپاکی، ستیزه جویی، رشک و جاه طلبی وادار می کند. ولوتر نیز در این رابطه می گوید:

در میان ما نیز این چنین آموزش داده شده است که به علت گناه آدم، همه ی انسان ها مطابق با فطرت، آدمی با گناه به دنیا می آیند و به همین دلیل مملو از شرارت، شهوت و انحراف هستند و ذاتاً قادر نیستند که ایمان به خداوند داشته باشند. علاوه بر این، این نقض و بیماری و گناه ارثی که از آدم به ارث رسیده، حقیقتاً یک گناه است و تمام کسانی که مجدداً از طریق غسل تعمید و روح القدس زاده نشده اند، محکوم به خشم و قهر ابدی هستند. افرادی مانند پلاگیوس و دیگرانی که گناه آدم را گناه نمی دانند و معتقدند انسان با فطرت پاک آفریده شده است، رنج و شایستگی عیسی مسیح را دست کم گرفته اند...

اما کرامت در اخلاق اسلامی و در سیره ی تربیتی اهل بیت علیهم السلام اهمیت زیادی دارد تا جایی که شهید مطهری، کرامت را مرکز ثقل اخلاق و تربیت اخلاقی معرفی کرده و بیان می دارد: «در اخلاق اسلامی محور یا به تعبیری آن نقطه ای از روح انسان، که اسلام روی آن دست گذاشته است، برای احیای اخلاق انسانی و برای اینکه انسان را به سوی اخلاق سوق بدهد، کرامت و عزت نفس است.

و در جایی دیگر می گوید: «در اخلاق اسلامی، یک موضوع است که می توان آن را پایه و محور همه ی تعلیمات اخلاقی اسلامی قرار داد و تا آنجا که ما تفحص کرده ایم، در مآثر اسلامی روی هیچ موضوعی به عنوان پایه و محور، به اندازه ی اصل کرامت نفس تکیه نشده است».

انسان اگر از این سرمایه ی درونی آگاهی یابد هرگز حاضر نمی شود این سرمایه را صرف امور پست و حیوانی کند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: «مَنْ كَرَّمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهَوَاتِهِ»؛ اگر انسان احساس کرامت و ارزشمندی نداشته باشد، به هر خواری و ذلتی تن داده و هر خلاقی را مرتکب خواهد شد و نمی شود از شر این فرد در امان بود، همچنان که امام هادی علیه السلام هم فرموده اند: «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرُّهُ» پس کرامت یعنی بزرگواری و نزاهت از پستی است. یکی از رسالت های انبیاء این است که نفوس انسان ها را به کرامت برسانند. امام صادق علیه السلام می فرمایند: «کرامت در فرمانبرداری خدا و خواری در نافرمانی است». هر که کرامت نفس داشته باشد، تمایلات نفسانی و شهوات نزد او خوار و حقیر می گردد.







# الفبای طلبگی

طلاب واقعی که مطلوب خلق و محبوب خالقند، آناند که در مدرسه دین ابجد یقین می خوانند و در مدرس عترت الفبای عزت می آموزند و در مکتب قرآن مشق عرفان می نویسند.

هر که «الفبای طلبگی» را نداند، دچار «جهل مرکب» می شود. و هر که با زیر و زبر «آیات علم» و «سوره های معرفت» بیگانه باشد، قرائتش غلط خواهد شد.

پس باب اول کتاب حوزه، آموختن این الفبا و آشنایی با حرکات و سکانات این فرهنگ است. تا طلبه از «طلبه نما» متمایز شود.

زندگی شان عطف به مبدأ است و وصل به معاد. با نفی خود اثبات خدا می کنند و غرور را از نفس خویش جدا.

در محرمات، اهل توقف اند و در شبهات، اهل احتیاط. ضمیر خود را در افق تقوا ظاهر می سازند، با شهرت و نام، خود را گم نمی کنند و با پست و مقام و چند سلام، پشت به حوزه نمی کنند و «معانی» نخوانده به «بیان» نمی پردازند. به جرح و تعدیل نفس مشغولند و هر روز عمر خود را «تجزیه و ترکیب» می کنند.

افعال شان بی حرف عله، به مصدر خلوص بر می گردد. اسم شان مبنی بر فتح است و فعل شان لازم و حرفشان جازم.

نه در حرف، منفی بافند، نه در ادعا اهل لاف و گزاف. نه در جای وقف، حرکت می کنند و نه در جای حرکت، اهل وقفند.

می کنند و نه در جای حرکت، اهل وقفند. و نه در جای حرکت، اهل وقفند.

از معتکفان حجره «لم ولما» بیزارند و از سایه نشینان «لیس و لا» بر کنار.

مشتق اند، اما از علم جامدند، اما بر دین.

اجوف اند، اما از ریا.

ناقص اند، اما از ردایل.

مجردند، اما از تعلقات.

مزیدند اما در فضایل.

قبای ریاضت بر تن دارند و عبای عبادت بر دوش.

نعلین اراده در پا و زمزمه تهجد در گوش.

با عینک بصیرت، کتاب نفس را مرور می کنند، با ذره بین محاسبه، عیوب خود را می یابند و با قلم تهذیب، خطاها را اصلاح می کنند.

به حجت ظاهر قائلند، اما از باطن خود غافل نمی شوند.

حاشیه می خوانند، اما در متن اند. هم آشنابه اشارات اند، هم کنایه. هم اهل رسالتند، هم رساله.

هم صاحب کفایت اند، هم کفایه. هم اجازه «جهاد» می گیرند، هم «اجتهاد».

«ماهیت» را فدای «وجود» نمی کنند، بر متن دین حاشیه دنیا نمی زنند. فروع نفسانیات را به اصول الهیات بر می گردانند.

نه در عرصه جر و بحث، مجرور جدل می شوند و نه از خط اصیل، نسخه بدل.

از محکمت دین، طفره نمی روند و در متشابهات دل سرگردان نمی شوند.

نه «رسائل» را وسیله دنیا می کنند و نه «مکاسب» را دکان کسب می سازند.

نه در شعر، قافیه خلوص را می بازند، نه در از محکمت دین، طفره نمی روند و در متشابهات دل سرگردان نمی شوند.

می کنند و نه در جای حرکت، اهل وقفند.

از معتکفان حجره «لم ولما» بیزارند و از سایه نشینان «لیس و لا» بر کنار.

مشتق اند، اما از علم جامدند، اما بر دین.

اجوف اند، اما از ریا.

ناقص اند، اما از ردایل.

مجردند، اما از تعلقات.

مزیدند اما در فضایل.

قبای ریاضت بر تن دارند و عبای عبادت بر دوش.

نعلین اراده در پا و زمزمه تهجد در گوش.

با عینک بصیرت، کتاب نفس را مرور می کنند، با ذره بین محاسبه، عیوب خود را می یابند و با قلم تهذیب، خطاها را اصلاح می کنند.

به حجت ظاهر قائلند، اما از باطن خود غافل نمی شوند.

حاشیه می خوانند، اما در متن اند. هم آشنابه اشارات اند، هم کنایه. هم اهل رسالتند، هم رساله.

هم صاحب کفایت اند، هم کفایه. هم اجازه «جهاد» می گیرند، هم «اجتهاد».

«ماهیت» را فدای «وجود» نمی کنند، بر متن دین حاشیه دنیا نمی زنند. فروع نفسانیات را به اصول الهیات بر می گردانند.

نه در عرصه جر و بحث، مجرور جدل می شوند و نه از خط اصیل، نسخه بدل.

از محکمت دین، طفره نمی روند و در متشابهات دل سرگردان نمی شوند.

«مکاسب» را دکان کسب می سازند.

نه در شعر، قافیه خلوص را می بازند، نه در خطاب، قول بلا عمل دارند. نه در تالیف به تفرقه می افتند و نه در تحقیق از حق دور می شوند. نه در فکر، دچار دور و تسلسل اند، نه در عمل اسیر جهل و تغافل.

صرفشان حرف را از معاد می زند.

نحوشان، صرف آخرت می شود. کلامشان تجریدی است و فلسفه شان صدارتی. فقه شان جواهری است و اصولشان رسالتی. منطق شان عاشورایی است و حماسه شان حسینی و عرفان شان سجادی. بدیع شان بدعت ستیز است و بیان شان شبهه سوز و از بدایه حکمت تانه های حکومت، در خط امام و ولایت اند. از مقدمات، قراتر می روند، از سطح به عمق می رسند و در خارج، به داخل می اندیشند.

هم حجره «حالتند» و هم بحث «اشتغال».

بیش از «مدرک» به «درک» می اندیشند.

بیش از «مدارج» به «معارج» دریشان «تکلیف» است و امتحان شان «جهاد» و قبولیشان «شهادت».

این ها گوشه ای از الفبای طلبگی است.

خدایا ما را با الفبای این کتاب، آشنا بگردان، «عَرَضِ هَیْمَان» را «جوهر» کن و «مفرد هَیْمَان» را «جمع» گردان. انقلابیون ما را «مقدّس» و «مفید» کن و مدرّسان مان را چون «مدرّس» و «شهید».

ختایا تا مار را اهل «ضمیر» نکرده ای، «ظاهر» نکن.

پی نوشت:

جواد محدثی





# هویت طلبگی

طلبه دارای یک هویت و خود فردی، و نیز دارای یک هویت و خود صنفی است. یعنی یک شخصیت حقیقی فردی و یک شخصیت حقوقی و صنفی دارد. به همین جهت همان گونه که موظف به خودشناسی، خودآگاهی و خودسازی فردی است موظف به خودشناسی، خودآگاهی و خودسازی صنفی است. همان گونه که به عنوان یک انسان باید از ظرفیت‌ها، دارایی‌ها، فرصت‌ها، نیازها، استعدادها، بایسته‌ها، وظایف و کاستی‌های خود اطلاع داشته باشد، به عنوان یک طلبه - یعنی به عنوان یکی از اعضای این گروه همکار - باید تصورات خود را از ظرفیت‌ها، دارایی‌ها، فرصت‌ها، نیازها، استعدادها، بایسته‌ها، وظایف و کاستی‌های حوزه و روحانیت اصلاح کند و به خودسازی صنفی بپردازد یعنی خود را برای انجام وظیفه در این صنف اجتماعی آماده سازد. همان گونه که به عنوان یک انسان به موفقیت و کمال انسانی خود می‌اندیشد به عنوان یک طلبه باید به موفقیت و کمال صنفی خود نیز توجه داشته باشد. بدین ترتیب باید دو آرمان را به موازات هم دنبال کند؛ آرمان فردی و آرمان صنفی. طلبه از نظر صنفی و شغلی از تبار پیامبران است و سلاله نوح، ابراهیم، موسی، عسی، محمد و وارث علی و فاطمه و حسین، و این بس افتخارآمیز و مسئولیت آفرین است. نیاکان صنفی طلبه، انبیاء و اولیاء هستند؛ یعنی وظایفی را که آن‌ها بر دوش داشته‌اند و خدمتی را که آن‌ها در جامعه انجام می‌داده‌اند، طلبه، در شرایط امروز، بر عهده گرفته است. پیامبران خدا به واسطه وحی با پیام خدا آشنا شدند، طلبه نیز در دوره تحصیل خود با سخن خدا آشنا می‌شود.

پیامبران، مردم را به خدا و تقوی دعوت می‌کردند، و سخن خدا را به مردم انتقال

می‌دادند، طلبه نیز همین خدمت اجتماعی را برگزیده است. پیامبران در راه دفاع از دین و تحقق ارزش‌های الهی کوشیدند، وظیفه طلبه نیز همین است. پیامبران به تعلیم و تربیت و هدایت مردم پرداختند.

طلبه هم در همین مسیر گام برمی‌دارد، و البته پیامبران بدون توقع پاداش، در معرض آزار و توهین و تمسخر مردم قرار گرفتند، طلبه هم باید برای این امور آماده باشد. می‌توان گفت که طلبه، همکار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و دغدغه‌های آن حضرت وجود او را نیز فراگرفته است. دغدغه اسلام و کفر، دغدغه حق و باطل، دغدغه جهان اسلام، دغدغه تحقق جامعه ایده آل اسلامی و دغدغه تربیت انسان‌های صالح و مقرب. می‌توان گفت که طلبه سرباز امام زمان است، و نیرویی برای تحقق آرمان‌های آن حضرت، یعنی در لشکر فرهنگی حضرت مهدی مسئولیت خاصی می‌پذیرد و سنگر خالی‌ای را پر می‌کند و به عنوان عضوی از یک مجموعه که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمانده و قافله سالار آن است انجام وظیفه می‌کند. می‌توان گفت که طلبه سهم امام است. یعنی نه تنها درآمد نقدی طلبه که تمام وجود او - و تمام دارایی‌های معنوی، توانایی‌ها، استعدادها، و ظرفیت‌های او - متعلق به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است و باید طبق فرمان آن حضرت خرج گردد. طلبه از اینکه در زمره ذریه صنفی اولیای برگزیده خدا است، بر خود می‌بالد و با عنایت حق باید تلاش کند تا خلف صالحی برای آنان باشد. خدمتی که طلبه به جامعه عرضه می‌کند، رفع مهم‌ترین و حیاتی‌ترین نیاز انسان‌ها است. نیاز انسان به معنا، نیاز انسان به انسانیت، نیاز انسان به خدا، نیاز انسان به آسمان، و نیاز انسان به هدایت... و آشناسازی آنها با مهم‌ترین حقیقت هستی یعنی خدا. به بیان دیگر طلبه امروز، عالم فردا است و عالم دین وارث انبیا و انبیای الهی مأمور تعلیم و تربیت جامعه بوده‌اند، مراد از تعلیم، تعلیم

کتاب و حکمت (نه آموزش حساب و هندسه و جغرافیا) و مراد از تربیت نیز تربیت معنوی انسان‌ها (و نه تربیت بدنی، یا تربیت هنری) است. بنابراین طلبه یک نیروی فرهنگی و عنصر تعلیمی تربیتی در جامعه است که برای گسترش فرهنگ دینی آماده می‌شود و تلاش می‌کند. روحانیت، تنها نهاد اجتماعی است که خداوند به تکمیل نیروی آن فرمان داده (آیه ۱۲۲ سوره توبه) و مستقیماً برای تأمین کادر آن اقدام کرده است. خدای متعال برای نیاز جامعه، به کسب و تجارت یا پزشکی و مهندسی یا رانندگی و آهنگری، به صورت مستقیم نیرو نفرستاده است، اما برای رفع نیاز بشر به دین، اخلاق و معنویت ۱۲۴۰۰۰ انسان صالح، ارسال داشته و آن‌ها را به گونه‌های مختلف، تأیید و هدایت و حمایت کرده است. بعثت پیامبران در پی نیاز انسان‌ها به تعلیم و تزکیه بوده و این نیاز چندان اساسی و بزرگ است که از میان همه نعمت‌ها، خدای بزرگ تنها نعمت بعثت را به رخ انسان کشیده و بر او منت نهاده است.

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (آیه ۲ جمعه)

روحانیت، بالمآل عهده‌دار وظیفه تعلیم و تربیت دینی نسل‌ها و جوامع انسانی است. روحانی نیز مانند نیاکان صنفی خود - پیامبران و اولیاء - یا معلم کتاب و حکمت خواهد بود، یا مربی و مزکی جان‌های آماده. **يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ** و از او انتظار می‌رود در راه افزایش شناخت، آگاهی و بصیرت دینی، تقویت انگیزه‌های الهی و گسترش رفتار اخلاقی تراز دین در میان مردم تلاش کند.

پی‌نوشت:

برگرفته از کتاب راه و رسم طلبگی (فصل دوم،







# حیث تربیتی

● حجت الاسلام و المسلمین علی سائلی زید عزه

بسمه تعالی

الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی رسول الله و آله الطیبین الطاهرین

## مقدمه

در اسلام ارزشی بالاتر و برتر از تربیت انسان وجود ندارد، تربیت انسان گوهری است که خداوند به برگزیدگان خود همچون انبیاء و اولیاء اهداء کرده است. آنان با درک اهمیت موضوع، تمام عمر را به تربیت انسان اختصاص داده و با این عمل در پیشگاه خداوند متعال اظهار بندگی کرده اند. در کلمات بزرگان دین، نکات تربیتی فراوان دیده می شود، برای مقاله حاضر یک حدیث از کتاب کافی انتخاب شده است که ضمن اشاره به نکات تربیتی آن از خوانندگان عزیز درخواست می گردد چنانچه نکات دیگری به ذهن شریفشان خطور نماید مؤلف را از آن مطلع سازند.

محمد بن یعقوب الکلینی عن احمد بن ادريس عن احمد بن محمد عن ابن محبوب عن اسحاق بن عمار قال :  
« قال لي أبو عبدالله عليه السلام: إِنِّي كُنْتُ أَمْهَدَ لَأَبِي فَرَّاشَةَ فَانْتَظَرُهُ حَتَّى يَأْتِيَ فَإِذَا آوَى إِلَى فَرَّاشَةٍ وَ نَامَ قُمْتُ إِلَى فَرَّاشِي وَ أَنَّهُ أَبْطَأَ عَلَى ذَاتِ لَيْلَةٍ فَأَتَيْتُ الْمَسْجِدَ فِي طَلَبِهِ وَ ذَلِكَ بَعْدَ مَا هَذَا النَّاسُ فَإِذَا هُوَ فِي الْمَسْجِدِ سَاجِدٌ وَ لَيْسَ فِي الْمَسْجِدِ غَيْرُهُ فَسَمِعْتُ حَنِيفَةً وَ هُوَ يَقُولُ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي حَقًّا حَقًّا سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبُّ تَعَبُدًا وَ رِقًّا اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْمَلُ ضَعِيفٌ فَضَاعَفَهُ لِي اللَّهُمَّ قَنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ وَ تَبْ عَلَيَّ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ »

الكافي ج ۳ ص ۳۲۲ باب السجود و التسييح و الدعاء

یعنی: اسحاق بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: من بستر پدرم را هر شب آماده می کردم، منتظر می ماندم تا اینکه به رختخواب رفته و بخوابد آنگاه خود به رختخواب می رفتم، شبی ایشان تأخیر

داشته است، هرگز آنان در این وقت به خواب نمی رفتند، بنابراین کمترین حکمی که از حدیث مذکور می توان استفاده نمود این است که بیداری تمام شب در تمام شب های سال فضیلت نداشته و مستحب نیست.

کرده و نیامدند، به دنبال ایشان بسوی مسجد رفتم، کوچه ها خلوت بود، مردم خواب بودند مسجد کسی نبود، ناگاه ایشان را دیدم که در سجده هستند، صدای سوزناک ایشان را شنیدم که دعائی می کرد: «اللهم انت ربی حقاً حقاً» پروردگارا! تو حقیقتاً خدای منی، بر بارگاه تو از روی عبودیت و بندگی سجده می آورم، خدایا عملم ضعیف است، آن را برایم مضاعف گردان. خدایا روزی که بندگان را مبعوث می سازی مرا از عذابت در امان نگه دار، تو مرا پذیرا باش، چرا که تو توبه پذیر مهربانی.

## نکته ها و پیام های حدیث

### نکته اول:

حدیث از حیث سند صحیح است، راویان واقع در طریق سند همگی از ثقات و بلکه از جلاء و مشایخ هستند، شایسته است حدیث را به صحیح اجلائی نامگذاری نمائیم. صحت سندی حدیث موجب می شود نکته ها و پیام های تربیتی حدیث با قوت و استحکام بیشتر استنباط گردد.

### نکته دوم:

حدیث شریف دلالت می کند بر اینکه امام باقر و امام صادق علیهما السلام تمام شب بیدار نمی ماندند، سیاق حدیث بخوبی نشان می دهد این رفتار که آنان پاره ای از شب را می خوابیدند و بیدار نمی ماندند و این خواب را در آغاز شب انجام می داند رسم همیشگی و عادت دائمی آنان بوده است، اگر بیداری شب مطلوب بوده و فضیلت داشته است، هرگز امام باقر و امام صادق علیهما السلام ملزم به خوابیدن در ابتدا شب نمی شدند، و اگر خوابیدن در ابتدا شب کراهت

### نکته سوم:

حدیث شریف از لحاظ اخلاقی و تربیتی به مطلب مهمی اشاره می کند و آن اینکه امام صادق علیه السلام بستر پدر را خود پهن کرده و رختخواب وی را آماده می فرمود، با اینکه امام باقر علیه السلام همسر داشته و همسر وی نیز در خانه بوده است، مهمتر اینکه امام صادق علیه السلام خواب خود را با خواب پدر تنظیم کرده است، یعنی تا پدر به رختخواب نرفته و نمی خوابید، امام صادق علیه السلام به رختخواب نرفته و نمی خوابید، این اهتمام ویژه به پدر از ناحیه







البته این نکته اخلاقی و تربیتی مانند همه نکات اخلاقی و تربیتی حالت افراط و تفریط و اعتدال دارد، هر انسان وظیفه شناس و هر مؤمن خداجو و هر سالک مشتاقی باید نقطه اعتدال را شناسائی کرده و از افراط و تفریط پرهیز نماید. رفتار امام صادق علیه السلام پیش از آنکه بر افراط گرایی در رساندن خدمات به پدر و رها کردن زندگی خود دلالت کند بر اعتدال و شناخت مسئولیت و مدیریت صحیح امور زندگی دلالت می کند.

#### نکته پنجم:

پیام دیگری که از این حدیث شریف می توان استفاده کرد همسوئی همسر امام صادق علیه السلام با ایشان است. امام باقر علیه السلام انسان آزاده و بزرگواری است که هرگز راضی به اذیت و رنجش احدی نمی شود، اگر همسر امام صادق علیه السلام این خدمتی که ایشان به پدر می رساند، ذره ای فقط ذره ای ناراحت و آزرده می شد محال بود امام باقر علیه السلام راضی به این خدمت شده و زحمت هر شب فرزندی، در آماده سازی بستر را اجازه دهد. اگر امام صادق علیه السلام هر شب برای پدر وقت می گذارد و توفیق خدمتگزاری پدر را دارد برای اینست که همسر وی مانع تراشی نکرده و بستر مناسب را برای توفیق شوهرش فراهم کرده است. این پیام می تواند پیام برای همه زوج های متدین باشد که از زندگانی امام صادق علیه السلام پیروی می کنند. گاهی تحمل سختی ها، تنها راه رسیدن به سعادت است. سعادت خواهی، می طلبد، که تحمل سختی ها شود.

#### نکته چهارم:

از حدیث شریف چنین استفاده می شود که قبول مسئولیت کارهای پدر به اختیار و دلخواه فرزند بوده است، یعنی امام صادق علیه السلام خود ترجیح داده است که چنین در خدمت پدر باشد، بدون اینکه پدر در این رابطه به وی امر کرده باشد. این نکته هم دلیل اضافی بر مسئولیت شناسی فرزند است فرزند نباید منتظر امر یا درخواست پدر باشد؛ خود باید شرایط را شناخته و متناسب با آن اقدام نماید.

دلیل بر اینکه امام صادق علیه السلام خود این مسئولیت را پذیرفته و از ناحیه پدر امر یا درخواستی نبوده است اینست که امام باقر علیه السلام در سال ۱۱۴ هجری در سن ۵۷ سالگی به شهادت رسیده است و در این سال امام صادق علیه السلام ۳۱ ساله بوده است. بسیار بعید به نظر می رسد مردی در ۵۷ سالگی آنقدر ناتوان و پیر شده باشد که نتواند به کارهای شخصی خود قیام کند و به کمک فرزند نیازمند بوده باشد. بنابراین امام صادق علیه السلام در عین توانائی پدر، به چنین خدمتی اقدام کرده است. بدیهی است مسئولیت شناسی تا این حد، زحمت فراوان داشته و هزینه های قابل توجهی را بر انسان تحمیل می کند. امام صادق علیه السلام قطعاً کارهای شخصی فراوانی داشته و خود دارای زندگی مستقل بوده است. تحت الشعاع قرار دادن زندگی و کار خود برای زندگی و کار پدر، قطعاً موجب خشنودی و رضای الهی است. تا آن وقت از شب انتظار پدر کشیدن و به کارهای شخصی نپرداختن، پاداشی به دنبال دارد، که تمام زحمات و هزینه ها را جبران کرده و افزون بر آن شادمانی و شادابی روحی را به ارمغان می آورد.

فرزند پیام های تربیتی و اخلاقی برای ما و جامعه ما دارد، متعارف در میان ما این است که پدر، این همه اهتمام و توجه را به فرزند داشته باشد. مراقبت و کنترل خواب وی داشته باشد، بداند که فرزند به خواب رفته است



از خواب وی داشته باشد، بداند که فرزند به خواب رفته است یا اینکه هنوز بیدار است. اما اینکه فرزند مراقب پدر باشد و به امور وی اهتمام بورزد بسیار معنی دار است، فرزندی که مسئولیت این کار را برعهده می گیرد از سلامت روحی برخوردار بوده و مسئولیت پذیری وی را نشان داده و بیانگر میزان عطوفت وی و نزدیکی وی به پدر است، رعایت همه این امور در سالم سازی خانواده ایمانی نقش مؤثر دارد.





### نکته ششم:

امام صادق علیه السلام بعنوان الگوی موفق درس دیگری نیز در این حدیث شریف به ما داده است و آن اینکه با وجود تلاش برای یافتن پدر و تحمل نگرانی از تأخیر وی و در نهایت یافتن ایشان در حالت سجده در مسجد، عصبانی نشده و خشم نگرفته و نسبت به پدر تندی نکرده است. شاید اگر ما جای امام صادق علیه السلام بودیم و با صحنه عبادت پدر در مسجد مواجه می شدیم، ناراحت شده و با تندی گلایه می کردیم که چرا فرزند را نگران کرده و خود در مسجد با فراغ بال به سجده رفته است. اما امام صادق علیه السلام می آموزد که اگر خدمت می کنید نباید خدمت خود را به طرح شکایت و گلایه و امثال آن آلوده نمود.

### نکته هفتم:

حدیث شریف در کنار بیان پیام های برجسته و اساسی از اشاره به پایگاه اجتماعی مسجد غفلت نکرده است، نقش ارزنده و تأثیر معنوی مسجد بعنوان یکی از مؤلفه های تأثیر گذار در زندگانی متدین بازگو کرده است، لطائف و ظرائفی را که حدیث شریف در رابطه با مسجد مورد توجه قرار داده است عبارتند از:

الف) باز بودن مسجد در ساعات شب یا ساعات نزدیک به نیمه شب

ب) مناسب بودن و شایسته بودن مسجد برای برگزاری عبادت و انجام راز و نیاز با خداوند

ج) امنیت مسجد و عدم وجود خطر در آن  
د) پذیرش مسجد بعنوان یکی از پایگاه های حضور عمومی بگونه ای که وقتی کسی گم می شود و دنبال او می گردند یکی از احتمالات ممکن وجود او در مسجد باشد.

ه) نزدیک بودن مسجد به محل زندگانی امام صادق علیه السلام بعید می نماید برای یافتن پدر بزرگوارشان راه دوری را طی کرده باشند

و) معمولی بودن مسجد و عدم لزوم شهرت آن در حدیث شریف هیچ اشاره ای به نام مسجد نشده است معلوم می شود یا مسجد معمولی بوده است یا شهرت آن مورد توجه نبوده است.

می شود یا مسجد معمولی بوده است یا شهرت آن مورد توجه نبوده است.

### نکته هشتم

آخرین نکته سجده دلنشین و راز و نیاز خالصانه امام باقر علیه السلام در مسجد است، انس انسان به عبادت پروردگار در خلوت از قوی ترین عوامل تزکیه نفس و تطهیر باطن است. تأثیری که عبادت شیرین و سرزنده در تخلق انسان به اخلاق الهی دارد، توصیف ناپذیر است. این عبادت کلید گنج مقصود است و نباید از آن غفلت نمود.

دعای صبح و آه شب کلید گنج مقصود است بدین راه و روش میرو که با دلدار نیبوندی

حدیث شریف نکات و پیام های دیگری نیز دارد که خوانندگان گرامی پس از مطالعه این نمونه ها می توانند با تأمل و اندیشه به آنها دست پیدا کنند.

## شیعی یعنی احترام به پدر و مادر

امام صادق علیه السلام

**چشمه های** را جز از روی دلسوزی و مهربانی با پدر و مادر خیره مکن  
**صدایت** را بلندتر از صدای آن ها نکن  
**دستهای** را بالای دست های آن ها مبر و جلوتر از آنان راه مرو







# دعای پدر

مرحوم آیت الله مرعشی نجفی که تشرفات مکرری از او به محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده و دیگر خصائص و کمالات او زبانزد خاص و عام است، زمانی فرمودند وقتی که در نجف بودیم، روزی هنگام ظهر، مادرم به من گفت: برو پدرت را صدا بزن؛ تا برای صرف نهار بیاید. من به طبقه بالا رفتم و دیدم که پدرم، در حال مطالعه خوابیده است.

نمی دانستم چه کنم؟

از طرفی باید امر مادر را اطاعت می کردم و از طرفی، می ترسیدم با بیدار کردن پدر، باعث رنجش خاطر او گردم.

خم شدم و لبهایم را کف پای پدر گذاشتم و چندین بوسه زدم، تا اینکه در اثر قلقلک پا، پدرم از خواب بیدار شد و دید من هستم.

وقتی این ادب و احترام را از من دید، گفت: شهاب الدین تو هستی؟ عرض کردم: بله آقا.

دو دستش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: «پسرم، خداوند عزت را بالا ببرد و تو را از خادمین اهل بیت قرار دهد».

و من هر چه دارم از برکت همان دعای پدرم است که در حق من نمود و به مرحله اجابت رسید.

بی نوشت:

رسانه تخصصی ادیان، فرق و مذاهب







# زندگی سبک

با حفظ قانون، مشغول عبور از خیابان هستند؟! پس هیچ کس اجازه تخلف از قوانین را ندارد و همه باید یکدیگر را به مراعات قانون دعوت کنیم.

گناهان نیز همین طورند. برخی گناهان صرفاً جنبه ی فردی ندارند، بلکه از جنبه ی اجتماعی نیز مشکل سازند. از همین رو حضرت زهرا علیها السلام در خطبه خود با اشاره به حکمت ممنوع بودن برخی گناهانی که بر جامعه تأثیرات منفی می گذارد، همگان را به تقوا و اطاعت از امر و نهی های الهی دعوت می نماید و می فرماید:

«... وَ أَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» \*

خدا را در آنچه امر و نهی فرموده، اطاعت کنید - و راه علم و آگاهی را پیش گیرید - چرا که «از میان بندگان خدا تنها عالمان و آگاهان از او می ترسند و احساس مسئولیت می کنند».

\* خطبه فاطمیه علیها السلام، فراز ۲۹

پی نوشت:

اقتباس از کتاب زندگی به سبک مادر، نوشته سید محمد علی جلالی نشر



رعایت قوانین همیشه و همه جا و برای همه مفید است. به طور مثال قوانین راهنمایی و رانندگی.

این که باید سرعت مجاز را رعایت کنیم، کمر بند ایمنی را ببندیم، وقت خستگی و خواب آلودگی توقف و استراحت کنیم، هنگام رانندگی کارهایی مانند صحبت با تلفن همراه، یا خوردن و آشامیدن و در آغوش گرفتن کودک که باعث از بین رفتن تمرکز راننده می شود را انجام ندهیم؛ همه و همه در راستای حفظ جان راننده و سرنشینان ماشین است و البته پیشگیری می کند از تصادف با عابرهای پیاده و ماشین های دیگر. همچنین رعایت چراغ راهنمایی و توقف و حرکت عابران پیاده و ماشین ها با توجه به رنگ های سبز و قرمز؛ زرد را هم که هر دو گروه، حق خودشان می دانند!

حالا اگر کسی بیاید و بگوید من نمی خواهم هیچ کدام از این قوانین و مقررات را رعایت کنم، باید چگونه با او برخورد کنیم؟ می شود بی تفاوت بود و اجازه داد که هر طور که می خواهد رفتار کند؟

آیا جز این است که اگر شخصی در رانندگی، خلاف جهت اتوبان و جاده حرکت کند، جدای از خطراتی که برای خود ایجاد می کند، باعث ایجاد خطر برای سایر رانندگان قانون مند می شود؟ آیا غیر از این است که اگر راننده ای به چراغ قرمز اعتناء نکند، هم برای خودش حادثه ایجاد می کند و هم برای عابران پیاده ای که





# امر به معروف و نهی از منکر



## ریشه های فطری و غریزی

پدران و مادران در طول تاریخ، فرزندان خود را به کارهایی واداشته و از کارهایی نهی کرده اند. مسأله امر و نهی و تشویق و هشدار، ریشه در درون هر انسانی دارد و مربوط به زمان و مکان و یا نژاد و منطقه خاصی نمی شود و هر مسأله ای این گونه فراگیر باشد، نشان از فطری بودن آن دارد. هشدار و اخطار و فریاد در برابر خطرهای و انحرافات، مخصوص انسان نیست. در قرآن می خوانیم: وقتی مورچه ای دید حضرت سلیمان با لشگرش در حرکتند، فریاد زد و به سایر مورچگان گفت: به لانه های خود بروید تا پایمال نشوید.<sup>۱</sup> و هنگامی که هُدهد در پرواز خود از فضای کشور سبأ متوجه انحراف مردم شد و دریافت که مردم خورشید پرستند، نزد حضرت سلیمان آمد و از این انحراف شکایت کرد.<sup>۲</sup> بنابراین، فریاد در برابر انحراف و دلسوزی برای دیگران، نه تنها مسأله ای فطری برای انسان هاست، بلکه ریشه ای غریزی در حیوانات نیز دارد.

امر به معروف یک وظیفه عمومی است. قرآن می فرماید: تمام مردان و زنان با ایمان نسبت به یکدیگر حق ولایت دارند تا یکدیگر را به معروف سفارش کنند و از منکر باز دارند.<sup>۳</sup> البته همواره در قرآن، امر به معروف، مقدم بر نهی از منکر به کار رفته است تا بفهماند که کارها را از راه مثبت پیگیری کنید و در جامعه، تنها انتقاد کننده نباشید.

## جامعه ساکت مرده است.

در حدیث می خوانیم: کسی که در برابر خوبی ها و بدی ها بی تفاوت است، مرده ای است که در میان زنده ها نفس می کشد.<sup>۴</sup> سکوت در برابر گناه نتیجه ای جز خسارت ندارد. بر اساس سوره عَشْر، حتی کسانی که اهل ایمان و عمل صالح اند ولی ساکت باشند و دیگران را به حق و صبر سفارش نکنند، در خسارت اند. در قرآن می خوانیم: اگر گروهی از مردم

در حدیث آمده است: اگر در حدیث آمده است: اگر گناه مخفیانه انجام شود، خطری برای همه مردم ندارد؛ ولی اگر گناه آشکارا انجام شود و مردم قدرت برخورد داشته باشند، ولی ساکت بمانند، خداوند همه را مورد قهر و عذاب خود قرار می دهد.<sup>۵</sup> چنانکه در قرآن می فرماید: از فتنه هایی که آتش آن همه را می سوزاند، بترسید<sup>۶</sup> بر اساس روایات: اگر مردم امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، اشرار بر آنان مسلط خواهند شد و دعاها و ناله ها دیگر اثر نخواهد داشت.<sup>۷</sup> گاهی سکوت در برابر گناه، نشانه رضایت است که در این صورت براساس آیات و روایات، این گونه افراد شریک گناهکار حساب می شوند. خداوند به یهودیان زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خطاب می کند که: «چرا شما انبیاء پیشین را کشتید؟» در حالی که نیاکان آنان پیامبران را کشته بودند، ولی چون نسل آنها به کار پدران خود راضی بودند، خداوند، فرزندان را به کردار پدران مورد عتاب و انتقاد قرار می دهد.<sup>۸</sup> با اینکه قاتل حضرت علی علیه السلام از یک نفر به نام ابن ملجم بود، ولی در شب نوزدهم ماه رمضان سفارش کرده اند که صد مرتبه بگویند: «اللهم العن قتلہ أمیر المؤمنین» خدایا! قاتلان علی علیه السلام را لعنت کن! زیرا بسیاری دیگر نیز به این کار راضی بودند.

سیمای افراد ساکت در قیامت در حدیث می خوانیم: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «به خدایی که جانم در دست اوست، از امت من گروهی از قبر بر می خیزند؛ در حالی که در قیافه بوزینه و خوک هستند. این قیافه ها به خاطر آن است که آنان قدرت بر نهی از منکر داشته، ولی با گناهکاران سازش کردند».<sup>۹</sup>

## پاورقی:

۱. سوره مبارکه نمل، آیه ۱۸.
۲. همان، آیه ۲۴.
۳. سوره توبه، آیه ۷۱.
۴. تهذیب الحکام، ج ۶ ص ۱۸۱.
۵. سوره مبارکه بقره، آیه ۲۵۱.
۶. کنز العمال، حدیث ۵۵۱۵.
۷. سوره انفال، آیه ۲۵.
۸. نهج البلاغه، نامه ۴۷.
۹. سوره آل عمران، آیه ۱۸۳.
۱۰. کنز العمال، ج ۳، ص ۸۳.

## پی نوشت:

برگرفته از کتاب ده درس پیرامون امر به معروف و نهی از منکر، حجت الاسلام و المسلمین قرائتی

امر به معروف و نهی از منکر







# دشمن‌شناسی از دیدگاه قرآنی

## ۲- مسئله ساز و بخران آفرینی

از دیدگاه قرآن کسانی که مسئله سازی و بحران آفرینی می کنند تا ذهن مردم را مشوش نمایند دشمن است. چنان که مشرکان و منافقان علیه اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مسئله سازی می کردند. یک روز می گفتند ایشان مجنون است و روز دیگر می گفتند او ساحر است و دیگر بار می گفتند او شاعر است. و وقتی دیدند این حرف ها نتیجه نمی دهد گفتند او ابتر است. بنابراین یکی از نشانه های دشمن شناسی مسئله سازی و بحران آفرینی است. چنان که آمریکا و صهیونیسم امروزه همین کار را می کنند. با فتنه داعش، مسئله ای ساختند که زخم آن تا سالیان سال التیام نخواهد یافت. و بعد طرح تجزیه عراق را پی ریزی کردند و اکنون به دنبال مسئله سازی در لبنان هستند و هر روز بحران جدیدی در کشورهای اسلامی خلق می کنند تا سیطره شان را حفظ و جنگ افزار های شان را بفروشند. و ما اکنون دچار بحران های اقتصادی، امنیتی و فرهنگی از سوی دشمن هستیم. بحث هسته ای جمهوری اسلامی ایران و طرح آن به عنوان یک خطر بالقوه برای جامعه جهانی و یا بحث نفوذ ایران در کشورهای عربی، از مصادیق بارز مسئله آفرینی می باشد. خداوند از این ترفند دشمن به عنوان «مکر» یاد می کند که متد خاص برای ضربه زدن است. چنان که در فتنه ۸۸، مسئله و بحران بزرگی آفریدند و اگر نبود رهنمود های خردمندانه مقام معظم رهبری کشور با آشوب و درد سر بزرگی مواجه می شد. ولکن خداوند می فرماید:

«وَمَكْرُؤًا وَّمَكْرَ اللَّهِ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» (آل عمران: ۵۴)



امروزه شناخت دوست از دشمن بسیار دشوار است. چراکه علوم پیشرفت کرده و به موازات آن شگردها و ترفندهای دشمن نیز دقیق تر و غیر ملموس تر شده است. لذا ممکن است او خود را در پس واژه های عوام فریبانه، پنهان و افکار عمومی را فریب بدهد. و از سویی دوست یا دشمن بودن، یک امر حسی نیست و برای شناخت آن دو، باید سراغ علایم و نشانه های آن رفت و از همین رو، تشخیص آن برای عامه مردم دشوار است. اما قرآن برای شناخت دوست از دشمن، نشانه هایی را معرفی می کند که به تعدادی از آن اشاره خواهد شد.



## ۱- عدم مشارکت در غم و شادمانی

قرآن کریم می فرماید یکی از نشانه های دشمن این است که از شادی شما ناراحت و از غم شما، شاد می شود:

«إِنْ تَسْتَكْبِرُوا حَسَنَةً تَسْؤُهُمْ وَإِنْ تُصَبِّحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ»

(آل عمران: ۱۲۰)

اگر به شما خیر و خوشی رسد آنان را بد حال می کند و اگر بدی و ناخوشی رسد به سبب آن خوشحال می شوند.

امام علی علیه السلام نیز همین معنار از نشانه های دشمن شناسی بیان می کند و می فرماید دوستان ما کسانی هستند که:

«يَفْرَحُونَ لِفَرْحَانَا وَيَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا»

در شادی ما شاد و در غم ما اندوهگین شوند. راستی این روزها چه کسانی از حضور میلیونی زوآر اربعین حسینی در کربلا خوشحال و چه کسانی غمگین هستند؟





## ۴- عهد شکنی و نقض پیمان



یکی دیگر از نشانه های دشمن از دیدگاه قرآن، عهد شکنی یا بد عهدی و نقض پیمان است. یعنی بعد از آن که پیمانی را امضاء و امتیاز گرفت آن را نقض می کند. خداوند در بیش از پنج مورد به پیمانی شکنی یا نقض آن از سوی دشمن تحت عنوان «نکت، ینکت، ینکثون و امثال آن اشاره نموده است. و بارز ترین نمونه آن در حال حاضر **نقض «برجام»** است که از سوی غربی ها انجام می گیرد. آن ها پیمانی را با این نام با جمهوری اسلامی امضاء کردند ولی آن را قبل از رسیدن به سر انجام نقض نمودند.



## ۵- تعارف و لبخند ها کاذب

این یکی را در رفتارهای منافقانه دشمن نسبت به برخی مسئولین و گرم گرفتن های منافقانه و لبخند های کاذب شان به وضوح می توان مشاهده نمود. در حالی که هیچ جناح، نه چپ و نه راست را قبول ندارند. و این نشانه خوبی است برای این که مردم دشمن را بشناسند. در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هم از این شیوه برای ضربه زدن استفاده می کردند و گاه لبخند می زدند و با درود و صلوات وارد می شدند چنان که قرآن می فرماید:

«وَإِذَا جَاءُوكَ حَيَّوكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ» (مجادله: ۸)

یعنی یک تعریف و تمجیدی می کردند که خود بدان معتقد نبودند و صرفاً برای اغواء دیگران این کارها را انجام می دادند. و امروزه این مورد، یکی از ترفندهای موفق دشمن است که باید روشن گری شود

پی نوشت:

## ۳- شبهه افکنی

مشرکان و منافقان وقتی برنامه های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را مانع راه شان دیدند اقدام به شبهه افکنی علیه آن حضرت نمودند و گفتند این چه پیامبری است که غذا می خورد و در بازار راه می رود: «و قالوا ما لهذا الرسول يأكل الطعام و يمشي في الأسواق لو لا أنزل إليه ملك فيكون معه نذيراً» (فرقان: ۷)

و گاه شبهه می کردند که او چرا اشراف زاده نیست و یا چرا به سوی او گنجی افکنده نمی شود: «أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا» (فرقان: ۸) و یا شبهه می کردند که شما از کسی پیروی می کنید که جادو شده است: «إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا» (فرقان: ۸) و سپس داستان «افک» را با هدف فتنه و شبهه علیه خانواده پیامبر مطرح کردند. طوری که قرآن فرمود: «هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ» (نور: ۱۲) پس بنا بر این، شبهه افکنی از نشانه های بارز دشمن از دیدگاه قرآن است. امروزه نیز شبهه افکنی می کنند که فلسطینی ها سنی ناصبی هستند و جمهوری اسلامی چرابه سنی های ناصبی کمک می کند؟! در حالی که ناصبی ها ربطی به اهل سنت ندارند. زیرا ناصبی کسی است که علی علیه السلام را سب می کنند؛ و آن حضرت را به عنوان خلیفه اصلاً قبول ندارند. ولی اهل سنت علی را سب نمی کنند و او را خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ناصبی ها را کافر می دانند. استاد مطهری رحمه الله می فرمایند، این ها فقط برای این که مردم را نسبت به فلسطینیان بدبین نمایند، شبهه می کنند و این حرف ها را می زنند. قرآن کریم از اینگونه القائات و شایعات دشمن به «زخرف القول» (انعام: ۱۱۲) تعبیر می کند که ظاهر آراسته و دلپسند ولی باطن زهر آگین دارد. آیا شما هم از این قبیل شبهه ها سراغ دارید؟







# مؤلفه‌های طلبه انقلاب

## عدم افراط و عمل

### مؤلفه سوم:

پرهیز از افراط در عمل و اهانت به مقدسات و مراجع: یکی از مؤلفه‌های اصلی انقلابی‌گری در سخنان امام خامنه‌ای این است؛ که یک فرد انقلابی و در راس آن طلبه انقلابی باید از افراط به دور باشد و نیز از توهین به مقدسات که از جمله آن مقدسات مراجع می‌باشد خودداری کند. توهین و خرده‌گیری به مراجع کاری مضموم است که افراط در طلبه‌ها را به دنبال دارد و گاه با توجیهاتی به عنوان انتقاد و یا احساس مسئولیت انجام می‌پذیرد که مقام معظم رهبری مدظله‌العالی آن را قبیح می‌دانند و طلبه انقلابی را از آن منع می‌کنند. باید دانست که انتقاد شرایطی دارد که بدون آن انتقاد تبدیل به تهمت و یا بدبینی می‌شود.

## ثبات قدم

### مؤلفه چهارم:

ثبات قدم و حفظ رابطه خود با انقلاب، یکی از مؤلفه‌هایی که مقام معظم رهبری بیان می‌فرمایند این است که طلبه انقلابی در راه حفظ و نشر معارف انقلاب که همان آرمان‌ها و اهداف است ثبات قدم داشته باشد و رابطه خود با انقلاب را حفظ کند. برخی شبهه می‌کنند که آخوند نباید حکومتی باشد و این همان تفکر ناصحیح و ضد انقلاب است که باید اصلاح شود آخوند حکومتی از دید دشمن کسی است که از هویت انقلاب و نظام دفاع می‌کند و خود را جدای از آن نمی‌داند. درحالی‌که امام خامنه‌ای می‌فرایند روحانیت و طلاب باید با تمام وجود از آرمان‌های انقلاب دفاع کنند. و طلبه هرگز نباید فکر کند که دین از نظام جداست و یا خود را از نظام جدا و مستقل بداند. نتیجه این که:

در تمام موارد اگر کسی به این معیارها عمل کند می‌توان گفت شاخصه‌های مهم انقلابی‌گری را دارد و اگر برخلاف آنها عمل کند و یا اعتقاد داشته باشد، می‌توان گفت روحیه انقلابی ندارد و انقلاب زدا است.

## انقلاب بر کرسی

### مؤلفه اول:

انقلابی‌گری، اولین نکته طلبه انقلابی این است که یک طلبه در درجه اول باید آرمان‌ها و اهداف انقلاب را بشناسد و در درجه بعدی در تربیون‌ها و منابر آن را تبلیغ کند زیرا طبق فرمایشات گذشته امام خامنه‌ای لازمه حفظ انقلاب و حرکت صحیح و سریع انقلاب این است که مردم آرمان‌ها و اهداف آن را به خوبی بشناسند.

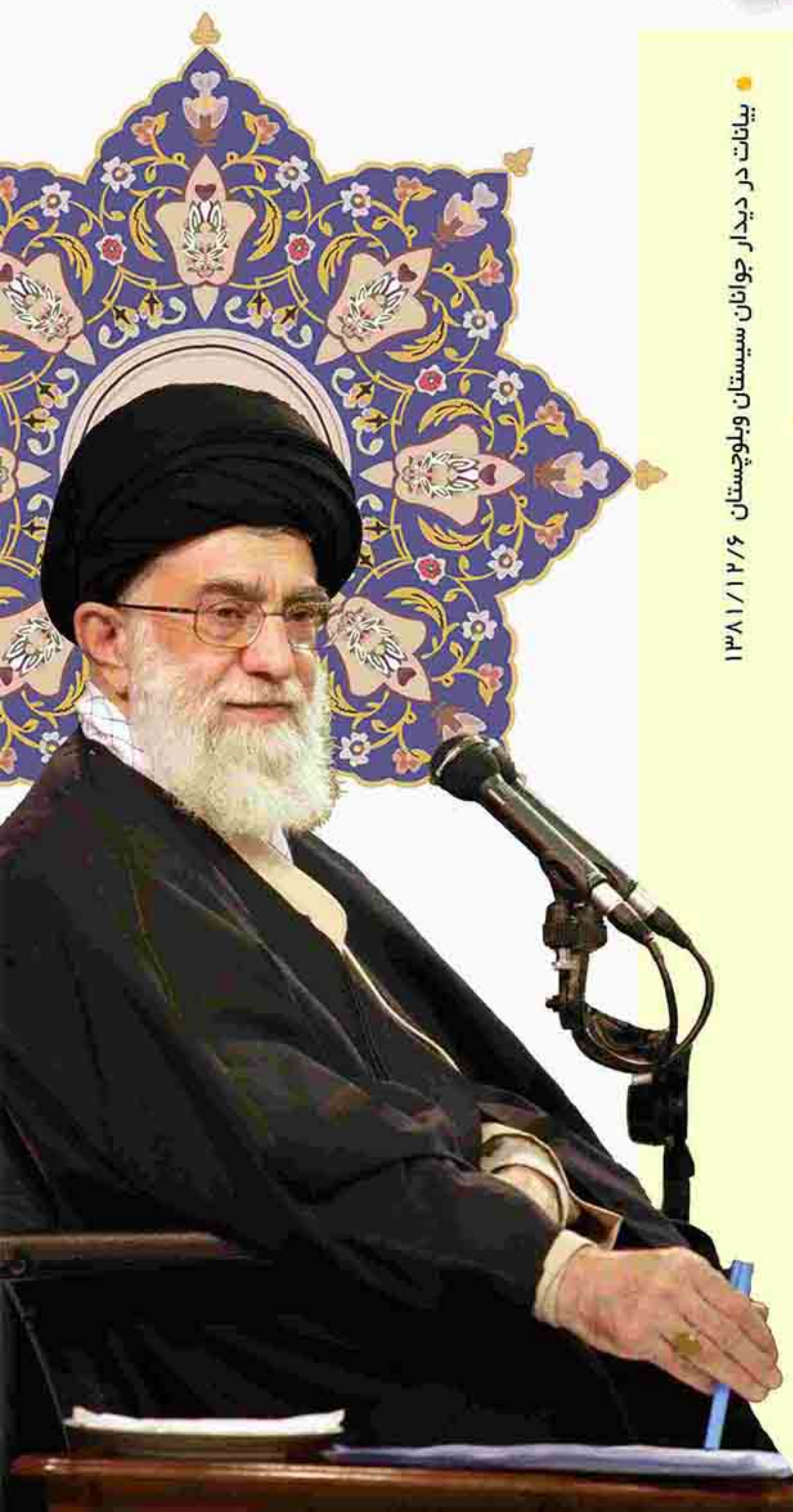


## استکبارستیزی

### مؤلفه دوم:

طلاب باید استکبارستیز باشند چرا که استکبار با اصل انقلاب دشمن است، طلبه انقلابی با توجه به این مؤلفه یعنی طلبه‌ای که ایمان داشته باشد که استکبار هرگز نمی‌تواند دست از دشمنی با انقلاب بردارد تا جایی که اصل انقلاب را نابود کند و شاید طبق تعابیر گذشته مقام معظم رهبری خطری که حوزه را تهدید می‌کند همان است که برخی از بزرگان حوزه، فکر استکبارستیزی را از ذهن خود بیرون کنند و به پیمان‌های پوشالی و توخالی دشمن اعتماد کرده، امید دوستی و صمیمیت از طرف دشمن داشته باشند. طبیعی است با این روحیه و ترویج آن در منابر، آرمان اصلی انقلاب که استقلال کشور است زیر سؤال رفته و به خودی خود انقلاب در خوشبینانه‌ترین حالت استحاله، و بدبینانه‌ترین آن نابود خواهد شد.





بیانات در دیدار جوانان سیستان و بلوچستان ۱۳۸۱/۱۲/۶

توصیه یکی از مسئولان طراز اول رژیم صهیونیستی به آمریکایی‌ها این بود که مسئله اصلی شما ایران است. اگر خاورمیانه را می‌خواهید سراغ ایران بروید.

یکی از مسئولان طراز اول رژیم صهیونیستی غاصب اسرائیل، در سال گذشته توصیه‌ای به آمریکایی‌ها کرد.

توصیه وی به آمریکایی‌ها این بود که مسئله اصلی شما ایران است.

اگر خاورمیانه را می‌خواهید وقتتان را مصروف عراق نکنید، سراغ ایران بروید، کانون و سرچشمه آنجاست. اما ایران مثل عراق و کره شمالی و افغانستان نیست که بتوان با حمله نظامی آن را تسخیر کرد. نظام و حکومت اسلامی به مردم متکی است، مردم آن را حفظ کرده‌اند. باید کاری کنید که مردم آن را رها نکنند. راهش این است که مردم را با ترویج فرهنگ و ادبیات غربی و فرهنگ و تربیت آمریکایی، به واگرایی نسبت به دین و فرهنگ و سنت و تاریخشان سوق داد.





# زالال معرفت



## حضرت آیت الله بهجت رحمه الله...

علم و تقوا دو بال پرواز برای هر طلبه است که اگر به هر کدام از این دو کم توجهی شود زبان های فراوانی متوجه طلبه خواهد شد. معراج السعاده مرحوم نراقی رحمه الله را روزی یک صفحه بخوانید و تا حد توان به آن عمل کنید.<sup>۱</sup> دیگر توصیه های آیت الله بهجت رحمه الله به طلاب علوم دینی<sup>۲</sup>:

۱. هر شب محاسبه نفس کنید. حاسبوا قبل أن تحاسبوا.
۲. من عمل بما علم، علمه الله علم ما لم يعلم. هر کس به آنچه می داند عمل کند، خداوند دانش آنچه را نمی داند به او خواهد آموخت.
۳. هر کس محاسبه نفس کند و نیز به علمش عمل کند، خداوند محاسبه آخر عمر را به او الهام خواهد کرد.
۴. قدم به قدم انسان باید مستغفر و تائب باشد تا خداوند او را نجات دهد.
۵. هیچ شاگردی نباید در بهشت و جهنم رفتن به استادش نگاه کند. «باید خود انسان فکر بهشت و جهنم خود باشد و به دیگران نگاه نکند. باید ببیند تکلیفش

- چیست و به آن عمل کند. باید موازین را شناخت و از موازین پیروی کرد، نه از اشخاص.
۶. با آدم های امین مشورت کنید تا چنانچه زهر می خورید به شما بگویند.
۷. انسان نباید برای چهار تا شاهی حقوق، خود را بفروشد. خدایی که رزاق است، حتی حیوانات را روزی می دهد.
۸. اگر خدا را نصرت نکردی، خداوند هم شما را یاری نخواهد کرد. اگر خدا را یاری نکردی و به کسی ظلم کردی، بعداً دیگری در حق تو ظلم می کند.
۹. عامل بودن با عالم بودن فرق دارد.
۱۰. درس را رها نکنید.





### حضرت آیت الله سبحانی مد ظله العالی

برای فراگیری علوم، استعداد، تلاش و ممارست باید توأمان باشد. در سال تحصیلی جدید، طلاب و فضلاء باید کارهای جانبی را کم کرده و به درس و بحث خود بپردازند، رادیو گوش دادن، تماشای تلویزیون، پیگیری مباحث و مسائل سیاسی، جزء مسائل جانبی است.

طلاب باید در شبانه‌روز حداقل هشت ساعت مطالعه مفید داشته باشند. تحصیل، تدریس، مطالعه و نوشتن، زمینه‌ساز رشد علمی انسان است و اگر این اشتغالات علمی وجود نداشته باشد، موفقیتی حاصل نخواهد شد. دیگر اینکه تقریرات دروس گذشتگان را با دقت بیشتر بخوانید. طلاب باید بدانند که درس را برای هدایت دیگران می‌خوانند و اگر از این مقوله استفاده نکنند درس خواندن فایده‌ای ندارد.

برای اعزام مبلغ به یکی از کشورهای همسایه برای مقابله با بهائیت و تبلیغات مسیحیان دچار مشکل هستیم. آن تعداد اندکی هم که قول مساعدت داده‌اند دو دل هستند و این نشان دهنده عدم مسئولیت‌پذیری طلاب در امر تبلیغ است.

هنگامی که آیت الله بروجردی رحمته... به آیت الله خوانساری رحمته...

پیشنهاد دادند که امام جماعت یکی از مساجد تهران شود، وی در حد آیات عظام حجت و صدر بود، اما دستور آیت الله بروجردی را اجابت کرد. آیت الله خوانساری رحمته... در جواب منتقدین نیز گفت: بر من واجب است که دستور مجتهد جامع الشرایط را اطاعت کنم و این به خوبی نشان‌دهنده احساس مسئولیت آن بزرگوار در امر تبلیغ بود.

سخت‌کوشی برای طلبه امری حیاتی است و امروزه با بهره‌گیری از یک سی‌دی نمی‌توان آن سخت‌کوشی را محقق کرد. باید طلاب را تشویق کنیم تا به مسائل مشکل بپردازند و تنها در این صورت است که رشد خواهند کرد و گرنه با تنبلی هیچ دانشی حاصل نخواهد شد.

طلبه باید خود را از مردم مستغنی بداند و تمام تلاش خود را در راه حق انجام دهد. نظام پرداخت باید به گونه‌ای باشد که بر غنای طلاب و عزت نفس ایشان آسیب نرساند چرا که انسان بدون عزت نمی‌تواند در جامعه‌اش اثرگذار باشد. کار استاد، تنها القای مطالب به ذهن طلبه نیست بلکه باید ببیند که این طلبه بعد از چهار سال که پیش او درس خوانده چه مقدار از علوم را فرا گرفته است. در قدیم که تعداد شاگردان کمتر بود این نظارت بیشتر انجام می‌شد اما اکنون با ازدیاد طلاب و قلت اساتید روبرویم و به این دلیل این اشراف بسیار کم شده است.





## طلبه در پرتو اخلاق

مراقبت اخلاقی معنوی وظیفه آحاد جامعه مسلمانان است، هر فرد متدین باید به سلوک معنوی خود بیندیشد و بر رفتار درون و برون خود مراقبت کند اما روحانی به جهات مختلف به گونه ای مؤکد این وظیفه را بر عهده دارد.

اخلاق و معنویت نور فروزان حیات حوزه است با اخلاق می توان ظلمت را شکافت و حیات و بقای حوزه را به فروغ این شعله تابنده تضمین کرد تا زمانی که این درخشش از حوزه نمایان باشد به یقین و اطمینان از بقاء و تأثیر آن می توان سخن گفت و آن را نهادی مؤثر و ماندنی تلقی کرد.

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای مدظله العالی در سخنان خود در جمع گروهی از طلاب نکته گران مایه ای را از حضرت امام خمینی رحمه الله نقل می کنند که حقیقتاً درس آموز است ایشان می فرماید روزی با جمعی از اساتید معروف بزرگ خدمت امام بودیم، یکی از آن ها راجع به حوزه قم مطالبی به امام گفتند امام در پاسخ فرمودند: «شما بروید دو چیز را در حوزه محکم بچسبید یکی فقه و دیگری اخلاق» این توصیه کوتاه و پر محتوا اهمیت و جایگاه خاص اخلاق در حوزه های علمیه را مشخص می کند و حوزه های علمیه و اصحاب آن را به حرکتی استوارتر به سوی اخلاق و معنویات فرا می خواند.



پس حوزه و اخلاق، عالم دینی و پارسایی، و روحانیت و معنویت همراه و قرین یکدیگرند. حوزه بدون اخلاق، عالم دینی بدون پارسایی، و روحانیت بدون معنویت تصوّر نمی شود. اگر هم باشد پوسته ای درون تهی است و از آن طرف پارسایی و زهد هم بدون ریشه در دانش و آگاهی ره به جایی نمی برد و چراغی نمی افروزد و زاویه تاریکی را روشن نمی کند.

هدف حوزه ها پرورش انسان هایی است که با این دو بال حرکت کنند و پس از تهذیب درون خود جامعه انسانی را بر این دو رکن استوار سازند.

بنابراین با توجه به بیان جایگاه اخلاق در حوزه این سؤال پیش می آید که یک طلبه باید چه خصوصیات اخلاقی داشته باشد؟

در توضیح این که از نظر مبانی دینی یک طلبه به عنوان طالب علوم اسلامی باید چگونه اخلاقی داشته باشد؟ باید گفت که از منظر اسلام، رفتار و کردار طالب علم و جوینده دانش دارای مختصات و شاخصه هایی می باشد.

در این جا به دلیل گستردگی مباحث طرح شده در منابع دینی و سخنان علمای دین و از سوی دیگر عدم گنجایش آن در این نوشتار تنها به سرفصل هایی که **حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای سائلی** زید عزه از اساتید حوزه اشاره داشته اند و تحت عنوان «طرح جامع تربیتی»<sup>\*</sup> در اختیار حوزه های علمیه قرار داده اند می پردازیم.

امید است با توفیقات الهی راهی باشد برای متخلّق شدن طلاب دینی، برخی از این شاخصه ها عبارتند از:



\* این طرح با کمک استاد در قالب کتابچه ای مدوّن در مدرسه علمیه کریمه اهل بیت علیه السلام تهیه شده است.



شاخصه‌های  
اخلاقی طلبه

## شاخصه‌های اخلاقی طلبه

نسبت به انگیزه و هدف:

۱. احساس مسئولیت برای خودسازی و تهذیب نفس
۲. حفظ و استمرار انگیزه تحصیل و مجاهدت
۳. افزایش تمرین‌ها برای این که فضائل، انگیزه‌ی انسان در کارها باشد.

## شاخصه‌های اخلاقی طلبه در حوزه فردی:

۱. آراستگی ظاهر، تمیزی، ساده زیستی و دوری از تجملات
۲. رعایت کامل حجاب اسلامی
۳. رعایت وقار و متانت در تکلم بانامحرم
۴. مطالعه‌ی سیره‌ی علماء اسلام
۵. تغلیب سکوت بر تکلم
۶. پرهیز از زیاد حرف زدن
۷. پرهیز از پریدن در کلام مخاطب
۸. پرهیز از اصرار و یکدندگی و پافشاری برخواسته خود
۹. پرهیز از زود جواب دادن، زود دفاع کردن از خویش، زود توجیه کردن رفتار خود
۱۰. آرام بودن و فکر کردن و گارد نگرفتن نسبت به چیزی که نمی‌دانیم و یا برای اولین بار می‌شنویم.
۱۱. ایمان به این که همه مشکلات از درون انسان است نه از بیرون
۱۲. ایمان به این که هر مشکلی، راه حل واقعی دارد.
۱۳. ایمان به این که راه حل در درون انسان است و از او شروع می‌شود.
۱۴. افزایش تمرین‌ها برای جریان سازی آموخته‌ها در زوایای مختلف زندگی
۱۵. محاسبه و ارزیابی خود به این که تا چه میزان در قضاوت‌های خود از عقل و منطق بهره می‌برد.
۱۶. انجام تمرین‌های عملی برای پا گذاشتن روی خواسته‌های نفسانی

۱۷. تکلیف خواستن از خویش و اصرار بر دیدن نتیجه‌های محسوس

۱۸. پرهیز از توجیه کردن کارهای خویش

۱۹. استفاده صحیح از تلقین برای تاثیرگذاری مثبت

بر روح و عقل

۲۰. تلاش برای معرفت نفس از طریق محاسبه روزانه اعمال

۲۱. پرهیز از برتری جویی و تفوق طلبه بر دیگران

۲۲. پرهیز از معیار قرار دادن شرایط شخصی برای قضاوت

در مسائل عمومی (مثال کوچک: چون شخصاً آمادگی امتحان را ندارد، از برگزاری امتحان ممانعت می‌کند.)

۲۳. انجام تمرین‌های لازم جهت مدیریت همه گونه بحران

۲۴. متعالی دیدن خویش از ورود به مسائل بی ارزش

۲۵. آگاهی از خطرات ابزارهای نوین ارتباطی

۲۶. دشمن شناسی و یافتن راه‌های نفوذ دشمن

۲۷. اعطاء صدقه (هر روز)

۲۸. نماز اول وقت

۲۹. توجه به مقدمات نماز برای افزایش معنویت آن

۳۰. اهتمام زیاده‌تر به کیفیت نماز و آن چه را که قلب

کسب می‌کند (علاوه بر اهتمام بر کمیت)

۳۱. تلاش جهت بالا بردن معنویت و اقبال قلب در

اثناء نماز

۳۲. یاد کردن نام مقدس اهل بیت علیهم السلام و علماء دین

با احترام شدید

۳۳. سلام روزانه به ابی عبدالله الحسین علیه السلام دادن

۳۴. برگزاری دعا عهد به صورت روزانه عبادی







### شاخصه‌های اخلاقی طلبه در معاشرت با دیگران

۱. ابتدا کردن به سلام
۲. عدم خودباختگی در برابر اهانت و تمسخرهای دیگران
۳. پرهیز از انتخاب الگوهای ضعیف (سطحی گرایی در انتخاب الگو)
۴. خوش رفتاری با والدین، همسر و فرزندان
۵. حفظ اعتدال در دوستی (صمیمیت در عین وقار و متانت)
۶. اجتناب از شوخی‌های بی مورد
۷. پرهیز از گناهانی که موجب سلب توفیق از ادامه تحصیل در حوزه می شود (مثل کفران نعمت و استهزاء)
۸. خوشرویی با مخاطبان و برخورد محبت آمیز با آنان (همه جا، حتی در اتوبوس)
۹. وفای به عهد (کمترین آن حضور به موقع در کلاس)
۱۰. تلاش برای حفظ شادابی محیط و شادمان کردن اطرافیان
۱۱. تلاش برای درک وضعیت دیگران
۱۲. تلاش برای فهم احساس و نقطه نظر دیگران جهت ایجاد ارتباط مطلوب تر



### شاخصه‌های اخلاقی طلبه در محیط کلاس و مدرسه

۱. حسن سلوک با اساتید
۲. حسن سلوک با طلاب
۳. حسن سلوک با کارگزاران مدرسه
۴. خضوع و خشوع در برابر استاد
۵. با وضو سر درس و مباحثه حاضر شدن
۶. جدی گرفتن درس‌های حوزه و اشتغال به مطالعه و مباحثه و عبادت دانستن آن
۷. توانایی جمع میان مدرسه و درس با منزل و همسر و فرزند
۸. توجه به افراد گوشه گیر و منزوی کلاس و ایجاد دوستی با آنان
۹. پرهیز از سؤالات بی جا و بی موقع و بیش از حد از استاد و دیگران
۱۰. اجتناب از غرق شدن در درس و غفلت از سایر وظایف
۱۱. کسب مهارت لازم جهت انتقال معارف آموخته شده به خانواده
۱۲. پرهیز از صدا زدن افراد به اسم کوچک در محیط مدرسه با القاب ناشایست
۱۳. کمک به تمیزی مدرسه و مساعدت تمیزبان
۱۴. تلاش برای حفظ اموال مدرسه
۱۵. خاموش کردن چراغ‌ها و بستن شیر آب در صورت هدر رفت
۱۶. کنترل فرزندان به منظور سلامت خودشان و نگهداری اموال مدرسه و کثیف نکردن محیط

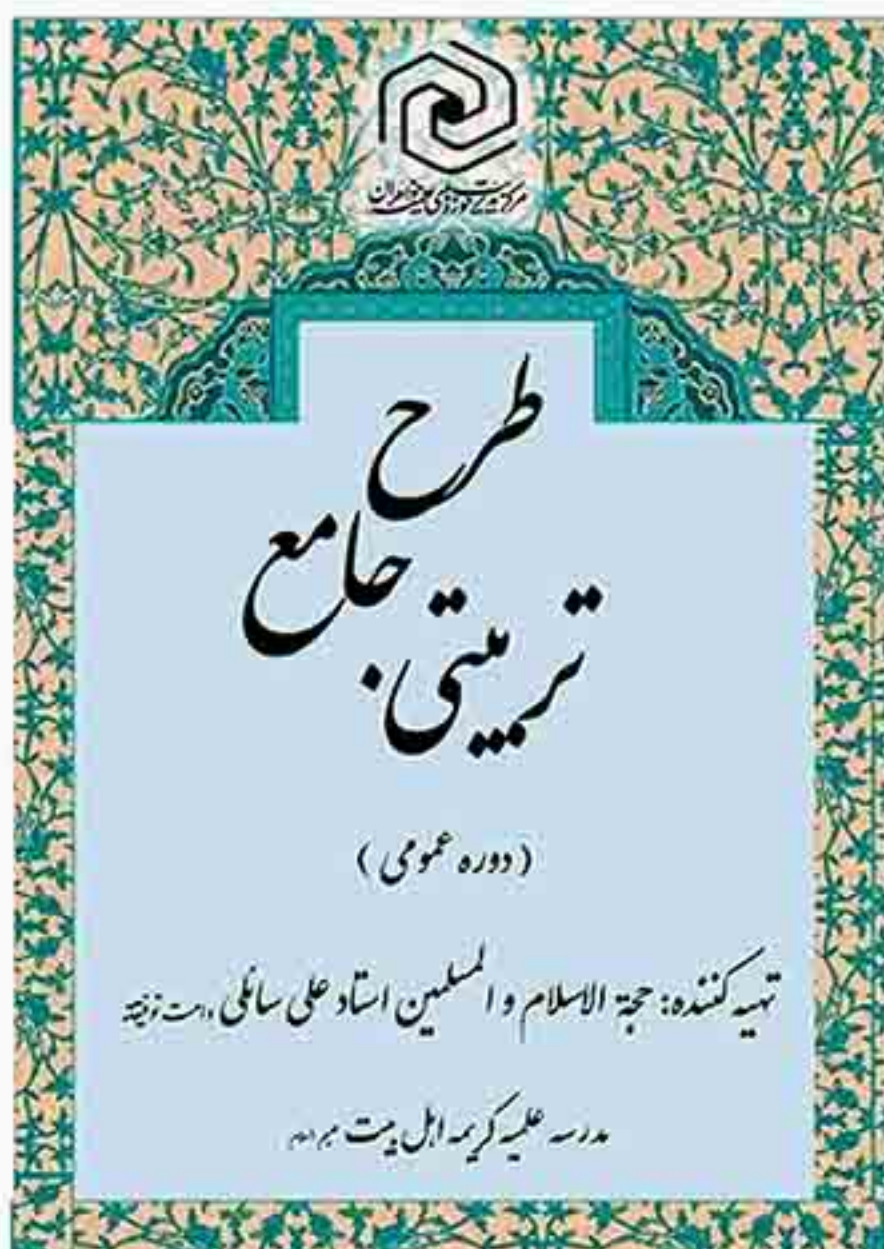






۹. ناتوانی در ایجاد فضای مطلوب برای انجام گفتگو در خانواده
۱۰. به دعوا و مجادله کشیده شدن گفتگوهای خانوادگی
۱۱. نقد مستقیم دیگران و عدم رعایت شرایط آنان
۱۲. تفسیر منفی و برداشت سوء از گفتار و رفتار اطرافیان
۱۳. تصمیمات یک جانبه گرفتن و مشورت نکردن با سایر اعضای خانواده در مسائل مشترک
۱۴. تعریف های افراطی از اشخاص یا حوادث به عمل آوردن
۱۵. توسعه دادن اختلافات و دو قطبی کردن خانواده و فامیل ها
۱۶. عاقبت اندیش نبودن و درنظر نگرفتن مصالح بالاتر
۱۷. احساس بی ایمانی و عدم موفقیت و نارضایتی دائم از خویش داشتن
۱۸. چشم دوختن و تمرکز کردن بر پاره ای از مشکلات زندگی و غفلت از هزاران نعمت بزرگ

اقتباس از طرح جامع تربیتی حجت الاسلام والمسلمین آقای علی سائلی



۱۷. حفظ کتاب های شخصی و نگذاشتن آن در مدرسه
۱۸. اطلاع دادن به مسئولین و خانواده در صورت خروج زود هنگام
۱۹. عدم انتقال اخبار منفی از خواهران و مدرسه به خانواده یا همسر

### ترک رذایل اخلاقی

۱. بزرگ نمایی های بیهوده و غیر واقعی و از کاه، کوه ساختن در مواجهه با مشکلات
۲. مزاجی عملی کردن و نداشتن معیارهای ثابت روحی و اخلاقی در تعامل با دیگران
۳. خودباختگی و احساس ضعف و ناتوانی در مقابل برخی از اشخاص یا برخی از حرف ها
۴. کم رویی منفی و خجالتی ناصحیح و حیاء نادرست
۵. انفعالی و احساساتی عمل کردن با شنیدن خبر یا دانستن موضوعی
۶. قهر کردن و استمرار آن و لجاجت به خرج دادن و کوتاه نیامدن در مسائل زندگی
۷. ناراحت کردن اطرافیان و رنجاندن آنان در صورت ناراحتی و رنجش خود
۸. توقع تشکر و سپاس از اطرافیان داشتن و ندیدن تشکر و سپاس خداوند متعال







● احمد رضا اخلاقی

پدرش شرکت نکرد. داستان به اینجا که رسید، این جوان فامیل مان گفت: چه فرزند بد و احمقی داشته آن مرد! گفتم: مگر جای تعجب دارد؟! در زمان ما هم از این اشخاص زیاد است. گفت: نه! فکر نکنم فرزندی بی احساس و بی عاطفه، مثل آن پسر باشد؟! گفتم، چرا! الآن هم از این فرزندان وجود دارند، که در ایام وفات پدر مشغول لهو و لعب هستند، مگر علی علیه السلام پدر همه مسلمانان نیست؟! بعضی ها در ایام شهادت مولا، به جای عزاداری، مشغول سرگرمی هایی هستند که دل امام زمان علیه السلام و بی بی حضرت زهرا علیها السلام را می شکنند. آنها یا خود را شیعه علی علیه السلام نمی دانند، یا فرزند بدی برای مولا هستند. دیدم اشک هایش جاری شد. گفت: چرا آن ها خود را شیعه علی علیه السلام می دانند، مگر مولایی بهتر از علی علیه السلام در عالم وجود دارد؟! آنها فقط فرزندان بدی برای مولا هستند، اما به عظمت این روزهای پایانی ماه رمضان قسم که من قول می دهم، دیگر فرزند بدی برای مولا نباشم.

تا پایان ماه رمضان چند جلسه ختم قرآن برگزار شد، که آن جوان را می دیدم که با اشتیاق در جلسات قرآن شرکت می کرد. یکی از دوستانش گفت: فلانی آفتاب از کجا در آمده که تو در جلسه قرآن شرکت کردی؟! گفت: آفتاب از همان جای سابقش در آمده!



در رمضان ۱۳۹۶، روحانی یک روستا بودم. در این روستا و هیأتی که من سخنران و مداح آن بودم متوجه شدم که یکی از جوانان که از آشنایان می باشد در جلسات سخنرانی و مداحی شرکت نمی کند، علاوه بر آن در جلسه هایی که با جوانان و دانشجویان داشتم نیز مشارکت نمی کرد. چون منزلشان محل اقامت بنده بود، متوجه شدم که او شب تا سحر بیدار می ماند اما در جلسات هیأت شرکت نمی کند. که بعد فهمیدم به جای راز و نیاز و عبادت و شرکت در جلسات مذهبی، مشغول نگاه کردن فیلم های شبکه های ماهواره ای است. (که متأسفانه امروزه بعضی از جوانان و نوجوانان از جلسات مذهبی روی گردانند و این چنین هستند). این قضیه برایم ناراحت کننده بود و به این فکر بودم که حیف است یک جوان شیعه، در شب های پرفضیلت قدر به جای عبادت و قرآن به سر گرفتن مشغول لهو و لعب شود.

با خود فکر کردم اگر در بین سخنرانی ها به طور غیر مستقیم او را ارشاد کنم، تأثیری نگذارد و حتی نتیجه ی معکوس داشته باشد و جدای از این، او اصلاً در جلسات شرکت نمی کرد که حرف هایم مؤثر واقع شود یا خیر. لذا تصمیم گرفتم با او شخصاً و تنها صحبت کنم. در یک روز که هوا خوب بود به او گفتم: فامیلت را به گردش نمی بری؟ گفت: کجا بریم، گفتم: تا به حال، بالای کوه پشت خانه تان نرفتم، برویم؟! گفت خوب است برویم. دوتایی رفتیم بالای کوه و من دنبال موقعیتی بودم که او را تشویق به شرکت در جلسات مذهبی کنم تا وقتش را صرف لهو و لعب نکند. تا اینکه خسته شدیم و همان بالای کوه نشستیم. گفتم: می خواهی یک داستان برایت بگویم، گفت: چه خوب! گفتم شخصی پدری داشت که از کمالات، کم نداشت، مردم همه او را قبول داشتند. اما روزی که این پدر از دنیا می رود، مردم همه مشغول تشییع و مراسم دفن پدرش می شوند به جز خود این پسر که دو تا خروس را به جان هم انداخته و از خروس بازی لذت می برد و در مراسم تشییع و تدفین





همانطوری که در این روایات آمده است یکی از علل وضو برای این است که انسان وقتی می خواهد در برابر خالق هستی که آفریننده تمام زیبایی ها است قرار بگیرد ظاهرش تمیز و پاکیزه باشد، و به وسیله وضو خود را از آلودگی و نجاسات پاک نماید و چرت و بی حالی را از بین ببرد، و با قلبی نورانی و ظاهری شاداب و با طراوت در محضر محبوب قرار گیرد.

## فلسفه و فواید وضو

فلسفه و فایده وضو از دو نظر قابل توجه می باشد. یکی آثار وضوء از نظر دنیوی و بهداشتی و دیگر از جهت معنوی است.

**آثار دنیوی و بهداشتی وضوء:**

۱- سبب طول عمر:

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

«یا انس اکثر من الطهور یزید الله فی عمرک، و إن استطعت أن تكون بالیل و النهار علی طهار فافعل، فانک تكون إذا مت علی طهارة شهیداً».

ای انس: سعی کن طاهر و با وضو باشی که خداوند بر طول عمرت می افزاید، و اگر توانستی شب و روز با وضو باشی این کار را انجام بده، زیرا اگر در حال وضو از دنیا بروی پاداش و ثواب شهید را خواهی داشت.

۲- برآورده شدن حاجت:

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنِّی عَجِبْتُ مَنْ بَاخَذَ فِی حَاجَةٍ وَ هُوَ عَلِیَّ وَضُوءَ کَیْفٍ لَا تَقْضِی حَاجَتَهُ».

من تعجب می کنم از کسی که دنبال حاجت و کاری است درحالی که با وضو است، حاجتش برآورده نشود!

۳- ثواب شهید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

«مَنْ نَامَ مَتَوَضِّئاً كَانَ فَرَاشَهُ لَهُ مَسْجِداً، وَ نَوْمُهُ لَهُ صَلَوةٌ حَتَّى یَصْبَحَ، وَ مَنْ نَامَ عَلِیَّ غَیْرِ وَضُوءٍ كَانَ فَرَاشَهُ لَهُ قَبْراً وَ كَانَ کَالْخِیْفَةِ حَتَّى یَصْبَحَ».

کسی که با وضو بخوابد بستر او برایش مسجد می شود، و خوابش (ثواب کسی را دارد که) به نماز مشغول است تا این که شب را به صبح رساند. و اگر کسی بدون وضوء خوابید بسترش برای او قبر خواهد بود و مانند مرداری می ماند تا صبح شود.



۴- باعث زیادی رزق:

امام صادق علیه السلام فرمود:

«مَنْ سَرَهُ أَنْ یُکْثِرَ خَیْرَ بَیْنِهِ فَلِیَتَوَضَّأَ عِنْدَ حَضْرٍ طَعَامِهِ».

کسی که دوست دارد بر خیر و برکت منزلش بیافزاید هنگام غذا خوردن وضوء بگیرد.

۵- سبب از بین رفتن غم و غصه:

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

«أَوَّلُهُ یَنْفِی الْفَقْرَ وَ آخِرُهُ یَنْفِی الْهَمَّ».

وضو و (شستن دست و صورت) پیش از غذا باعث از بین رفتن فقر، و بعد از آن سبب از بین رفتن غم و غصه خواهد شد.

۶- فرونشاندن غضب:

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

«إِذَا غَضِبَ أَحَدُکُمْ فَلِیَتَوَضَّأَ».

زمانی که یکی از شما خشمگین گردید وضو بگیرد.







## آثار دینور

آثار بهداشتی وضوء:

امام رضا علیه السلام فرمودند:

«انما امر بالوضوء ليكون العبد طاهراً اذا قام بين يدي الجبار عند مناجاته اياه، مطيعاً له فيها امره، تقياً من الأدناس و النجاسة، فيه من ذهاب الكسل و طرد التعاس و تزكية الفوار للقيام بين يدي الجبار».

خداوند سبحان امر به وضوء کرده تا اینکه انسان در پیشگاه خداوند برای مناجات حق تعالی قرار می گیرد، طاهر و پاکیزه گردد و مطیع دستورات او باشد. و همچنین به وسیله وضوء انسان را از پلیدی ها و نجاسات پاک می گردد، و نیز به سبب وضوء، سستی و چرت از بین می رود و قلب برای نماز و حضور نزد حق تعالی پاک خواهد گشت.

## مراتب طهارت

«طهارت دارای مراتبی است، طهارت ظاهری و باطنی و هر یک نیز دارای درجاتی است به قول عارف شبستری :

«موانع چون در این عالم چهار است

طهارت کردن از آن هم چهار است  
نخستین پاکی از احداث و انجاس

دوم از معصیت و ز شر و سواس  
سیم پاکی ز اخلاق ذمیمه است

که با آدمی همچون بهیمه است  
چهارم پاکی سر است از غیر

که اینجا منتهی می گرددش سیر  
هر آن کو کرد حاصل این طهارت

شود بی شک سزاوار مناجات»



## آثار دلائم الوضوء بودن

۱- پاکیزگی تمام بدن

پیامبر گرامی اسلام صلوات الله علیه و آله وسلم : هر کس هنگام وضوء ذکر خدا را بگوید، تمام بدنش پاک گردیده است.

چنانچه امام صادق علیه السلام می فرمایند: هر کس ذکر خدا را به هنگام وضوء بگوید، مانند این است که غسل کرده باشد.

۲) بخشیده شدن گناهان

پیامبر گرامی اسلام صلوات الله علیه و آله وسلم: هنگامی که نماز گزار وضوء می گیرد آثار و برکاتی به دنبال دارد از جمله وقتی که صورتش را می شوید آثار گناهان از چهره اش زدوده می شود، و زمانی که دو دستش را تا آرنج (مرفق) می شوید گناهانی که بوسیله دست هایش انجام داده از بین می رود، و آن وقت که سرش را مسح می کشد معصیت هایی که به وسیله سرش انجام داده زدوده می شود، و آن وقت که پاهایش را مسح می کشد گناهانی که به کمک پاهایش انجام داده است از بین خواهد رفت، اگر کسی در اول وضوء گرفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» را (با دقت و فهمیدن معنایش) بگوید تمام اعضایش از گناهان پاک می شود.

۳) مستجاب شدن دعاها

امام صادق علیه السلام: تعجب میکنم از کسی که دنبال حاجت و کاری است در حالی که با وضوء است، حاجتش برآورده نشود.

۴) بدست آوردن رزق و روزی فراوان.

۵) زیاد شدن تمرکز

وضوء گرفتن قبل از مطالعه باعث افزایش توجه و تمرکز و افزایش هوشیاری در انسان میشود؛ زیرا نواحی مرتبط با وضوء، بیشترین وسعت را در قشر حرکتی مغز دارند و هرچه تحریک این قشر هم بیشتر باشد، خواب آلودگی و کسالت از انسان دور می شود.

امام صادق علیه السلام: کسی که وضوء بگیرد و با حوله اعضای وضوء را خشک کند، یک حسنه برای او نوشته می شود و کسی که وضوء بگیرد و صبر کند تا دست و رویش خود خشک شوند، سی حسنه برای او نوشته می شود.

۶) زیاد شدن عمر.

۷) عبادت بودن خواب با وضوء.





پی نوشت ها:

۱. بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۳۱۴، روایت ۲، باب ۵.
۲. بحار الأنوار، ج ۸، ص ۳۱۴، روایت ۳، باب ۵.
۳. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۹۷.
۴. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۹۷.
۵. فروع کافی، ج ۶، ص ۲۹۰.
۶. اصول فیزیولوژی، دکتر رابرت برن و متیولوی، ص ۱۲۴.
۷. ثواب الاعمال، شیخ صدوق.
۸. بحار الأنوار، ج ۷۷ (۸۰)، ص ۳۰۵.
۹. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۲.
۱۰. بحار الأنوار، ج ۷۷ (۸۰)، ص ۳۰۵.
۱۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ج ۱ ص ۳۵۷.
۱۲. برخی از مراجع عظام فرموده اند: اگر در مصرف آب زیاده روی نشود اسراف نیست و مستحب است وضو با تمام آدایش به مقدار کمی آب، یعنی حداکثر یک مد که مساوی سه چهارم اسرار علمی وضو، وسائل الشیعه ج ۱
۱۳. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ۱، ص ۳۵.

۸) شهادت بودن مرگ با وضو.

۹) نورانی شدن در قیامت

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم: فردای قیامت خدای متعال امت من را بین بقیه ی امت ها در حالی محشور می کند که به خاطر به خاطر وضویی که در دنیا گرفتند رو سپیدند و پیشانی های نورانی یی دارند.

نکته: وضو گرفتن مکرر جهت دائم الوضو بودن، اسراف نیست.

اگر در مصرف آب زیاده روی نکند اسراف نیست و مستحب است وضو با تمام آدایش به مقدار کمی آب، یعنی حداکثر یک مد که مساوی سه چهارم لیتر است انجام شود.

وضو نور است و تداوم آن، باعث ارتقا به عالم قدس خواهد شد. در حدیث آمده است: تجدید وضو، همانند نوری است بر روی نور دیگر.

این دستور با برکت، نزد بزرگان علم و عمل تجربه شده است، پس باید سالک إلی الله، همیشه با وضو باشد و در تداوم آن همت عالی داشته باشد.





# احکام و زندگی

آیت الله خامنه ای دام ظلّه العالی



بسمه تعالی.

الف-د) هرگونه ارتباط نوشتاری، صوتی یا تصویری که همراه با لذت بوده یا مستلزم مفسده و خوف وقوع در گناه باشد، جایز نیست و با وجود شرائط و حفظ مراتب وظیفه همگانی امر به معروف و نهی از منکر زبانی می باشد و دوستی و رفاقت با نامحرم جایز نیست.

آیت الله سیستانی دام ظلّه العالی



باسمه تعالی

الف) اگر خوف وقوع در حرام یا مشتمل بر کلمات مثیر شهوت باشد جایز نیست.  
ب) فرقی نمی کند و ملاک آن گذشت.  
ج) نشان دادن جاهائی که پوشاندن آن لازم است با دوربین پخش مستقیم جائز نیست و نیز نشان دادن جاهائی هم که پوشاندن آن لازم نیست اگر به قصد تحریک شهوت دیگری باشد جائز نیست.  
د) جائز نیست مگر به جاهائی مثل صورت زن اگر بدون شهوت باشد.  
و) هر کجا احتمال تأثیر باشد واجب است ولی از مقارنات حرام نباید استفاده نمود.

● سرکار خانم رقیه چهرقانی

## احکام فضا مجاز

سؤال:

الف) حکم چت با همجنس در اینترنت (حرف های ناپسند) چیست؟ اگر چت با غیر همجنس باشد چطور؟ (درباره حرف های روزمره، علمی، اسلامی و ناپسند)  
ب) اگر جنس طرف مشخص نباشد حکم چگونه است؟  
ج) نشان دادن خود به وسیله دوربین پخش مستقیم، به نامحرم یا همجنس با تصویر محجب یا غیر محجب چه حکمی دارد؟  
د) حکم نگاه کردن آنها (چه محجب باشند چه غیر محجب) از طریق پخش مستقیم با شهوت یا بدون شهوت چیست؟  
و) امر به معروف به چه کسانی و تا چه حدی جایز است؟ و حکم تبلیغ دین اسلام به نامحرم کافر و دوستی با او چیست؟

آیت الله بهجت دام ظلّه العالی



بسمه تعالی.

حرام است اگر معرضیت ریه و یا محرم دیگری باشد.

آیت الله تبریزی دام ظلّه العالی



بسمه تعالی

ارتباط زن و مرد نامحرم چه از طریق تلفن باشد یا از طریق اینترنت معرض فساد بوده و جایز نیست و نیز نگاه کردن به برنامه هایی که موجب تهییج شهوت بر حرام یا ترویج فساد در جامعه است جایز نیست، و در پخش مستقیم نگاه کردن به طرف مقابل و نشان دادن خود به او حکم نگاه کردن و نشان دادن حضوری را دارد، و گفتگو حتی با همجنس در صورتی که مشتمل بر حرام یا مورد ترغیب به حرام باشد جایز نیست، و امر به معروف و نهی از منکر در صورت وجود شرائط واجب است لکن انجام این وظیفه شرعی با ارتکاب معصیت و عمل خلاف شرع محقق نمی شود.





آیت ... مکارم شیرازی دام‌نعمدی



بسمه تعالی

بهتر این است که از تمام این ها پرهیز شود.

آیت ... نوری همدانی دام‌نعمدی



بسمه تعالی

الف، ب) مبادله حرف های ناپسند جایز نیست.  
 ج) در فرض سؤال نشان دادن خود به نامحرم غیر محجب جایز نیست و در غیر آن اگر موجب مفسده باشد، حرام است.  
 د) نگاه کردن با شهوت جایز نیست.

آیت ... وحید خراسانی دام‌نعمدی



الف و ب) فحش و الفاظی که ذکر آنها مستحب است با همجنس و غیر همجنس حرام است و همچنین است هر کلامی که موجب تهییج یا تحریک شهوت یا با آن ترس وقوع در معصیتی باشد.

ج) به صورت غیر محجب حرام است و به صورت محجب که قصد نشان دادن داشته باشد و مرد هم به قصد لذت نظر می کند واجب است صورت را از نامحرم بپوشاند.  
 د) در فرض سؤال بر طبق مسأله ۲۶۹۷ رساله باید عمل شود.  
 و) به احکام امر به معروف و نهی از منکر رساله و مسأله ۲۰۱۸ تا ۲۰۷۸ مراجعه نمائید. و از ارتباط با نامحرم چه کافر و چه غیر کافر اجتناب شود و دوستی با نامحرم جایز نیست.

پی‌نوشت:

توضیح المسائل مراجع عظام

آیت الله صافی گلپایگانی دام‌نعمدی



بسم الله الرحمن الرحيم.

الف) در مورد حرف های ناپسند چه با همجنس و چه غیر آن جایز نیست و نسبت به مطالب علمی و اسلامی صحیح است و فی حد نفسه اشکال ندارد. بلی اگر همراه با عملی که شرعاً جایز نیست باشد صورت شرعی ندارد و جایز نیست.  
 ب) حکم مسأله از این نظر تفاوت نمی کند.  
 ج) اگر معرض ربه و التذاذ باشد حرام است.  
 د) با شهوت حرام است و با غیر شهوت هم اگر معرضیت برای فساد اخلاق اولاً ابالی گری داشته باشد حرام است.  
 و) درجات و شرایط امر به معروف و نهی از منکر در توضیح المسائل از مسأله ۲۸۶۳ تا ۲۸۷۰ مرقوم است به آنجا مراجعه فرمایید.

آیت الله فاضل لنکرانی دام‌نعمدی



باسمه تعالی

لف) آنچه که فاسد است، یا تالی فاسد دارد و اثرات مخرب اخلاقی و اجتماعی دارد جایز نیست.  
 ب) به پاسخ قبل مراجعه شود.  
 ج) بطور غیر محجب جایز نیست و همینطور است اگر محجب باشد و مفسده داشته باشد...  
 د) اگر مفسده داشته باشد جایز نیست.  
 و) هر جا که شرایط آن تحقق یابد واجب است. و فرقی بین افراد مختلف نیست.







# اخلاق هم‌داری

## اخلاق و رابطه آن

### در تربیت فرزندان

#### رعایت اخلاق عامل بقای خانواده

دین اسلام برای حسن رابطه بین زن و شوهر، بقاء و استحکام بنیاد خانواده و برای جلوگیری از اختلافات خانوادگی و وقوع طلاق نیز بهترین وسیله را رعایت ارزش‌های اخلاقی می‌داند و در این باره توصیه‌های فراوانی دارد. اسلام ازدواج را پیمانی مقدس می‌داند که در بین یک زن و مرد، به اعتبار این که دو انسان هستند، بسته می‌شود و مهمترین هدفش تأمین نیازهای انسانی و آرامش و سکون و انس زن و مرد با یکدیگر است و حتی لذت‌جویی‌های مشروع جنسی و اِشباع غریزه و تولید و پرورش فرزندان را نیز در راه تأمین هدف عالی انسانی محسوب می‌دارد.

قرآن در این باره می‌گوید: «و از نشانه‌های خداست که برای شما از جنس خودتان همسرانی بیافرید تا بسوی آنان آرامش بیابید، و در میان شما محبت و دلسوزی قرار داد، همانا که در این موضوع برای اندیشمندان

نشانه‌هایی است.» (روم آیه ۲۱)

در آیه مذکور انس و آرامش خانوادگی به عنوان ثمره ازدواج معرفی شده است و این موضوع بسی برتر از امکان اِشباع مشروع غریزه جنسی است. در پیمان زناشویی، زن و مرد با تمام وجود به سوی همدیگر جذب، متحد و یک دل می‌گردند و در تمام ابعاد زندگی در خدمت یکدیگر قرار می‌گیرند و مأنوس و هم فکر و هم راز و هم مسیر می‌شوند.

در آیه یاد شده زندگی خانوادگی بر دو پایه

نیرومند مودت و رحمت استوار گشته است. یکی از پایه‌های ازدواج، مودت و علاقه زن و شوهر نسبت به یکدیگر است. یعنی خوبی‌ها و نقاط مثبت یکدیگر را مورد توجه قرار می‌دهند و از صمیم قلب همدیگر را دوست می‌دارند. هر یک از آنان، دیگری را نعمتی ارزشمند از جانب خدا و وسیله انس و الفت و آرامش و دلگرمی و شریک در زندگی می‌شمارد و از این نعمت بزرگ قدردانی و سپاس‌گذاری می‌کند.

پایه دیگر ازدواج که در آیه بدان اشاره شده، رحمت یعنی مهربانی و دلسوزی است. هرگاه یکی از زوجین با نقصان و ضعف و نیازی در همسرش مواجه شد با دیده‌ترحم و دلسوزی به آن می‌نگرد و فکر می‌کند که او یک انسان است و انسان بی نقص نیست. چنانکه خودش نیز بی عیب نیست. لذا دلش به حال او می‌سوزد و سعی می‌کند با نرمی و مدارا و از روی مهربانی و دلسوزی نقص او را در صورت امکان برطرف سازد، و در غیر این صورت او را با همان حال می‌پذیرد و نقصانش را نادیده می‌گیرد و به زندگی ادامه می‌دهد. لازمه رحمت و دلسوزی این است که همچنانکه زن و شوهر خیر و صلاح خود را می‌خواهد در همه حال، خواست‌ها و تمایلات همسرش را نیز منظور بدارد و هرچه را برای خود می‌خواهد برای او نیز بخواهد و همواره به فکر تأمین سعادت، آسایش و آرامش او نیز باشد.

قرآن در این باره تعبیر بسیار جالبی دارد و زن و شوهر را چنین توصیف می‌کند: «زنان برای شما لباس هستند و شما نیز برای آنان لباس هستید.»

(بقره آیه ۱۸۷)

لباس مجموع بدن انسان را با همه کمالات و نواقص، خوبی‌ها و بدی‌ها و زیبایی‌ها و زشتی‌ها در بر می‌گیرد، از سرما و گرما و خطرهای حفظ

می‌کند؛

بر زیبایی‌هایش می‌افزاید

و عیوبش را می‌پوشاند. لباس نزدیکترین اشیاء نسبت به انسان است و از جمله نیازهای اولیه به شمار می‌رود. زن و شوهر نیز نسبت به یکدیگر باید همانند لباس باشند و همدیگر را با همه نواقص و کمالات بپذیرند، حافظ و نگهبان و آرامش‌بخش یکدیگر باشند، بر زیبایی‌های هم بیفزایند، عیوب هم را بپوشانند و راز نگهدار و محرم اسرار همدیگر باشند.

اسلام در مورد روابط بین زن و شوهر و زندگی خانوادگی این گونه می‌اندیشد و آن را بر چنین پایه‌هایی استوار ساخته است. تشکیل چنین خانواده‌هایی در خور انسان است و سعادت جسمانی و نفسانی، دنیوی و اخروی او را تأمین می‌کند. اگر بنیاد خانواده‌ها بر پایه‌های ایمان و محبت و دلسوزی استوار گشت، کانون خانواده را گرم و با صفا می‌سازد و از کشمکش‌ها و اختلافات و فروپاشی جلوگیری می‌کند.

امام سجّاد علیه السلام در رساله حقوق خود می‌فرماید: «اما حق کسی که به جهت ازدواج رعیت تو حساب می‌شود: بر تو آنست که بدانی خداوند متعال قرار داده است او را تسکین دهنده و آرامش‌بخش و نگهدارنده و مونس برای تو؛ پس بر هر دو نفر شما واجب است که قدر این مصاحبت را بدانید و از خداوند متعال به خاطر این نعمت تشکر نمائید؛ زیرا این نعمت از







تحت فشار روحی قرار دارد نگران است و دلگرمی را از دست داده ، روحیه او را تقویت کنید، تفاوت و امتیاز مهم این راه از روش اول این است که اگر بخواهیم مشکلات خارجی را برطرف کنیم ، چون مشکلات انواع مختلف دارند، یکنفر نمی تواند از هر جهت به او کمک کند.

همچنانکه تعداد زیاد مشکلات اگر با کمک مداوم تواءم باشد موجب تنبلی و وابستگی روحی می شود و امکان کمک هم برای امثال همسران نیست ، بر خلاف روش دوم که ربطی به زیادی مشکلات و تنوع آنها و مخراج گسترده ندارد.

گفتن چند جمله سنجیده و مؤثر، همراه با اخلاق و رفتار محبت آمیز و تشویق صمیمانه، بهترین کمک برای تقویت روحیه است چه از معلم به شاگرد، یا همسر به همسر، یا پدر به فرزندان و دیگران .

بعد از بیان آن مقدمه عروس و داماد می توانند بخوبی رمز همیاری و خدمت به یکدیگر را دریابند.

اگر ساختمان وجودی هر انسانی به گونه ای است که خواه یا ناخواه در مقابل تشویق و دلگرمی و صمیمیت و محبت قوت می گیرد و متاثر می شود.

چرا از این وسیله مهم در راه موفقیت زندگی استفاده نکنید؟ با محبت و ایجاد علاقه و اخلاق خوب و مودبانه و صفا و صمیمیت می توانید پشوانه محکمی برای زندگی خود و موفقیت شوهر در مقابله با مشکلات و در نتیجه سعادت خود فراهم کنید

پی نوشت:

سید محمد نجفی یزدی

سر راه او باشند.

راه موفق شدن در زندگی برای هر کسی در مقابله با مشکلات و سختی ها یکی از دو راه زیر است:

۱- برداشتن مشکلات خارجی و موانع

۲- تقویت روحیه

راه اول:

راهی است که اغلب مردم به آن می اندیشند و آن را تنها راه حل مشکل نیز می پندارند، و سعی می کنند که این مشکل ها بوجود نیاید و اگر هم آمد می خواهند همان ها را برطرف کنند، و به همان نیز قانع هستند، و هر کس را نیز بدون مشکل مادی یافتند خوشبخت می دانند و طبعاً هر که مشکلات مادی دارد همچون فقر و مرض و شغل پائین و غیره بی چاره و ناکام می پندارند، و این طرز فکر در عکس العمل مردم نسبت به طبقات جامعه کاملاً هویدا است. و لذا چون راه حل این مشکلات را در بر طرف کردن آن می دانند، اگر نتوانند مثلاً به یک بیمار کمک کنند و یا نیاز نيازمندی را بر طرف کنند، خود را ناتوان از کمک به وی می بینند، در مسائل خانوادگی هم اگر با این سطح فکر رفتار کنیم، چه بسا همسری بگوید من که نمی توانم در مسائل مالی، اداری و غیره به او کمک کنم، پس وظیفه ای ندارم.

اما راه حل دومی نیز هست که بسیار مؤثرتر و مفیدتر نیز خواهد بود، به این صورت که انسان توجه کند، فشار مشکلات بر روح آدمی است، لذا با تقویت روحیه خود و یا کسی که درگیر مشکلات است او را در مقابله با مشکلات قدرتمند گرداند، کاری کند که خود بتواند مشکلاتش را بر طرف کند، یعنی درست از همان راهی که مشکلات فشار می آورند، آن را برطرف کنیم ، اینراه از جهتی بسیار آسان تر و عمومی تر خواهد بود، و بسیار نیز مؤثر می باشد. وقتی کسی را یافتند که در اثر مشکلات تحت

ناحیه اوست

و واجب است که با نعمت خداوند

به دیده تکریم و احترام نگاه شود و با مهربانی و لطف و خوش رویی با آن برخورد گردد.

## اخلاق در خانواده:

راه کمک به همسر و دلگرمی در زندگی خستگی متعلق به روح است نه جسم؛ و مشکلات، درد و رنج متعلق به روح است نه بدن، ترس و بزدلی متعلق به روح است نه بدن؛ خود باختگی متعلق به روح است نه بدن. خلاصه مرکز اصلی اغلب صفات انسان، روح است، گرچه زمینه آن در مسائل مادی ایجاد می شود، مشکلات در خارج وجود انسان پدید می آیند، ولی روح خسته می شود.

آنچه سخت است وجود مشکلات نیست، بلکه سختی در خستگی روح است، و الا روح بلند و پر استقامت از مقابله با مشکلات نه تنها ضرر نمی بیند که آبدیده تر هم می شود و بر تجربیات خود نیز در مقابله با مشکلات می افزاید.

مشکل حقیقی این است که سختی های زندگی روح کسی را افسرده و خسته و بی طاقت کند، روح اگر افسرده باشد دچار بزرگترین نقص ها شده است گرچه هیچ مشکلی در زندگی مادی نداشته باشد، و برعکس، روح اگر با نشاط و نیرومند شد بزرگترین موفقیت ها را بدست خواهد آورد، گر چه مشکلات چون کوه ها بر





### سرانجام ناسپاسی

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«أَيُّمَا إِمْرَأَةٍ قَالَتْ لِرَوْحِهَا: مَا رَأَيْتُ قَطُّ مِنْ وَجْهِكَ خَيْرًا فَقَدْ حَبَطَ عَمَلُهَا»<sup>۱</sup>

هر زنی به شوهرش بگوید: من از تو هرگز خیری ندیدم، [ثواب] کارش از بین می رود.»

### لجبازی هرگز

پیامبر عزیز خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«خَيْرُ نِسَائِكُمُ الْوَدُودُ الْوَلُودُ الْمُؤَاتِيَةُ وَ شَرُّهَا اللَّجُوجُ»<sup>۲</sup>

بهترین زنانان زنی است که با محبت، فرزندان و سازگار باشد، و بدترین آنان زنی است که لجباز باشد.»

### خشمگین کردن شوهر هرگز

پیامبر عزیز خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«طُوبَى لِمَرْأَةٍ رَضِيَ عَنْهَا زَوْجُهَا»<sup>۳</sup>

خوشا به حال زنی که شوهرش از او راضی باشد.»

### اذیت نکن

پیامبر عزیز خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«مَنْ كَانَ لَهُ إِمْرَأَةٌ تُوْذِيهِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهَا وَ لَا حَسَنَةَ مِنْ عَمَلِهَا حَتَّى تَعِينَهُ وَ تَرْضِيَهُ وَ إِنْ صَامَتِ الدَّهْرَ وَ قَامَتِ وَ اعْتَقَتِ الرِّقَابَ وَ انْفَقَتِ الْأَمْوَالَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ كَانَتْ أَوَّلَ مَنْ تَرَدُّدَ النَّارُ ثُمَّ قَالَ: وَ عَلَى الرَّجُلِ مِثْلُ ذَلِكَ الْوُزْرُ وَ الْعَذَابُ إِذَا كَانَ لَهَا مُؤْذِيًا ظَالِمًا»<sup>۴</sup>

کسی که زنی دارد که [آن زن] به او آزار می رساند، خداوند نماز و کارهای نیک زن را نمی پذیرد تا اینکه به مرد کمک و او را راضی کند، اگر چه این زن تمام عمر را روزه بگیرد و نماز بخواند و بندگان را آزاد و دارایی [اش] را در راه خدا انفاق کند. و این زن نخستین کسی است که وارد آتش جهنم می شود. سپس حضرت فرمودند: مرد نیز چنین گناه و عذابی دارد اگر زنش را آزار رساند و [به او] ستم کند.»



### باران عشق و محبت

امام رضا علیه السلام می فرمایند:

«اعلم ان النساء شقي فمنهن الغنيمة والغرامة و هي المتحبة لزوجها والعاشقة له...»<sup>۱</sup>

بدان که زنان گوناگونند، برخی از آنان دستاوردی گران بها و تاوان [رنج های آدمی] هستند و این زن کسی است که به شوهرش محبت می کند و عاشق اوست.»

### رضایت و شفاعت

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«لا شفيع للمرأة أنجح عند ربها من رضا زوجها»<sup>۲</sup>

برای زن هیچ شفيعی نزد پروردگارش به اندازه رضایت شوهرش سودمندتر نیست.»

### عطر مهر و محبت

پیامبر عزیز خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«للرجل على المرأة أن تلزم بيته وتودده وتحبه وتشفقه وتجنب سخطه و تتبع مرضاته و توفي بعهده و وعده»<sup>۳</sup>

حق مرد بر زن این است که [زن] ملازم خانه او باشد، و به شوهرش دوستی و محبت و دلسوزی کند، و از خشم وی دوری گزیند، و آنچه را مورد رضایت اوست انجام دهد، و به پیمان و وعده وی وفادار باشد.»







## چگونه می توانی او را غمگین ببینی؟

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«... سعيده سعيدة إمراة تكرم زوجها و لا تؤذيه و تطيعه في جميع احواله.»<sup>۸</sup>

خوشا به سعادت و خوشا به سعادت آن زنی باد که شوهرش را بزرگ دارد و به او آزار نرساند و همیشه از شوهرش فرمانبری کند

## چشمداشت بجا و منطقی

پیامبر عزیز خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«لا يحل للمرأة ان تتكلف زوجها فوق طاقتها»<sup>۹</sup>

برای زن جایز نیست که شوهرش را به بیش از توانایی اش مجبور کند.

## مهمان، با اجازه شوهر

پیامبر عزیز خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«ايها الناس إن لنساءكم عليكم حقاً ولكم عليهن حقاً حقكم عليهن [ ... أن ] لا يدخلن احداً تكرهونه بيوتكم إلا بإذنكم»<sup>۱۰</sup>

مردم! زن های شما بر شما حقی دارند و شما هم بر آنان حقی دارید. حق شما بر آنان این است که کسی را که شما رضایت ندارید، بدون اجازه به منزلتان وارد نکنند.

## هم به استقبالش برو و هم او را بدرقه کن

مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد:

همسری دارم که هرگاه وارد خانه می شوم به استقبال می آید، و چون از خانه بیرون می روم بدرقه ام می کند و زمانی که مرا اندوهگین می بیند می گوید: اگر برای رزق و روزی [و مخارج زندگی] غصه می خوری، بدان که خداوند آن را به عهده گرفته است و اگر برای آخرت خود غصه می خوری، خدا اندوهت را زیاد کند [و بیشتر به فکر آخرت باشی]. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«ان لله عمالاً و هذه من عماله لها نصف اجر الشهيد»

برای خدا کارگزارانی [در روی زمین] است و این زن یکی از کارگزاران خداست که پاداش او برابر با نیمی از پاداش شهید است.»<sup>۱۱</sup>

## در این کارها نیز به او کمک کن

پیامبر عزیز خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«أيما إمراة أعانت زوجها على الحج و الجهاد أو طلب العلم أعطاه الله من الثواب ما يعطي إمراة أيوب عليه السلام»<sup>۱۲</sup>

هر زنی که در حج و جهاد و دانش اندوزی به شوهرش کمک کند، خداوند آن پاداشی را که به زن حضرت ایوب علیه السلام داده است، به او می دهد.

## شهری در بهشت خدا

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«ما من إمراة تسقي زوجها شربة من ماء إلا كان خيراً لها من عبادة سنة صيام نهارها و قيام ليلها و بيني الله لها بكل شربة تسقي زوجها مدينة في الجنة و غفر لها ستين خطيئة»<sup>۱۳</sup>

هر زنی که به شوهرش مقداری آب دهد، برای او بهتر از عبادت یک سال است که روزهایش روزه باشد و شب هایش عبادت کند. و خداوند به جای هر مقدار آبی که به شوهرش بنوشاند، شهری در بهشت برایش می سازد و شصت گناهش را می آمرزد.

## تأمین امنیت روانی همسر

پیامبر عزیز خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«حق الرجل علي المرأة أنارة السراج و إصلاح الطعام و أن تستقبله عند باب بيتها فترحب و أن تقدم إليه الطست و المنديل و أن توضحه و أن لا تمنعه نفسها إلا من علة»<sup>۱۴</sup>

حق مرد بر زن این است که چراغ خانه را روشن سازد؛ غذای مطبوع فراهم کند و تا در خانه اش به پیشواز او برود و به او خوشامد بگوید و تشت آب و حوله را برای او آماده کند



بهترین زنان شما آن زنی است که برای شوهرش آرایش و زینت می کند، اما از بیگانگان خود را می پوشاند.»

### از تو سپاسگزارم

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«خير نساءكم التي إن أعطيت، شكرت و إن منعت، رضي<sup>۱۹</sup> بهترین زنان شما آن زنی است که چون به او چیزی داده شود، سپاسگزاری کند و اگر به او چیزی داده نشود راضی باشد.»

پی نوشت ها:

- (۱) همان، ج ۱۴، ص ۱۶۱.
- (۲) سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۶۱.
- (۳) مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۴.
- (۴) وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۵.
- (۵) مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۲.
- (۶) وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۵۵.
- (۷) همان، ج ۱۴، ص ۱۱۶.
- (۸) بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۲.
- (۹) مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۲.
- (۱۰) بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۳۴۸.
- (۱۱) وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷.
- (۱۲) همان، ص ۲۰۱.
- (۱۳) وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۳.
- (۱۴) مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۴.
- (۱۵) وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۷۵.
- (۱۶) الکافی، ج ۵، ص ۵۰۸.
- (۱۷) وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۵.
- (۱۸) بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۳۵.
- (۱۹) همان، ج ۱۰۳، ص ۲۳۹.

شوهر نسبت به نفس خودش نشود.»

### رحمت خدا از آن کدبانویان است.

امام صادق علیه السلام از پیامبر عزیز خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند:

«أما امرأة دفعت من بيت زوجها شيئاً من موضع إلى موضع تريد به صلاحاً نظر الله إليها و من نظر الله إليه لم يعذبه<sup>۱۰</sup> هر زنی که در خانه شوهرش چیزی را برای سامان دادن وضع خانه جابه جا کند، خداوند نظر [رحمت] به او می کند. و هر کس مورد نظر [رحمت] خدا قرار گیرد، خدا عذابش نمی کند.»

### خوشبوترین عطر، زیباترین لباس، نیکوترین زینت

پیامبر عزیز خدا صلی الله علیه و آله درباره حق شوهر بر زن می فرمایند:

«عليها أن تطيب باطيب طيبها و تلبس أحسن ثيابها و تزین باحسن زينتها<sup>۱۶</sup>

بر زن است که [برای شوهرش] خوشبوترین عطرهايش را بزند و قشنگترین لباس هایش را بپوشد، و از زیباترین زینت هایش استفاده کند.»

### هنر آشنایی

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«خير نساءكم الطيبة الريح الطيبة الطيب التي إذا أنفقت أنفقت بمعروف، و إن أمسكت أمسكت بمعروف، فتلك عامل من عمال الله و عامل الله لا يخيب و لا يندم<sup>۱۷</sup>

بهترین زنان شما زنی است که دارای بویی خوش و دست پختی خوب باشد. هنگامی که خرج می کند، بجا خرج کند، و هنگامی که خرج نمی کند بجا از خرج کردن خودداری ورزد. چنین زنی کارگزاری از کارگزاران خداست و کارگزار خدا نه نا امید می شود و نه پشیمان.»

### آرایش فقط برای شوهر

پیامبر عزیز خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«إن من خير نساءكم . . . المتبرجة من زوجها الحصان عن غيره<sup>۱۸</sup>







نقل از آیت ا. مجتهدی تهرانی رحمه الله

**سه زن که با حضرت زهرا علیها السلام محشور می شوند و عذاب قبر ندارند.**

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وآله وسلم-:

«ثَلَاثُ النِّسَاءِ يَرْفَعُ اللَّهُ عَنْهُنَّ عَذَابَ الْقَبْرِ وَ حَشْرُهُنَّ مَعَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ

امْرَأَةٌ صَبَرَتْ عَلَى عُسْرِ زَوْجِهَا وَ امْرَأَةٌ صَبَرَتْ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا وَ امْرَأَةٌ وَهَبَتْ صَدَاقَهَا»<sup>۱</sup>

**۱. اول زنی که با نداری شوهر خود بسازد «امْرَأَةٌ صَبَرَتْ عَلَى عُسْرِ زَوْجِهَا»**

حضرت زهرا علیها السلام چند روز در خانه غذا نداشت به امیرالمؤمنین علیه السلام چیزی نگفت؛ روزی حضرت علی علیه السلام دید رنگ حسنین علیهما السلام پریده، رنگ به صورتشان نیست معلوم بود چند روز است که چیزی نخوردند، امیرالمؤمنین علیه السلام به حضرت زهرا علیها السلام گفتند چرا به من نگفتی چیزی برای بچه ها تهیه کنم؟ حضرت زهرا علیها السلام فرمودند پدرم شب عروسی سفارش کردند از شوهرت چیزی تقاضا نکن شاید چیزی نداشته باشند خجالت بکشند از شما.<sup>۲</sup> چقدر خوبه پدرها شب عروسی به دختر خود این تذکرات را بدهند؛ بر فقر شوهر صبر کن، آبروی شوهرت رو نریز.

**۲. دوم زنی که بر بد اخلاقی همسر خود صبر کند «وَ امْرَأَةٌ صَبَرَتْ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا»**

حدیث است کسی که در خانه خود بد اخلاقی می کند همسر او در خانه غریب است حدیث است «مَنْ حَسَنَ بَرَّهُ بِأَهْلِهِ زَادَ اللَّهُ فِي عُمْرِهِ»<sup>۳</sup> کسی که با اهل خود خوبی و خوش اخلاقی می کند عمرش زیاد می شود. در خانه به همسر خود کمک کنید، با زن خود خوب باشید، اخلاق خود را خوب کنید، ظرف بشوئید، لباس بشوئید، تا میتوانید با همدیگر دوست باشید.

**۳. سوم زنی که مهریه خود را ببخشد «وَ امْرَأَةٌ وَهَبَتْ صَدَاقَهَا»**

در حدیث داریم خوبه که مهریه کم باشد، از شومی دختر این است که مهریه اش زیاد باشد، مهریه را زیاد نکنید اختلاف می شود. یک آدم بی سواد هم می گوید: کی داده کی گرفته! آقا مهریه دین است باید پرداخت شود، حتی اگر کسی بمیرد اول باید مهریه را بدهند، بعد وصیت ثلث میّت، بعد ارث را تقسیم کنند. خدا کند همچنین زنی قسمت شما شود که شما را هم با خودش به بهشت ببرد.

پی نوشت:

۱- عاملی شیخ حر، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت، قم، سال ۱۴۰۹ ق، ج ۱۵، ص ۲۸۵؛

۲- مناقب، جلد ۲، صفحه ۷۶؛ بحار الأنوار، جلد ۳۷، صفحه ۱۰۳

۳- الکافی، جلد ۸، صفحه ۲۱۹.





# شیوه‌های مباحثه و کارآمدی آن

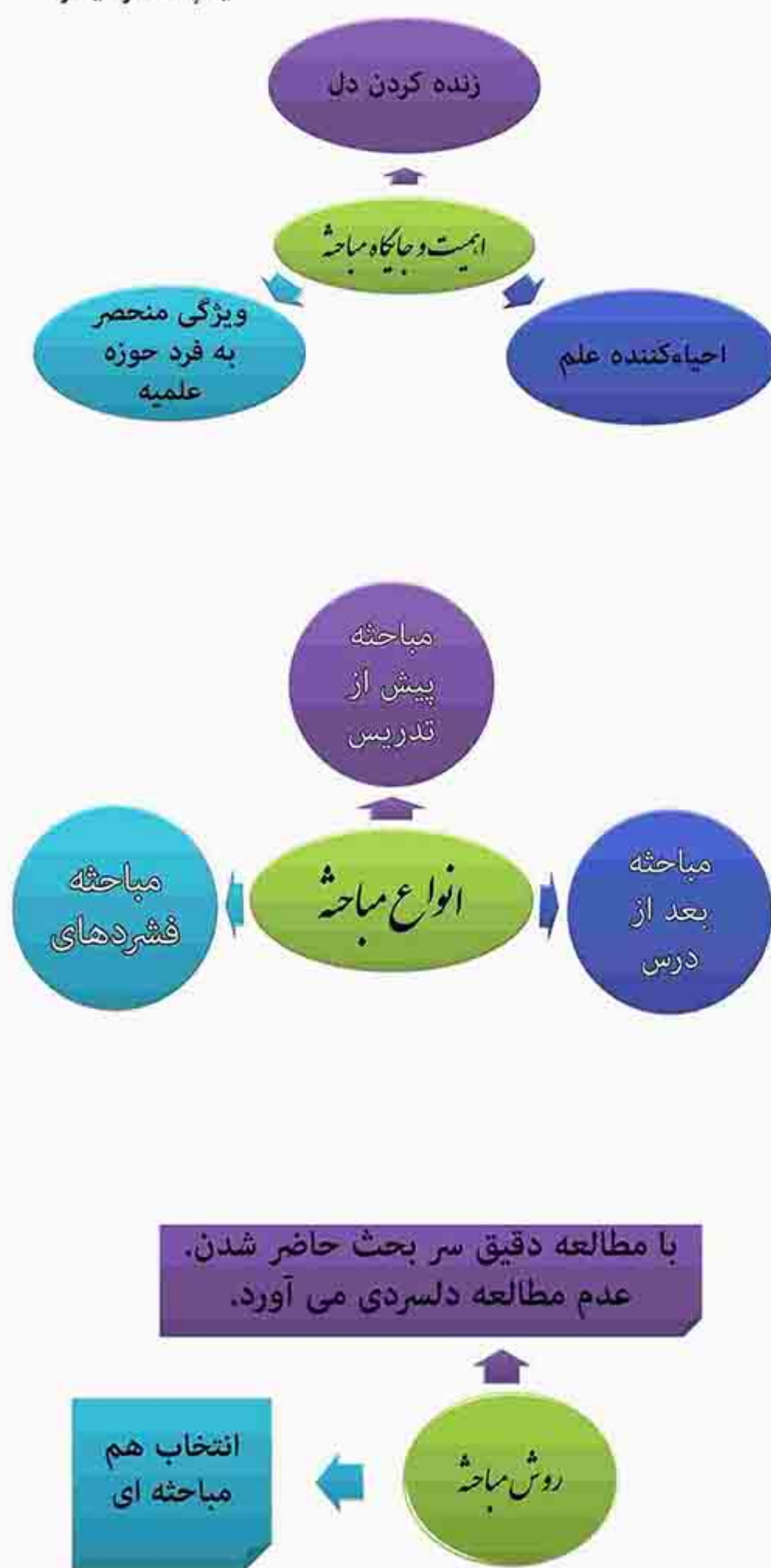
یکی از راه‌های موفقیت در زمینه تحصیل علم و دانش روش مباحثه و گفتگوی علمی است. پیشینه تاریخی مباحثه این شیوه حتی در سیره انبیا و پیشوایان دین مطرح بوده است. مثلاً در حالات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم که گاهی حضرت می‌نشستند و دو صحابی با یکدیگر بحث می‌کردند و حضرت گفتگوی آنها را مورد ارزیابی قرار می‌دادند.

معنای مباحثه لغوی:

بحث کردن و گفتگو بر سر موضوعی

معنای اصطلاحی مباحثه:

- ۱- مباحثه یعنی دو یا چند نفر بر سر موضوعی یا مسئله‌ای با یکدیگر بحث نمایند و هر کدام موضع خودشان را مطرح می‌کنند تا به یک حقیقتی برسند.
- ۲- ارائه نمودن درس فراگرفته شده و بازگو نمودن مجدد آن، از سوی یکی از طلاب برای یک یا چند نفر دیگر.







## با این روش یادگیریتان را متحول کنید

درس و بحث هایی که در حوزه خوانده می شود اگر عمیق و دقیق کار نشود و به صورت سطحی خوانده شود، سطحی فهمیده شود، آنچه که باید در آینده از آن عاید شود، حاصل نمی شود و پس از مدتی نتیجه سطحی خواندن، خستگی، کسالت و بی انگیزگی است. چون پس از چند سال چنین طلبه ای حس می کند که هیچ چیز فرانگرفته و لذا مبتلا به پوچی و بی انگیزگی و چه بسا تردید می شود. درس را باید دقیق فهمید. از این رو یکی از روش هایی که می تواند باعث فهم عمیق دروس حوزه شود مباحثه است. مباحثه یک نمونه کوچک از تدریس است، و نقش بسیار مهمی در تعمیق یادگیری دارد و مطلب را در ذهن، ماندگار می کند. در ذیل شیوه های مباحثه و کارآمدی آن بیان می شود.

۲

۱

(ب)

(الف)

### دقت و سرعت عمل

طلابی که در مباحثه حاضرند، برای ادامه کار خود ناچارند به تمام مطالبی که طرح می شود، چه در جزئیات و چه در کلیات با دقت تفکر کنند و آن مطالب را با گفتار استاد خویش و نیز آموخته های خود بسنجند، به هم مباحثه خود اعتراض کنند و دلیل بخواهند و چون جریان مباحثه به تندی ادامه دارد. طلاب به تدریج شیوه های دقت و روش های یافتن نقاط ضعف، طرز پیدا کردن مطالب بی منطق، فراموشی ها و مانند آنها را می آموزند و این گونه دقت و مهارت در مباحثات طلاب را در سرعت گرفتن در انتقال مفاهیم و توانایی قضاوت منطقی و سریع، یاری می دهد.

### یادگیری براساس رتصمیم و هدف

مطالب هر مباحثه، مشخص است و بدین لحاظ، طلاب باید آن مطالب را فهمیده باشند. اگر طلاب فرصت مطالعه قبلی را نداشته باشند، ناچارند که در جلسه رسمی گفتار استاد را با دقت بشنوند و یاد گیرند و اگر قبلاً نیز مطالعه کرده باشند تدریس استاد آنان را در مباحثه موفق تر می سازد و در نتیجه، یادگیری به صورت یک امر اتفاقی و بدون هدف صورت نمی گیرد؛ بلکه با تصمیم قبلی و هدف معین انجام می شود.

### روش مبادله ای روش نوینی

در این روش، یکی از مباحثه کنندگان به توضیح درس می پردازد و بقیه به اشکال گرفتن می پردازند تا گوینده، قدرت دفاع و استدلال را در خود پرورش دهد و در حقیقت مطالب، درست کالبد شکافی شود. در این صورت، مباحثه کنندگان در آخر مباحثه می دانند چرا فلان مسئله باید چنین باشد و چرا فلان عبارت اشکال دارد و تعریف صحیح آن چیست و... در این روش، همه افراد مباحثه کننده فعال هستند و درصددند تمام تلاش خود را به کار گیرند تا بتوانند به همدیگر اشکال گیرند و گوینده نیز با تمام و گوینده نیز با تمام معلومات به میدان آمده تا پختگی علمی خود را ثابت کند.

«در این روش، هر روز یک نفر به نوبت آمادگی پیدا می کند تا درس قبلی را که بعد از کلاس مطالعه نموده است، برای هم مباحثه ای خود توضیح دهد؛ یعنی دقیقاً همانند استاد، همه درس را یک بار تدریس کند؛ با این تفاوت که در این بحث، یک شنونده این روش خیلی درست نیست؛ زیرا نه گوینده خیلی از مشکلات درسی با خبر می شود و نه طرف مقابل مطلب را به درستی می فهمد.»





## شیوه‌های مباحثه و کارآمدی آن



۶

۵

۴

۳

### ریباج و تکلیف مناسبات گروهی

مباحثه به خودی خود یک رویداد گروهی است که در آن دو یا چند نفر در یک زمینه مشخص با هم ارتباط می‌یابند و به کمک هم هدف‌های ویژه‌ای را تعقیب می‌کنند. اگرچه هدف مباحثه، آموزش است، اما تنها یک ارتباط خشک علمی را ایجاد نمی‌کند، ارتباطی انسانی و اخلاقی را نیز به وجود می‌آورد و این ارتباط طلاب را به شناخت تازه‌ای از رفتار پندار و سطح دانش و مهارت‌های همدیگر می‌کشد و کاشف پیوندهای مشترک بین طلاب و زاینده ارتباطات انسانی ویژه‌ای می‌شود که حاصل آن، «آموزش زندگی» در نظام طلبگی است.

### روز استعداد و شکل‌گیر گرایش

بر اثر تکرار و دقت استعدادهای طلبه به تدریج و در طول مباحثات مختلف رخ می‌نماید و او خویش را در یکی از علوم اسلامی در یک یا چند مهارت توانا می‌یابد. معمولاً کشف استعدادها بر اثر تحقیق و مطالعه عمیق طلبه صورت می‌گیرد و این فعالیت‌ها وی را کم‌کم به سوی گرایش‌های خاصی در آن زمینه‌ها می‌کشد. پیشرفت‌هایی از این دست از سوی سایر طلاب نیز پذیرفته می‌شود و به همین لحاظ طلبه‌ای مستعد و فاضل پس از یک مرحله از درس از سوی طلاب متقاضی به تدریس یا مباحثه دعوت می‌شود.

### یادآور سرمجد و تکلیف آموخته‌ها

در هر مباحثه، مطالب درس دوباره مطرح و شکافته می‌شود. بحث در مورد مفاهیم، نوعی تکرار نیست؛ بلکه تحکیم و فهم عمیق‌تر مفاهیم است. هر مفهوم از ذهن بیرون کشیده می‌شود و به کمک مفاهیم قبلی درباره آن بحث می‌شود معمولاً جوانب موضوع را نیز در بر می‌گیرد. مباحثه در این بُعد، نه تنها آن مفهوم خاص را در ذهن ماندگار می‌کند، بلکه مفاهیم وابسته بدان را نیز تحکیم می‌کند و در خاطر نگه می‌دارد و امکان یادآوری آن مفاهیم را در آینده فراهم می‌سازد.

### تقویت یادگیری

مباحثه، همواره عامل اصلی در تقویت یادگیری بوده است. تمام آثاری که مباحثه دارد، به نوعی، یادگیری را تقویت می‌کند؛ اما تقویت به معنای مصطلح آموزشی آن، بیشتر از دوجنبه صورت می‌گیرد: جنبه شخصی و جنبه گروهی. طلبه ضمن مباحثه، به انواع برتری، استعداد و توانایی خود پی می‌برد. این آگاهی، یک پاداش فوری است که بلافاصله یادگیری مطالب را در همان زمینه و در همان زمان مباحثه تقویت می‌کند. چنین است که طلبه به تدریج درمی‌یابد که استعدادها و توانایی‌هایش در یک زمینه ویژه افزون‌تر می‌شود و استمرار این روند در شکل‌گیری آموخته‌های او به سوی یک یا چند نگرش کلی، مؤثر می‌افتد.





مقام معظم رهبری مدظله العالی

«سنت مباحثه، جزو بی بدیل ترین سنت هاست. مباحثه، هنوز که هنوز است، در مجامع فرهنگی جدید، جانيفتاده است؛

مباحثه یعنی تمرین استادی؛ استاد، آن کسی است که وقتی می خواهد مطلبی را بیان کند، بر آن مسلط است. این نیست که فهمیده باشد؛ بلکه بر آن مسلط است.

وقتی استاد، درس می گوید، آدم، کتاب را که نگاه می کند، خیال می کند که مطلب را فهمیده است؛ اما وقتی می خواهد به زبان بیاورد، می بیند لنگ است.

مباحثه، شمارا به لنگی تان آشنا می کند و شجاعت و گستاخی تعلیم دادن می دهد؛ چون هم مباحثه تان، امروز شاگرد شماست و فردا هم شما شاگرد اوید و قشنگ گوش می دهید تا او برای شما خوب بیان کند.»

روش تحصیل، حجت الاسلام والمسلمین رضا علی کریمی



۹

۸

## انتقال و تعمیم مهارت و دانش

در هر مباحثه، طلاب آزادند که به موارد نقض شده اشکال و انتقاد نمایند. شیوه های درست اندیشیدن در عرضه مطالب تیزنگری سرعت قضاوت و بیان منطقی و کاربرد آنها که در مباحثه از ارکان اصلی است، به موارد غیر درسی نیز گاهی انتقال می یابد و تعمیم داده می شود و طلبه مستعد شیوه های موفق آموزشی را به آن موارد پیوند می زند و یا تطبیق می دهد. مهارت هایی چون وعظ و خطابه، شیوه های تدریس، منظره و ... نیز در حین مباحثات درسی، در بعضی طلاب پایه ریزی می شود و محتوای این مهارت ها، در خلال مراحل آموزشی و تحقیقات جنبی و نیز در مجالس مباحثه آموخته می شود و به صورت گوناگون انتقال و تعمیم می یابد.

## وقت و سرعت انتقال

ضروری است مباحثه کنندگان در تمامی مباحث دقت و تفکر کنند و مطالب مورد بحث را با گفتار استاد و آموخته های خود بسنجند و بعضی موضوعات مبهم را مورد چالش قرار دهند و دلیل بخواهند. در این فرآیند طلاب به تدریج شیوه های دقت و توانایی انتقال مفاهیم و قضاوت منطقی و سریع را تجربه می کنند.

## بخش فور

۷

مباحثه باعث درک نقاط ضعف می شود و آگاهی از نقاط ضعف غالباً طلبه را به سوی یادگیری بیشتر و رفع اشکالات سوق می دهد؛ یکی از ویژگی های مباحثه این است که طلبه می فهمد در چه سطحی است و در چه مهارت ها و مطالبی قوی و یا دچار ضعف و کاستی است.





■ برگرفته از سخنرانی استاد اخلاق، حجت الاسلام و المسلمین آقای سائلی زید عزه

### هوش هیجانی در روایات

در منابع دینی ما آمده زنان از هوش هیجانی قویتری برخوردارند به همین سبب زنان را مناسب تر از مردان در تربیت معرفی می کند. یعنی زن کارکردهایی می تواند داشته باشد که هرگز یک مرد توان آن را ندارد.

در دعای عرفه امام حسین علیه السلام خداوند را به خاطر نعمت داشتن مادر شکر و سپاسگزاری می کند و مادر را با دو وصف معرفی می کند: «وَعَطَفَتْ عَلَى قُلُوبِ الْحَوَاضِنِ، وَكَفَلَتَنِي الْأُمَهَاتِ الرَّوَاحِمِ»، خدایا تو را سپاس به خاطر اینکه دل مادرم را نسبت به من عاطفه دادی و من را به عهده مادرانی که رحیمه هستند و رحمت دارند قرار دادی.

ما می دانیم که آموزه های دینی هم جنبه توصیفی دارند و هم جنبه دستوری؛ توصیف می کنند تا به شناخت و آگاهی برسیم و جنبه دستوری به ما راه و رسم زندگی را نشان می دهد و از ما می خواهد باید اینگونه باشیم.

پس دو عنصر برای مادر بیان می کند:

۱- مادران عاطفه دارند. ۲- مادران رحمت دارند.

حال سراغ معنای لغوی و اصطلاحی عاطفه و رحمت می رویم تا ارتباط بحث بهتر و روشن تر شود.

ابتدا معنای لغوی عاطفه؛

**عاطفه** در لغت یعنی یک طرف شیء که به طرف دیگر برگردد. یک چیزی به چیز دیگر برگردد و به چیز دیگر توجه دارد.

بنابراین در معنای عاطفه دو عنصر نهفته؛

۱- یک چیز به چیز دیگر توجه دارد و به آن برمی گردد.

۲- هر دو جزء از اجزاء و عناصر یک شیء محسوب می شوند.

حال ارتباط این دو عنصر را با مبحثمان دنبال می کنیم؛ می گویند فلان شخص عاطفه دارد یعنی چه؟ با توجه به معنای لغوی عاطفه یعنی عاطفه و مهربانی در وجود انسان باعث می شود فرد، طرف مقابل خودش را که مورد محبت قرار داده جزء خودش بداند و به او توجه کند. بنابراین عاطفه یک ارتباط ذاتی بین دو طرف ایجاد می کند، این ارتباط سطحی و عارضی

بسمه تعالی

قبل از ورود به بحث مقدمه ای بیان می کنیم، هدف از ارائه این بحث این است که زن به توانایی ها و نیرو هایی که خداوند در وجودش قرار داده آگاهی یابد و از آنها در جهت ایمان استفاده کند. استاد سائلی در بحث جامع تربیتی محوری را به ویژگی های جنسیتی اختصاص داده و در بند سوم طرح جامع به برخورداری زنان از هوش عاطفی قوی اشاره کرده اند.

وقتی صحبت از هوش به میان می آید اغلب افراد ذهنشان سوق داده می شود به هوش ریاضی، یعنی IQ در حالی که هوش فقط این قسم نیست بلکه اقسام دیگری نیز دارد مثل هوش تجربی، هوش مدیریتی، و ... و هر کدام از این هوش ها کارکردهای متفاوتی دارند یکی از این هوش ها هوش هیجانی است که به آن هوش احساسی، هوش عاطفی هم می گویند. هوش هیجانی به این معناست که صاحب آن توانایی درک احساسات، عواطف و هیجاناتی که در روحش پدید می آید را دارد یعنی توانایی شناسایی این ها را با سرعتی بیشتر دارد و از این احساس، در فرآیند تفکر و اندیشیدن استفاده می کند و در فرآیند اقدام عملی کمک می گیرد.

کسانی که دارای هوش عاطفی هستند اجتماعی اند؛ گروه گرا هستند؛ زودتر به احساسات و عواطف دیگران پی می برند و در صدد کنترل هیجانات مخاطبانشان هستند. و قدرت این را دارند که هیجانات مثبت از منفی را جدا کنند و مثبت اندیش باشند. و این هوش در زنان نسبت به مردان قوی تر دیده می شود. برای همین است که وقتی فرزند خانواده چند دقیقه ای دیرتر از مدرسه می آید اول کسی که متوجه می شود مادر است و تلاش می کند علت تأخیر را جویا شود این در حالی است که پدر هنوز هیچ احساسی ندارد. پس هوش عاطفی یک توانایی و قدرتی است، که در فرد سبب می شود صاحب آن احساسات و عواطف خودش و دیگران را زودتر تشخیص دهد، توانایی کنترل احساسات را داشته باشد، هیجانات مثبت از منفی را جدا کند و هیجانات مثبت را به دیگران انتقال دهد.



EQ  
emotional  
intelligence

حال باید ببینیم معنای لغوی سکن و انس چیست تا بتوانیم ارتباطش را با هوش عاطفی بیان کنیم. در معنای لغوی این دو کلمه آمده چیزی که مایه و سبب آرامش می شود. یعنی خداوند زن را سبب آرامش شوهرش قرار داده. انس یعنی آرام گرفتن یعنی دور از استرس و وحشت.

پس، ارتباطی که می توان در اینجا دید این است، که تا زن آرامش نداشته باشد نمی تواند سبب آرامش شود؛ باید زن توانایی کنترل احساساتش را داشته باشد تا بتواند احساسات دیگران را کنترل کند و این علائم داشتن هوش عاطفی قویست. که خداوند در وجود انسان قرار داده تا با استفاده از آن مایه آرامش شوهرش شود. انشاء الله در شماره های بعدی نشریه، ادامه بحث خواهد آمد.



نیست ارتباط عمق به عمق است. پس می توان گفت این عطوفت در زنان از جمله مادر قوی تر از دیگران می باشد. عنصر دوم رحمت است. رحمت یعنی چه؟ رحیم به چه کسی گفته می شود؟

علمای لغت برای رحمت هم دو عنصر بیان کردند؛

۱- تأثر و انفعال (دیدن انسان محتاج و نیازمند باعث تأثر و انفعال فرد می شود)

۲- کمک کردن به شخص نیازمند و محتاج

البته عنصر اول در مورد خداوند منتفی است چرا که با واجب الوجود بودن خداوند نمی سازد.

تا اینجا از فرمایش امام حسین علیه السلام در مورد مادر به ۴ نکته می رسیم؛

۱- مادر فرزند خودش را جزئی از ذات خودش می داند.

۲- قلبش متوجه فرزندش می باشد.

۳- مادر از دیدن ناراحتی فرزندش متأثر می شود.

۴- تلاش می کند ضعف فرزندش را برطرف کند.

این مربوط می شود به معنای لغوی، اما بعد از آن به سراغ استدلال این بحث می رویم؛ یعنی چگونه از این فراز دعای عرفه به هوش عاطفی مادر می رسیم؟

وقتی امام حسین علیه السلام می فرمایند مادر عاطفه دارد یعنی نسبت به فرزندش توجه دارد و این یکی از علائم هوش هیجانی و عاطفی است. و رحمت مادر یعنی سعی بر، برطرف کردن نقص فرزند. این هم نشانه ای از هوش عاطفی است که سبب می شود مادر بی تفاوت نباشد.

حال سراغ جمله و روایت دیگر می رویم؛ در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام ایشان چندین حقوق را بیان می کند نسبت به چیزهای مختلف، مثل حق خداوند، حق پدر و مادر حق دوستان و ... یکی از حقوقی که بیان می فرمایند حق زن بر شوهرش می باشد، که قبل از بیان حق، امام علیه السلام می فرمایند: خداوند زن را برای تو مایه سکن و انس قرار داده.





## «مے دانم زنده ای! باتو زند گے مے کنم مصطفی»

مصطفی آرام داخل قبر خوابیده، همسرش می خواهد مثل همیشه او را از زیر قرآن رد کند، قرآن را در می آورد و روی صورت مصطفی می گذارد، یک اتفاق عجیب... همسرش همان جا می گوید: «می خواستی نشانم دهی که شهدا زنده اند؟ این ها را می دانم، من با تو زندگی می کنم مصطفی.»



مصطفی صدرزاده با نام جهادی «سید ابراهیم» فرمانده ایرانی گردان عمار از لشکر مقتدر فاطمیون بود. او چند هفته قبل و درست در شب عاشورای حسینی به شهادت رسید. فاطمیون از رزمندگان افغانستانی مدافع حرم تشکیل شده و همراه شدن مصطفی با فاطمیون روایت عجیبی دارد.

همسرش می گوید که مصطفی توانایی عجیبی در یادگیری زبان و تقلید لهجه ها داشته است. او به مشهد می رود، ریش هایش را کوتاه می کند و به مسئول اعزام می گوید که یک افغانستانی است.

مصطفی بیشتر از دو سال در مناطق مختلف سوریه درگیر نبرد با جریان تکفیر بود. خانم ابراهیم پور همسر او روایتی خواندنی از ۸ سال «زندگی شیرین» با مصطفی تعریف می کند.

این گفت و گو درباره اعزام شهید صدرزاده به سوریه و مبارزه با جریان تکفیری است.

انگار که در سال های دهه ۶۰ هستیم که کرور کرور شهید به معراج شهدای تهران می آوردند. حالا دوباره این مسیر هموار شده است، ولی برای همه نیست. مصطفی باب شهادت را برای خودش باز دید و نمی خواست که فقط حسرت سال های دهه ۶۰ را بخورد.

**چه شد که او وارد فضای مدافعان حرم شد؟ از چه زمانی بحث رفتن به سوریه را در خانه مطرح کرد؟**

دهم رمضان سال ۹۲ حرف هایش برای رفتن به سوریه شروع شد و دیگر تا ۱۵ رمضان به اوج رسید. حتی یک بار تا فرودگاه.

رفت و برگشت. گذرنامه اش مشکل داشت و نتوانست به سوریه برود. **\* این مسئله را چطور با شما مطرح کرد؟** گفت که می خواهد برود در آشپزخانه کار کند و هیچ خطری نیست. گفت فقط در حد پخت و پز برای رزمنده ها است و خطری نیست. تا همین حد را رضایت دادم. تا فرودگاه رفت و همانطور که گفتم نتوانست برود و برگشت.

خودمان به دنبالش رفتیم و مصطفی را از فرودگاه آوردیم. در مسیر فرودگاه تا خانه فقط با صدای بلند گریه می کرد. روزه بود، سریع در خانه سفره افطار را پهن کردم. بعد از افطار مشغول جمع کردن وسایل بودم که گفت می خواهد برود و با یکی از دوستانش دعوا کند. مصطفی همیشه قربان صدقه دوستانش می رفت و لفظش در مقابل دوستانش «فدات شم» بود. تعجب کردم. مصطفی ای که همیشه آرام بود و اهل دعوا نبود می خواهد با کدام دوستش دعوا کند؟ او کم عصبانی می شد اما خیلی بد عصبانی می شد. به او گفتم که من هم همراهش می آیم، طبق روال همیشه زندگی آن زمان ماشین نداشتیم. با آژانس به میدان شهدای گمنام در فاز ۳ اندیشه رفتیم. آنجا اصلا محل زندگی نبود که مصطفی دوستی داشته باشد و بخواهد با او دعوا کند.

چندتا پله می خورد و آن بالا ۵ شهید گمنام دفن بودند. من از پله ها بالا رفتم و دیدم که مصطفی حتی از پله ها هم بالا نیامد. پایین ایستاده بود و با لحن تندی گفت: «اگر شما کار اعزام مرا جور نکنید، هر جا بروم می گویم که شما کاری نمی کنید. هر جا بروم می گویم دروغ است که شهدا عند ربهم یرزقون هستند، می گویم روزی نمی خورید و هیچ مشکلی از کسی برطرف نمی کنید. خودتان باید کارهای من را جور کنید»

دقیقا خاطرم نیست که ۲۱ یا ۲۳ رمضان بود. من فقط او را نگاه می کردم. گفتم من بالا می روم تا فاتحه بخوانم. او حتی بالا نیامد که فاتحه ای بخواند؛ فقط ایستاده بود و زیر لب با شهدا دعوا می کرد. کمتر از ده روز بعد از این ماجرا حاجتش را گرفت. سه روز بعد از عید فطر بود که برای اولین بار اعزام شد.

**\* به آشپزخانه رفت؟**

بله، فقط یک بار به آشپزخانه رفت و همان اولین ماموریتش ۴۵ روز طول کشید.

آشپزخانه دیگر نتوانست خواسته های مصطفی را برآورده کند. مصطفی اصلا برای آشپزخانه نبود. بدون اینکه کسی خبر داشته باشد از آشپزخانه رفته بود. غذا پختن کار مصطفی نبود. او اصلا آشپزی بلد نبود. ممکن است اگر آقایان در خانه تنها باشند برای خودشان یک نیمرو درست کنند، مصطفی حتی نیمرو هم درست





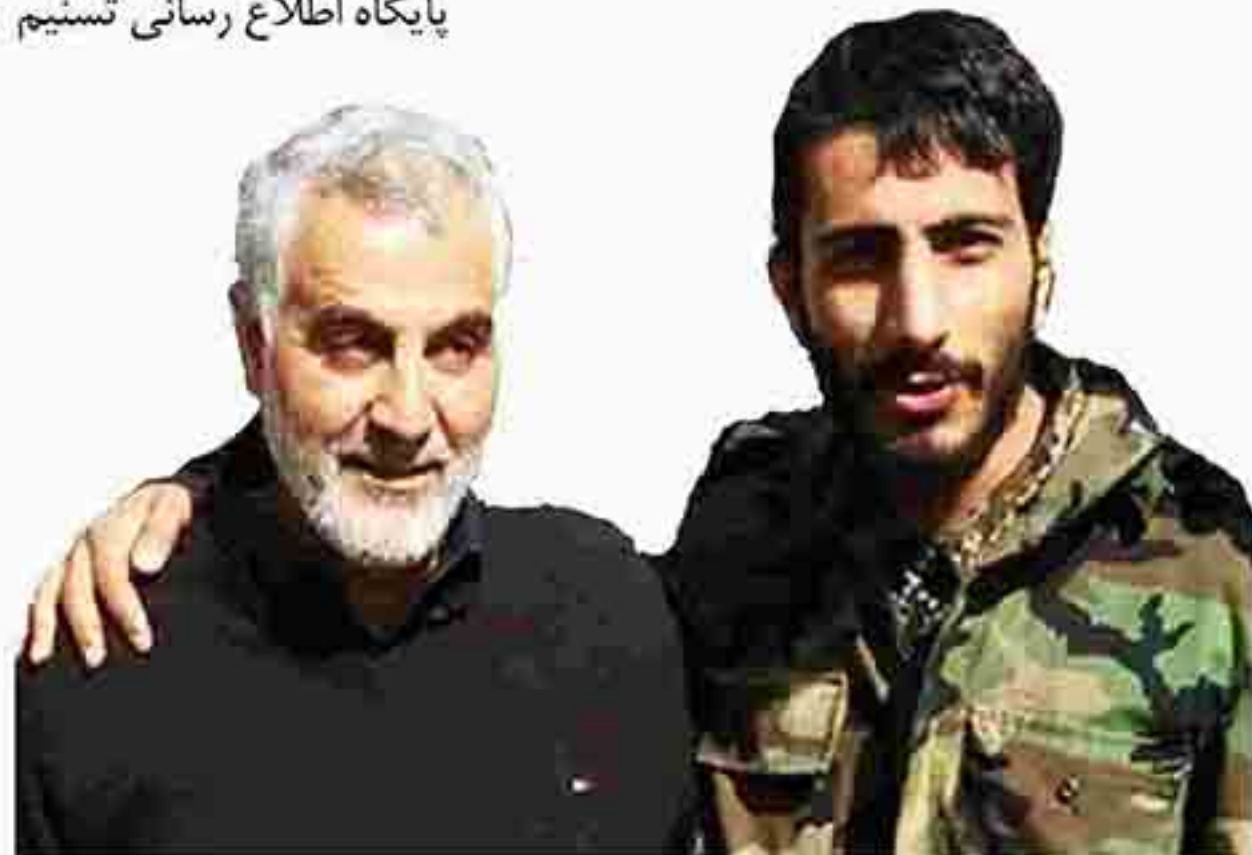
مصطفی اصلاً برای ماندن نبود. نمی توانست بماند. آن زمانی هم که این جا بود، این جا نبود. گمشده خودش را پیدا کرده بود. وقتی فیلم های دفاع مقدس را می دید ضجه می زد. هفته دفاع مقدس حسی داشت که من در هیچ کس، حتی برادرانم ندیدم. کنترل تلویزیون کلا دست او بود. از این شبکه به آن شبکه، فقط دنبال فیلم های دفاع مقدس می گشت. از دیدن فیلم های دوران دفاع مقدس لذت می برد. هفته بسیج هم همین طور بود. اگر فیلمی پخش نمی شد شروع می کرد به اعتراض و گفتن این حرف ها که: «الآن وقت نمایش این چیزهاست. بچه ها باید این تصاویر را ببینند و بدانند که چه اتفاقاتی افتاده است.»

**\* سرلشکر قاسم سلیمانی صحبتی کرده بود و گفته بود که عاشق مصطفی شده است. این را مصطفی تعریف کرده بود؟**

بله. مصطفی چه آن زمانی که در بسیج مسجد بود و چه زمانی که به سوریه رفت، وقتی می خواست با بچه های گروه خودش کاری انجام دهد، از لفظ هایی استفاده می کرد که بچه ها بخندند و انرژی بگیرند. هیچ وقت لفظ های کتابی و فرماندهی به کار نمی برد. لفظی را که در جریان عملیات گفته به خاطر ندارم اما با ادا و اصول خاصی به بچه ها فرمان حمله داده است.

آن زمانی که پشت بی سیم صحبت می کرده نمی دانسته که پشت بی سیم حاج قاسم هم نشسته است. مصطفی برایم تعریف کرد: «وقتی از عملیات برگشتیم من خسته بودم. بچه ها صدایم کردند که حاجی با شما کار دارد. با همان سرو وضع نامرتب وارد اتاق شدم و دیدم که حاج قاسم نشسته است. بچه ها معرفی ام کردند و گفتند که سید ابراهیم آمده است.»

پایگاه اطلاع رسانی تسنیم



نمی کرد. آشپزخانه بهانه ای برای رسیدن به چیز دیگری بود. همه افرادی که برای ماموریت آشپزخانه رفته بودند ۲۰ یا ۲۵ روزه برگشتند. از آنها پیگیر بودم که مصطفی کی بر می گردد؟ آنها به من نمی گفتند که هیچ خبری از مصطفی ندارند اما می گفتند که رفته و با کاروان بعد می آید. او با رزمندگان عراقی آشنا شده و همراه آنها شده بود. مصطفی بالاخره بعد از ۴۵ روز برگشت.

**\* چطور از مصطفی خبر نداشتید؟ به شما هم چیزی نگفته بود؟** نه، چیزی به من نگفته بود. بعد از ۴۵ روز که آمد برایم تعریف کرد از آشپزخانه رفته و ده روزی را با رزمندگان عراقی بوده است.

**\* یعنی با رزمندگان عراقی به عملیات رفته بود؟** بله.

**\* شما که راضی نبودید.**

خواست خودش بود. برخی از ماجراهایی که در این ۸ سال زندگی مشترکمان رخ داد، باب میل نبود ولی آدم اگر کسی را دوست داشته باشد به خاطر او همه کاری می کند. اوایل درباره خطرهایی که داشت به من چیزی نمی گفت. حدود سه ماه کنارمان بود و بعد به عراق رفت تا سری دوم با رزمندگان عراقی اعزام شود. رزمندگان عراقی ۲۴ ساعت عملیات می کردند و بعد برمی گشتند و ۴۸ ساعت استراحت می کردند. مصطفی می گفت در این ۴۸ ساعتی که عقب از میدان جنگ هست اذیت می شود. می گفت که چرا باید ۴۸ ساعت بیکار باشد؟ بار دومی هم که با عراقی ها رفت به خاطر آن ۴۸ ساعتی که استراحت داشتند از آن ها جدا می شود و در حرم حضرت زینب (س) با رزمندگان فاطمیون آشنا می شود. دومین ماموریتش ۷۵ روز طول کشید.

**\* خب این جا یک چیزی ناقص می ماند؛ این که این وابستگی شدید شما به مصطفی قطعاً دوطرفه بوده است.**

نه. مصطفی به هیچ چیزی در دنیا وابسته نبود؛ به همین خاطر خیلی راحت توانست برود.

**\* چرا به مصطفی نگفتید که نرود؟**





● دلنوشته طاهره سادات حسینی

وقتی حاجی متوجه شد که من سید ابراهیم هستم، از جایش بلند شد و همدیگر را بغل کردیم. بعد گفتند اصلاً فکر نمی‌کردند که جثه و قیافه‌ام اینطور باشد. حاج قاسم گفت وقتی صدایم را پشت بی سیم شنیده فکر کرده که از آن هیكلی‌ها هستم».

\* چه زمانی متوجه شدید که مصطفی به شهادت رسیده است؟  
روز تاسوعا. من از صبح تاسوعا خیلی دلهره داشتم. سعی کردم که خودم را مشغول کارهای دیگر کنم اما نشد. از صبح که بیدار شدم می‌خواستم به یکی از مسئولینش پیغام بدهم و خبری از مصطفی بگیرم اما ترسیدم که اگر بگویند «آخرین بار کی از ایشان خبر داشتی؟» و من بگویم «دیشب»، خنده‌دار باشد. تا ساعت ۴ و ۵ به آن مسئول پیامی نفرستادم. اگر یک زمانی خبری نداشتیم و پیام می‌فرستادم سریع جواب من را می‌دادند. آن روز من از ساعت ۴ به ایشان پیام دادم. ایشان پیام را دیدند و تا ساعت ۵ جواب ندادند. وقتی من دیدم ایشان جواب نمی‌دهند مطمئن شدم که یک اتفاقی برای مصطفی افتاده است. خودم را مشغول کردم و پیش خودم گفتم که لابد مجروح شده است. باز گفتم نه، اگر مصطفی مجروح شده بود به من می‌گفتند. دیگر یک جورهایی اطمینان قلبی پیدا کردم که مصطفی به شهادت رسیده است.

\* توانستید از مصطفی دل بکنید؟

نه. به مصطفی دل نیستم که بعد از مدتی بخوام دل بکنم؛ دل بستم که دلبستگی‌ام همیشگی باشد.

\* پیکر مصطفی را بوسیدید؟

خیلی.

\* آخرین باری که مصطفی را بوسیدید چیزی هم به او سپردید؟

بله. تربیت بچه‌ها را سپردم. قرار بود که با هم بچه‌ها را تربیت کنیم. از این به بعد هم باهم تربیت‌شان می‌کنیم.

تسним، مهدی آقاموسی طهرانی



برای شهید گمنام  
راستی یادت هست ...  
یک شهرت سرد ...  
فاو ...!  
یخبندان آب ...  
یا زهرا ...

و ریسمانی ... رها شده !!!  
گمنامی ات مبارک ... برادر !!

بی پلاک ... بی استخوان ... بی نام ... غریب ... تنها ... بی کفن ...  
بی بدن ...

بی قبر ... نه مادری ... نه پدری ... نه خواهر و برادری ... نه یک  
عکس یادگاری ...

یک بغض فرو خورده ... یک آرزوی برآورده شده ... یک سربند  
یا زهرا ...

سپری که عشقش میشه بی بی زهرا ... مادری بین شهیدان ...  
قبرهای بدون شمع و چراغ مثل مادر مومن حضرت زهرا علیها السلام  
می‌خواهم از شهیدانی برایتان بگویم که نامشان گمنام است

...

جمله‌ی بسیار زیبا از شهید آوینی:

گمنامی فقط برای شهرت پرستان درد آور است و الا همه‌ی  
شهرت‌ها در گمنامی است.

اکثر ما عاشق شهدای گمنامیم می‌دونید چرا؟

شهدای گمنام کی بودند که ایثارشون بعد از شهادت شون ادامه  
پیدا کرد؟

چون همه‌ی شهدای ما بی ادعا کار کردن و بدون هیچ تعلقی  
آرزوی گمنامی را می‌کنند.

این‌ها از دنیا گذاشتن یعنی حب الدنیا نداشتن

مگر این شهدا گمنام نبودن ولی چرا همه جا همیشه نام و  
نشونی از اینها هست از شهدای که دوست داشتن هیچ نامی  
و نشونی در دنیا نداشته باشن. اینها به خاطر خدا از همه چیز  
گذاشتن ولی خدا به آنها یک عزت بالاتری از شهرت داشتن  
براشون قائل شد و اخلاص و خالص بودنشان واقعی واقعی  
بود. که مادر سادات به دیدن مزارشان می‌روند.

امام خمینی رحمه الله: سلام ما بر پاره‌های تن ملت که مونس  
جز نسیم مهر و همدمی جز مادرشان فاطمه زهرا ندارند

قرار بعدی ما قطعه‌های گمنامی

هنوز عاشقت هستم هنوز میدانی.





## شهدای کانال کمیل و حنظله شهید ابراهیم هادی



دینوشته طاهره سادات حسینی

بسمه تعالی

آگاه باش عالم هستی ز بهر توست  
غیر از خدا هر آنچه بخواهی شکست توست  
اهل تهران بود، قهرمان بود ولی مشی پهلوانی داشت.  
زیبا رو بود ولی نیک سیرت بود  
گمنام بود، فرمانده نبود ولی فرمانده بود  
زهرایی بود ولی علی وار زندگی کرد.

می خواهم از شهید کانال کمیل، برایتان بگویم بله شهید ابراهیم هادی  
خاطره ای کوتاه از شهید:

یکبار بچه ها به شوخی به او گفتن ابراهیم تو با این صدات چطور روزه  
می خوانی

ابراهیم ناراحت شد و گفت نه دیگر روزه نمی خوانم. شب در عالم رویا  
خواب می بینند که حضرت زهرا سلام الله علیها می فرمایند: «نگو نمی خوانم،  
ما تو را دوست داریم.

هر کس گفت بخوان، تو هم بخوان»

خدا به دل ابراهیم نگاه می کرد...

روایتگری ۱۳۹۶/۷/۵ صبح روز جمعه

گفتم کانال کمیل درون این کانال اتفاقاتی فراوانی افتاد ۳ روز در این کانال  
ابراهیم و دوستاش.

"شهید آوینی می فرماید: هم در جست و جوی نام اند و همه چیز در گمنامی  
است"

یک روز ابراهیم درون کانال و کنار کانال شهدا را می دید و می گفت: به به  
چه خوب که آدم اون جور که دوست دارد شهید بشود. دوستاش به او گفتن  
که ابراهیم دوست داری چه جور شهید بشوی؛ گفته بود اونجور که جنازه ای  
حضرت زهرا سلام الله علیها پیدا نشد برای منم پیدا نشه. ابراهیم عاشق  
حضرت زهرا سلام الله علیها بودند.

به ابراهیم وعده داده بودن بهش گفته بودن و اون جور که دوست داشت  
شهید شد

تا ابد این نکته را انشا کنید پای این طومار را امضاء کنید

هر کجا ماندید در کل امور روبه سوی حضرت زهرا (ع) کنید

نوشته شده در حال و هوای قرارگاه حبیب الهی (جنوب) شب جمعه ۱۳۹۶/۸/۱۰

**در سال ۱۳۵۹ توسط دشمن و به دست مهندسان فرانسوی کانالی به طول ۹۰ کیلومتر، عرض ۵ متر و ارتفاع ۴ متر کاملاً  
حرفه ای و مهندسی شده حفر شد. این کانال در منطقه حمیرین معروف به کانال حمیرین و در منطقه شهرهای معروف به  
کانال شهرهای و کمیل و در خاک عراق معروف به کانال بچلیه است.**

**این کانال منحصر به فرد و دارای چند سه راهی و چهار راهی می باشد که برای موانع پیشروی رزمندگان اسلام حفر  
شده بود که ۳۰۰ نفر از گردان حنظله در یکی از کانال ها محاصره شدند و اکثراً با آتش مستقیم دشمن یا تشنگی مفرط  
به شهادت رسیدند.**

**به حول قوه الهی این کانال در عملیات والفجر مقدماتی به تصرف رزمندگان اسلام در آمد.  
یادمان کانال کمیل و حنظله در منطقه ی فکه کنار پاسگاه رشیدیه واقع شده است که از سال ۸۹ جهت زیارت زائران  
مناطق عملیاتی جنوب کشور احیا گردید.**



سلام بر  
ابراهیم هادی





# SQUAREPANTS

انیمیشن باب اسفنجی برای زدن حدود و قیود را فراتر گذاشته و هر کدام از شخصیت های اصلی آن نماد یکی از «هفت گناه کبیره ی مسیحیت» هستند. نکته اینجاست که در این انیمیشن هیچ گاه این گناهان نفی نمی شود. کودکی که با این شخصیت ها همزاد پنداری می کند آنها را با همان صفاتشان دوست دارد. او می پذیرد که می توان جامعه ای داشت که شهوت، طمع، تکبر، تنبلی، حسادت، خشم و شکم پرستی در آن حضور دارد و باعث شکل گیری جامعه ای شاد و رنگین می شود. در انیمیشن باب اسفنجی مقوله ی لیبرالیسم و اباحه گری یکی از موضوعات اصلی است که به آن پرداخته می شود.

## هفت گناه کبیره مسیحیت

اولین اپیزود انیمیشن باب اسفنجی شلوار مکعبی توسط کمپانی نیکلدئون در سال ۱۳۷۸ تولید و منتشر گردید و تا به امروز نیز پخش آن ادامه داشته است. تا مهرماه سال ۱۳۹۵ تعداد ده فصل از این انیمیشن ساخته شده است که در مجموع ۴۱۰ قسمت منتشر شده و فصل یازدهم نیز در دست تولید است. در این بین دو نسخه سینمایی نیز در سال ۱۳۸۳ و ۱۳۹۴ ارائه گردیده است.



### لیبرالیسم:

آنچه لیبرالیسم را شکل می دهد. اصالت اباحه است. به این این معنی که در لیبرالیسم حدودی وجود ندارد و شما مجاز به انجام همه چیز هستید. شما آزاد هستید تا هر آنچه را تمایل دارید انجام دهید. برخلاف تفکر دینی که پنج گزاره ی حلال، مستحب، مباح، مکروه و حرام مطرح است. در لیبرالیسم همه چیز مباح است. شعار لیبرالیسم این است: بگذار هر چه می خواهد انجام دهد (لسه فر). اساس لیبرالیسم بر بی حیایی است. در این ساز و کار خدایی ناظر و حاضر نیست پس شما مجاز هستید تا هر کاری که تمایل داشتید را انجام دهید. در آزادی لیبرالیسم شما اسیر تمایلات نفسانی بیرونی و نفس سرکش درونی خود هستید

«و الفتنة أكبر من القتل ولا يزالون

يقاتلونكم حتى يردوكم هن دينكم إن استطاعوا»

سوره مبارکه بقره، آیه ۲۱۷

باب اسفنجی به همه حتی دشمنش پلانکتون حب دارد و به نوعی شهوت دوست داشتن و دوست داشته شدن دارد. شادی و سرخوشی بیش از حدی در او دیده می شود. در ابتدای کتاب «باب اسفنجی و فلسفه» جمله ای از نیچه نقل شده است که به خوبی شخصیت باب اسفنجی را تشریح می کند: «اگر می خواهی به وسیله ی دل های سرشار دوست داشته شوی، باید اسفنج بودن را بیاموزی». اسفنجی که نفوذپذیر است در مقابل مفهوم قرآنی «عزیز» یعنی نفوذناپذیر قرار می گیرد. انسان لیبرال، انسان عزیزی نیست

(Lust)	باب اسفنجی: شهوت
(Sloth)	پاتریک: تنبلی
(Wrath)	اختاپوس: خشم
(Greed)	آقای خرچنگ: طمع
(Envy)	پلانکتون: حسادت
(Pride)	سندی: غرور
(Gluttony)	گری: شکم پرستی





# SpongeBob

## مرکانتیلیسم:

زمانی که برای شما سود اصالت داشته باشد و برای کسب منفعت خود حاضر باشید دست به هر کاری بزنید، شما انسان مرچنت (مرکانتیلیست) هستید. یکی از منفعت‌های اصلی برای افراد به دست آوردن ثروت و اندوختن سرمایه است. آنچه این زراندوزی و کسب منفعت را قوام می‌بخشد، طمع به داشتن بیش از اندازه است. از آنجا که طمع پایانی ندارد، انسان مرچنت نیز برای پاسخ گویی به طمعش حاضر است اطرافیان خود را قربانی منافعتش کند. در این سازوکار حب انسان معطوف به مسائل مادی است و این نگاه به انسان اجازه می‌دهد که طبق اصل ماکیاوولی، هدف وسیله را توجیه کند تا بقاء رقم بخورد.



**آقای خرچنگ** در انیمیشن باب اسفنجی یکی از چندین شخصیت اصلی و ثابت انیمیشن است. آقای خرچنگ یک جمله معروف دارد: «من پول دوست دارم». این موضوع هم در گفتار و هم در رفتار او کاملاً مشهود است. او به دنبال مشتری بیشتر برای رستوران خود است و دائماً به دنبال کسب سود و ذخیره کردن پول و ثروت بیشتر است. همبرگر مخصوص او دارای یک فرمول جادویی است که فقط او از آن اطلاع دارد. حتی باب اسفنجی که آن را درست می‌کند، فرمول را در خاطر ندارد. طمع، حرص و آز، زراندوزی و... از ویژگی‌های این شخصیت است. تمام این صفات در طول انیمیشن به کودکی که مخاطب صدها قسمت از آن است، تعلیم داده می‌شود.

البته علاوه بر آقای خرچنگ سایر شخصیت‌ها هم در پی کسب سود و منفعت خود هستند. برای نمونه در نسخه ی سینمایی سال ۱۳۸۳ اختاپوس حاضر است به آقای خرچنگ خیانت کند و در مقابل از پلانکتون حق السکوت می‌خواهد.

\* باب اسفنجی کارگر و برده ی طمع (آقای خرچنگ) است.

\* دنیا از دید آقای خرچنگ دلار است.

\* همه چیز حتی همسر با پول معنا پیدا می‌کند.



بازی‌های رایانه‌ای روحیه ی مرکانتیلیستی را ترویج می‌کنند.

## مکدونالدیسم:

هر فرهنگی برای اینکه

گفتمان خود را جهانی کند، از

راهکارهایی بهره می‌برد. گفتمان اصلی

غرب سبک زندگی آمریکایی است، از این

رو آمریکا از راه‌های گوناگون تلاش می‌کند

تا سبک زندگی مورد نظر خود را به سایر کشورها

صادر کند. یکی از این وجود، وارد شدن در سازوکار

خوراک است. آمریکا با تبلیغ و ترویج نحوه ی خوراک،

گفتمان خود را به راحتی منتقل می‌کند. یک نمونه آن

ساندویچ و محصولات مک دونالد می‌باشد. این زنجیره ی

رستوران‌ها در نقاط زیادی از جهان شعبه دارند و همراه با سرو

غذا، سبک زندگی آمریکایی را نیز به خورد مردم می‌دهند. البته

سودی که از این طریق نصیب سرمایه داران یهودی انگلوساکسون

می‌شود، بحث دیگری است.

یکی از موضوعاتی که در انیمیشن باب اسفنجی دائماً تکرار می‌-

شود، خوردن همبرگری به نام «کرابی پتی» است. تمام اهالی شهر

«بیکینی باتم» عاشق این همبرگر هستند که در رستوران آقای

خرچنگ تهیه می‌شود. جالب اینجاست که فرمول اصلی آن در

انحصار آقای خرچنگ است و سود اصلی برای اوست و سایرین

در حد افراطی به آن نیاز دارند. این افراط تا آنجا پیش می‌رود که

در نسخه ی سینمایی آن که در سال ۱۳۹۴ منتشر شد، دستور

پخت همبرگر گم می‌شود. بعد از آن مردم شورش می‌کنند

و شهر حالت آخرالزمانی (که در اکثر آثار هالیوودی شاهد

ویژگی‌های آن هستیم) پیدا می‌کند، سپس تمام تلاش‌ها

امعطوف به یافتن آن دستور پخت می‌گردد.

همه در این انیمیشن به «کرابی پتی» حب می‌ورزند،

پس طبیعی است که کودک مخاطب این گونه آثار

به این سازوکار خوراک علاقمند می‌گردد.

\* رستوران کراستی کراپ محل فروش همبرگر

\* تلاش پلانکتون برای رسیدن به دستور پخت

\* حب اهالی بیکینی باتم به همبرگر







## ماچوئیسم:

در تعریف ماچوئیسم می توان ابعاد گوناگون جنسیتی، روان شناختی، اجتماعی، فرهنگی و ... را مورد بررسی قرار داد. ماچوئیسم در حوزه فرهنگ ناظر بر اسطوره سازی هایی است که از طریق مردانی با بازوان ستبر و عضلانی صورت می گیرد. هالیوود برای کاهش تأثیر قهرمانان مبارزه با امپریالیسم آمریکامانند چه گوارا، کاسترو و ... در صنعت سینمایی خود شخصیت هایی با بدن عضلانی را به کار گرفت. که نمونه آن را در راکي، آرنولد و ... می توان دید. در ماچوئیسم بیشتر بر بعد مردانگی و قدرت بندی در حد افراطی آن تأکید می شود.

**اشتیاق به بدن های عضلانی و بازوان ستبر** در اکثر قسمت های انیمیشن باب اسفنجی مشاهده می شود. شخصیت هایی که کوچک هستند. زمانی که این کمبود را در خود احساس می کنند. به گونه ای اغراق آمیز دارای هیکل هایی ماچوئیستی می شوند. به گونه ای که در نسخه سینمایی سال ۱۳۹۴ زمانی که برای پیدا کردن دستور پخت همبرگر به ساحل می روند، در کتاب داستان (کتاب سرنوشت) آرزو می کنند که هیکل هایی زمخت و عضلانی داشته باشند و همان هم باعث پیروزی آنها می شود و می توانند فرمول جادویی را به دست آورند. پس انیمیشن باب اسفنجی رسالت خود در این زمینه را هم به خوبی ایفا می کند. اینکه به مخاطب خود می آموزاند که راه برون رفت از مشکلات داشتن هیکل های ماچوئیستی است و از این طریق مسئله پرورش اندام و مفاهیم پس آن تبلیغ می گردد.



انیمیشن سینمایی باب اسفنجی بیرون از آب  
قسمت های مختلف سریال باب اسفنجی

## مسائل جنسی و موسیقی:

نگاه اسلام به مسائل جنسی، نگاهی متعادل است که از طریق راه های شرعی و عرفی به این مسئله پرداخته می شود. در این تعریف مرد و زن هر کدام جایگاه خود را دارا می باشند و از نسبت صحیح بین این دو، توالی نسل شکل می گیرد. اما در غرب این تفسیر وجود ندارد و با برداشتن قیود و حدود، این مسئله را که می توانست نعمتی برای آرامش، توالی نسل و ... باشد، به مسیر انحراف کشاندند.

انسان مسیحی قرون وسطی با تفریط در این موضوع و انسان مدرن با افراطی که در این باره به خرج داد. بشر را در منجلابی فرو بردند که اثرات مخرب تمدنی نظیر از هم پاشیدن خانواده، تولد فرزندان نامشروع، شیوع بی عفتی و ... را در پی داشته و دارد.

بی حیایی و زدودن عفت یکی از مؤلفه های لیبرالیسم و تمدن غرب است. این موضوع به دفعات و به شکل های مختلف در انیمیشن باب اسفنجی دیده می شود، به گونه ای که می توان گفت این انیمیشن در این زمینه رکورد دار است، از شوخی های زشت و اروتیک گرفته تا ترویج همجنس بازی. نحوه ی پوشش در این انیمیشن به گونه ای است که در صحنه های

## اینديويزواليسم:

در اینديويزواليسم و تفرد، اصالت با فرد است. یعنی همه چیز با «من» تعریف می شود و فرد تلاش می کند تا مالکیت همه چیز را به دست آورد. یکی از وجوه گسترش تفرد، از بین رفتن نهاد خانواده است، زیرا زمانی که خواسته های «من» اهمیت داشته باشد، دیگر مقوله ای به نام گذشت، فداکاری و همبستگی معنایی ندارد. تلاش غرب طی سال ها برای اصالت دادن به انسان و عمیق تر از آن به فرد، سبب شد تا امروزه یکی از معضلات جدی غرب، مسئله تفرد و اینديويزواليسم باشد. غرب این معضل تمدنی خود را از طریق رسانه ها به سایر جوامع هم شیوع می دهد.

در دو نسخه ی سینمایی سال ۱۳۸۳ و ۱۳۹۴ مفهوم خانواده وجود ندارد. باب اسفنجی، پاتریک، اختاپوس هر سه دارای والدین هستند، اما برای رسیدن به زندگی مورد نظر خود، به تنهایی زندگی می کنند. در انیمیشن باب اسفنجی و پاتریک، کودک معرفی می شوند (هر چند باب اسفنجی در رستوران کار می کند) اما همین کودکان می توانند خانه ای مستقل داشته باشند و بدون نیاز به خانواده زندگی کنند.

باب اسفنجی حاضر است کنار حیوان خانگی خود گری زندگی کند اما ترجیح می دهد که از پدر و مادر خود دور باشد. این آموزشی است که به مخاطب داده می شود. کودک در باب اسفنجی جامعه ای را می بیند که مفهوم تملک در آن اهمیت بالایی دارد و بقای خود را در حفظ مالکیت فردی می داند.

در یکی از قسمت های سریالی انیمیشن، خانه ی باب اسفنجی از بین می رود و باب با ناراحتی عنوان می کند که باید نزد پدر و مادرش برگردد. اما پاتریک به او می گوید تو نباید این کار را انجام دهی و آنها تمام تلاش خود را می کنند تا خانه ای برای باب اسفنجی بسازند. حتی باب اسفنجی حاضر می شود که هم خانه ی پاتریک شود. اما نزد خانواده اش باز ننگردد.

در یکی از قسمت ها معلوم می شود پاتریک مادر و پدر خود را نمی شناسد و دو شخص دیگر را پدر و مادر خود می نامد.







و برخی از رفتارهای  
آنان آشنا گردد.



هرم و چشم جهان بین  
شاخ شیطان  
برج بابل  
چشم چپ  
موسیقی شیطان پرستی

### کمی تأمل و چند پرسش:

حال سؤال اینجاست که کودک مسلمان که طی صدها قسمت از این سریال با فرهنگ منحط لیبرالیسم و سبک زندگی آمریکایی آشنا شده و از طریق آن آموزش می بیند، آیا می تواند در جامعه دینی زندگی کند؟ و در اثر تعارض و تناقض معرفت دینی با معرفت لیبرالی آیا دچار گسست شخصیت و هویت نمی گردد؟ این اثر لیبرالی با نابود کردن باورهای اسلامی و ایرانی در صدد است تا نسل بعدی کودکان را باورمند به نظام سرمایه داری لیبرال کند. غایت جامعه ای که در انیمیشن باب اسفنجی نشان داده می شود، جامعه ای است که بر روی انگاره های مادی مانند شهوت در مسائل مالی (برای به دست آوردن ثروت و مقام هر کاری می کنند)، شهوت در خوراک (تا جایی که در اثر نبود مک دونالد جامعه از هم می پاشد)، شهوت در مالکیت (زندگی انفرادی، نبود گذشت و فداکاری)، شهوت در قدرت (تبدیل شدن به انسان های ماچو)، شهوت در مسائل جنسی و موسیقی افراطی (ترویج همجنس بازی و ...) ساخته می شود. آیا غایت ما در ایجاد جامعه مطلوب دینی این چنین جامعه ای است؟

آیا با کودکانی که این چنین تربیت شده اند می توان برای زمینه

سازی ظهور امام زمان

عجل الله تعالی فرجه الشریف کاری

از پیش برد؟



مختلف، شخصیت ها (مخصوصا

باب اسفنجی و پاتریک) با لباس زیر و یا بدون آن

تصویر می شوند. در برخی از انیمیشن ها شخصیت های حیوانی اصولاً پوششی ندارند، اما در اینجا شخصیت ها با پوشش تعریف می شوند و برای زدن حیا بدون پوشش نشان داده می شوند. از سوی دیگر موسیقی یکی از مؤلفه های ثابت انیمیشن باب اسفنجی است. کودکی که مخاطب این اثر است و باب اسفنجی را شخصیت مورد علاقه خود می داند تمام این بی حیایی ها و بی عفتی ها را در سبک زندگی از او می آموزد.

\* ترویج همجنس گرایی در دو شخصیت باب و پاتریک

\* رنگین کمان نماد همجنس گرایی

\* مثلث صورتی و زرد، نماد یهودیان همجنس گرا در

بازداشتگاه های نازی

\* پرداختن به موسیقی در عمده ی قسمت ها

عنوان شهر از دو کلمه *Bikini* بیکیینی به معنای مایو و *Bottom* به معنای پایین ساخته شده است. لغت در سایت های مستهجن و غیراخلاقی به عنوان یکی از اصطلاحات رابطه ی جنسی به کار می رود. دیدن و شنیدن این لغت در کنار جذابیت انیمیشن باعث می شود تا در آینده نیز فرد نسبت به این اصطلاح احساس خوشایندی داشته باشد.

### فراماسونری و شیطان پرستی:

فراماسونری یکی از فرقه های مخفی است که با عضوگیری از افراد در سراسر جهان کار خود را دنبال می کنند. فراماسون ها بخشی از زنجیره ی گسترده ی نظام سلطه هستند که تلاش می کنند تا بر سایر ملل و وجوه زندگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... آنان تسلط یابند. نمادگرایی یکی از وجوه نحله ها و فرقه های مخفی است. در این بین فراماسونری عمده ی تعلیمات و نمادهای خود را از مصر باستان استخراج کرده است. در این فرقه شیطان و نمادهای شیطانی موضوعیت دارد و با آداب و مناسک خاصی شیطان پرستیده می شود. هدف از نشان دادن نمادهای نحله هایی مانند فراماسونری و شیطان پرستی در آثار انیمیشنی، ترویج این تفکر و آماده سازی ذهنی است. به نوعی با نشان دادن نمادهایشان برای خود ایجاد سابقه می کنند و از سوی دیگر زمانی که شخصیت اصلی از این نمادها و گزاره ها استفاده می کنند، آنها را عضو این تشکیلات و گروه های مخفی معرفی می کنند. در انیمیشن باب اسفنجی هم به دفعات علامت ها و نشانه های فراماسونری نشان داده می شود. البته دور از تصویر نیست که انیمیشنی با این خصوصیات لیبرالی، مهر تأیید خود را از این جریانات انحرافی و کفرآمیز دریافت کند و مروج نمادهای آنها باشد. این تصویرسازی در صدها قسمت باعث می شود کودک با آنها قرابت پیدا کند و با نمادها و





# هنر رضایت از زندگی

۲۰ راهبرد ثابت شده برای افزایش

رضایت عبارتند از:



## ۶. دوست پیدا کنید و به خانواده اهمیت دهید

افراد راضی معمولاً خانواده دوست و روابط بهتری دارند. اما صرف کمیت رابطه با افراد کافی نیست، بلکه کیفیت آن نیز اهمیت دارد. انسان به رابطه نزدیک نیاز دارد؛ رابطه‌ای که در برگیرنده تفاهم و توجه باشد.

## ۷. لبخند بزنید، حتی زمانی که حالش را ندارید

به نظر ساده می‌رسد اما بسیار مؤثر است. افراد راضی امکانات موجود، فرصت‌ها و موفقیت را می‌بینند. وقتی آنان به آینده نگاه می‌کنند، خوشبین هستند و وقتی گذشته را مرور می‌کنند، معمولاً گزینه‌های مثبت را می‌بینند. حتی اگر از بچگی اینگونه بزرگ نشده‌اید که نیمه پر لیوان را ببینید، با تمرین نگرش مثبت به عادت تبدیل می‌شود.

## ۸. طوری تشکر کنید که گویی واقعاً قدردان هستید

کسانی که عادت به سپاسگزاری دارند، معمولاً سالم‌تر و خوشبین‌تر هستند و بیشتر به سوی تحقق اهداف پیشرفت می‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهد افرادی که به کسانی که به آنان کمک کرده‌اند، نامه تشکرآمیز می‌نویسند، از نظر رضایت در سطح بالا و از نظر افسردگی در سطح پایینی قرار دارند. به علاوه اثر یک نامه تشکرآمیز تا هفته‌ها طول می‌کشد.

## ۹. از خانه بیرون بروید و ورزش کنید

تحقیقات نشان می‌دهد که ورزش می‌تواند به اندازه داروها در درمان افسردگی مؤثر باشد و در عین حال هیچ‌گونه عوارض جانبی نیز نداشته باشد. به علاوه، هزینه آن نیز به مراتب کمتر است. ورزش منظم حس تحقق چیزی را به انسان می‌دهد، امکان تعامل با دیگران را فراهم می‌کند، هورمون‌های عامل احساس خوب را در بدن آزاد می‌کند و عزت نفس را افزایش می‌دهد.

## ۱۰. بخشش را فراموش نکنید

نوع دوستی و بخشش را به جزئی از زندگی خود تبدیل کنید و از این کار مقصودی را بجوید. محققان می‌گویند کمک به همسایه، داوطلب شدن برای انجام کارهای عام‌المنفعه یا اهدای کالا و خدمات باعث ایجاد احساس خوبی در شخص می‌شود که مزایای زیادی از نظر تندرستی به همراه دارد که از ورزش کردن یا ترک کردن سیگار هم بیشتر است. گوش کردن به درد دل دوست، یاد دادن مهارت‌ها، توجه به موفقیت‌های دیگران و

## ۱. توکل و اعتماد به خداوند ناممکن‌ها را ممکن می‌سازد

اکثریت افراد، در مواقعی که با مشکلی مواجه می‌شوند به دعا و درخواست کمک از درگاه الهی متوسل می‌شوند. در بسیاری از تحقیقات اعتقاد خداوند به عنوان شاخصی از سلامت روان و منبع امیدواری معرفی شده است.

## ۲. از مقایسه پرهیزید

چشم و هم‌چشمی جزئی از بسیاری از فرهنگ‌هاست اما مقایسه خودمان با سایرین می‌تواند به رضایت و عزت نفس لطمه وارد کند. به جای مقایسه کردن با دیگران، توجه خود را به دستاوردهای شخصی معطوف کنید تا به رضایت بیشتری دست یابید.

## ۳. بیش از اندازه به پول توجه نکنید

کسانی که پول را در رأس فهرست اولویت‌های خود قرار می‌دهند، بیشتر در معرض افسردگی، اضطراب و عزت نفس پایین هستند. این امر در ملل و فرهنگ‌های گوناگون یکسان است. هر چقدر بیشتر رضایت را در کالاهای مادی بجوئیم، کمتر آن را می‌یابیم. رضایت، عمر کوتاهی دارد و گذراست. پول دوستان نیز در آزمون پویایی و خودشکوفایی نمره اندکی می‌گیرند.

## ۴. اهداف معنادار داشته باشید

کسانی که برای تحقق چیزی ارزشمند تلاش می‌کنند، بسیار راضی‌تر از کسانی هستند که رؤیایا یا آرزویی ندارند. این اهداف می‌تواند به سادگی یادگرفتن مهارتی جدید یا بار آوردن بچه‌ها به شیوه‌ای اخلاقی باشد. انسان همواره برای رشد به نوعی معنا نیاز دارد. به گفته دانشمندان، رضایت و خوشبختی در محل تلاقی لذت و معنا قرار دارد. هدف چه در محل کار و چه در خانه آن است که فعالیت‌هایی انجام دهیم که از نظر شخصی هم لذت بخش و هم مهم باشد.

## ۵. در کار ابتکار به خرج دهید

میزان رضایت شما از شغل تا حدی به ابتکاری که به خرج می‌دهید، بستگی دارد. محققان معتقدند هنگامی که خلاقیت به خرج می‌دهیم، به دیگران کمک می‌کنیم و راه‌های بهبود در امور را پیشنهاد می‌کنیم یا کارهای اضافی انجام می‌دهیم، از کارمان بیشتر احساس اغناء می‌کنیم.



**۱۸. استقلال خود را حفظ کنید**

مسئولیت خود و زندگیتان را برعهده گیرید و ضمن احترام به اطرافیان و حفظ رابطه مناسب با آنها، اجازه ندهید که دیگران برایتان تصمیم بگیرند. اگر فرزندی دارید از همان کودکی او را در جهت استقلال سوق دهید. برای دستیابی به این امر هیچوقت کاری را که خودش می‌تواند انجام دهد به جای او انجام ندهید به فکر و تصمیم او احترام بگذارید و از خطاهای کوچکش چشم پوشی کنید.

**۱۹. برای رسیدن به اهداف خود برنامه‌ریزی کنید**

اگر فکر می‌کنید که در یک دایره معیوب قرار دارید، اهداف کوچکی که صرفاً با تلاش کم به آنها خواهید رسید، تنظیم کنید. اگر شما درباره انجام کاری برای بلندمدت صحبت کرده‌اید ولی تاکنون کاری انجام نداده‌اید، یک گام به سمت آن هدف بردارید و به خودتان اجازه دهید تا احساس خوبی راجع به انجام آن کار داشته باشید.

در پاره‌ای از تحقیقات بین فرهنگی نیز چنین آمده است؛ در حالی که مردان دو منبع رضایت اصلی، یعنی شغل و زندگی خانوادگی دارند، زنان، رضایت را بیش از همه تنها در زندگی خانوادگی جست و جوی می‌کنند.

**۲۰. خود را با تغییرات سازگار کنید**

زندگی سرشار از فراز و نشیب‌های هیجانی، جسمانی، ذهنی و مادی می‌باشد. هیچ چیز قطعی‌تر از تغییر در زندگی وجود ندارد. تغییر جزء جدانشدنی زندگی ماست. شما تا چه اندازه می‌توانید با تغییرات زندگی خود به خوبی کنار بیایید؟ در هنگام اتفاقات پیش بینی نشده چه حالتی به شما دست می‌دهد؟ می‌ترسید، عصبانی یا مضطرب می‌شوید؟

توانایی کنار آمدن و سازگار شدن با شرایط مختلف زندگی و تغییرات غیر قابل پیش‌بینی به شما کمک می‌کند دچار احساس عدم رضایت و ناکامی نشوید. شادی در زندگی به میزان زیادی به توانایی شما برای انطباق، سازگاری و انعطاف‌پذیری با مشکلات و تغییرات بستگی دارد. سعی کنید یاد بگیرید به هنگام سختی‌ها و مشکلات، احساسات خود را متعادل نگاه دارید و یا حتی به مشکلاتتان بخندید. حس شوخ‌طبعی داشته باشید، چرا که زندگی متغیر است و شما به انعطاف‌پذیری نیاز دارید.

پی‌نوشت:

پایگاه اطلاع‌رسانی بیتوته

روحیه گذشت نیز به رضایت می‌افزاید. محققان می‌گویند کسانی که برای دیگران خرج می‌کنند، بیشتر از کسانی که برای خودشان خرج می‌کنند، احساس رضایت می‌کنند.

**۱۱. فعالیت فیزیکی منظم داشته باشید**

، بسیاری از روان‌شناسان و پزشکان معتقدند که فعالیت جسمی بیش از آنکه سبب خستگی شود باعث می‌شود که انرژی بیشتری را احساس کنیم. نرمش و ورزش همراه با خانواده و دوستان، علاوه بر سلامت جسمی، پیوندهای عاطفی را تحکیم و این احساس بهتر به اعتماد به نفس بیشتر می‌انجامد.

**۱۲. لحظات روزانه زندگی را درک کنید**

هر از چندی مکث کنید تا گل سرخی را ببوید یا کودکان را حین بازی تماشا کنید. کسانی که درنگ می‌کنند تا وقایعی را که به‌طور عادی با عجله پشت سر می‌گذارند، ببینند یا در طول روز به وقایع خوشایند روزانه فکر می‌کنند، افزایش قابل توجهی را از نظر رضایت و کاهش افسردگی گزارش می‌کنند.

**۱۳. خوش‌بینی را تمرین کنید**

شرایط پیرامونی را واقع‌بینانه بررسی و بر جنبه‌های مثبت هریک از آن شرایط، تأکید کنید.

**۱۴. فراموش نکنید که دنیا زودگذر است**

همواره به یاد داشته باشید که در بهترین شرایط هم زندگی دنیوی محدود است. امیرمؤمنان علیه‌السلام می‌فرماید که دلبستگی به دنیا سبب اندوه بی‌حاصل، حرص و عدم دستیابی به خواسته‌ها می‌شود.

**۱۵. آرزوهای خود را محدود سازید**

خواسته‌های غیر واقع‌بینانه نداشته باشید چه به گفته حضرت علی علیه‌السلام: هر کس آرزوهایش زیاد شود، سختی‌هایش نیز زیاد می‌شود. چه بهتر که توان و انرژی خود را صرف خواسته‌هایی اندیشمندانه‌تر و واقع‌بینانه نماییم.

**۱۶. سپاسگزار تجربه‌های مثبت پیشین خود باشید**

هر فردی اگر کمی دقت کند، محال است که تجربه موفق و مثبتی را در زندگی گذشته خود تجربه نکرده باشد. سپاسگزار چنین تجربه‌هایی بودن، اولین گام در احساس شادکامی و رضایت است.

**۱۷. روابط اجتماعی خود را گسترش دهید**

روابط اجتماعی مناسب، مستلزم گذشت، کمک و توجه دیگران در عین حفظ حقوق خود است.







## فرار از یک بیماری دردناک با بهره گیری از استراتژی های ساده؛

۶ عادت روزانه سالم برای پیشگیری از پوکی استخوان!

انواع ورزش بخصوص ورزش های تحمل وزن به تقویت استخوان ها کمک می کند و کلسیم و سایر مواد معدنی را به استخوان ها متصل می سازد. اگرچه پوکی استخوان مشکلی بسیار شایع است، اما قرار نیست بخشی اجتناب ناپذیر از روند پیری باشد. با بهبود رژیم غذایی و تغییرات سالم در شیوه زندگی، شما می توانید استخوان های خود را در برابر این بیماری مقاوم کنید. پوکی استخوان، از هر دو زن بالای ۵۰ سال، یک نفر را درگیر شکستگی می کند. با این حال استراتژی های ساده برای کمک به پیشگیری از این بیماری دردناک و ناتوان کننده وجود دارد:



### انجام تمرینات روزانه ورزشی:

انواع ورزش بخصوص ورزش های تحمل وزن به تقویت استخوان ها کمک می کند و کلسیم و سایر مواد معدنی را به استخوان ها متصل می سازد. بعضی از فرم های ورزشی برای ساخت توده استخوانی عبارتند از: بلند کردن وزنه، راه رفتن سریع، دویدن و ...



### مصرف روزانه گریپ فروت:

تحقیقات اخیر نشان داده که افزودن گریپ فروت به رژیم غذایی باعث جلوگیری از کاهش توده استخوانی می شود. گریپ فروت همچنین جذب کلسیم و منیزیم را در بدن افزایش می دهد. گریپ فروت ترکیبات گیاهی به نام لیکوپن و نارینجین دارد که سلامت استخوان ها را افزایش می دهند. لیکوپن در گوجه فرنگی، اسفناج، و توت فرنگی نیز یافت می شود.

منابع غذایی کلسیم عبارتند از: شیر، ماست، پنیر و سایر مواد لبنی، ماهی مثل ماهی آزاد، ماهی تن و ساردین، بادام، کشمش، سبزیجاتی مثل رونس، اسفناج، کلم، کلم بروکلی، (جعفری)



### مصرف مواد معدنی به غیر از کلسیم:

پوکی استخوان فقط یک بیماری ناشی از کمبود کلسیم نیست. استخوان ها برای افزایش قدرت و استحکام نیازمند مواد مغذی و املاح معدنی دیگری نیز هستند از جمله: منیزیم، پتاسیم و روی. سیب انجیر، لیمو، هلو، هویج، کرفس، چغندر، دانه های کامل، برنج قهوه ای، دانه کنجد، دانه های آفتابگردان، بادام و قزل آلا سرشار از منیزیم هستند. موز، مرکبات، زردآلو، گوجه فرنگی، کاکائو، سیب زمینی، مرغ و ماهی نیز منابع سرشار از پتاسیم محسوب می شوند. از منابع روی نیز می توان به دانه های کدو تنبل، پیاز، آجیل، دانه های آفتاب گردان، سبزیجات تیره رنگ و هویج اشاره کرد.



### مصرف کافی مکمل های کلسیم:

بهترین زمان مصرف مکمل کلسیم، در طول روز و همراه غذا است. در طول شب به دلیل کم تحرکی فرد جذب کلسیم به وسیله کلیه بیشتر می شود و احتمال ابتلاء به سنگ کلیه افزایش می یابد، به همین دلیل بهتر است در طول روز که بدن در حال فعالیت است و احتمال رسوب کلسیم در کلیه کاهش پیدا می کند، آن را مصرف کرد.

فراموش نکنید همراه مکمل ها حتماً آب کافی بنوشید و از خوردن چای، همراه یا بعد از مصرف مکمل ها پرهیز کنید.

[کلسیم در بسیاری از مواد غذایی وجود دارد و به علت اینکه بدن قادر به ساخت آن نیست، بایستی به مقدار کافی از راه غذا دریافت شود. حتی بعد از تکمیل و توقف رشد طولی استخوان های بدن (یعنی بعد از دوران رشد) بایستی به مقدار لازم دریافت شود، زیرا از راه های مختلفی از بدن دفع می شود؛ مثلاً از طریق عرق، ریزش مو، تجدید پوست و ناخن، ادرار و مدفوع.





### دریافت کافی ویتامین دی:

ویتامین دی از دسته ویتامین‌های محلول در چربی است، این ویتامین با افزایش جذب کلسیم و فسفر از روده‌ها به رشد و استحکام استخوان‌ها کمک می‌کند. لازم است بدانیم ویتامین D3 از انواع دیگر ویتامین‌های دی در بدن، از اهمیت بیشتری برای کاهش پوکی استخوان برخوردار است. در موارد کمبود سطح ویتامین دی در بدن معمولاً مصرف خوراکی آن با دوزهای روزانه یا هفتگی، به صورت سه ماهه، هر ماه یک آمپول تزریقی توصیه می‌شود.

### پی‌نوشت:

پایگاه اطلاع‌رسانی تبیان

### چند گیاه موثر برای درمان اضطراب‌های تنان



### یافت راه‌هایی برای کاهش استرس:

استرس به افزایش خطر ابتلاء به پوکی استخوان کمک می‌کند. برای کاهش استرس، پیاده روی را به برنامه‌های زندگی تان اضافه کنید.

در طب سنتی اسلامی نسخه‌های جالبی برای کاهش اضطراب وجود دارد. استشمام رایحه گل سرخ، گل یاس، بوی سیب، عطر میوه «به» آرام‌بخش هستند و می‌توانید این میوه‌ها را روی میز اتاق نشیمن یا محل کار یا هر نقطه‌ای از منزل یا محل کار که بیشتر اوقات در آنجا اقامت دارید قرار دهید، تا حداکثر استفاده را از اثرات آرام‌بخش این رایحه‌ها ببرید به جز این، طب سنتی پیشنهاد می‌کند برای کاهش استرس روزانه ۳۰ تا ۴۵ دقیقه پیاده‌روی کنید اما به یاد داشته باشید که ورزش بلافاصله بعد از غذا مناسب نیست و در ساعت‌هایی که هوا مناسب است مانند اول صبح یا عصر بهتر است.

در هنگام ورزش به هیچ عنوان نباید احساس خستگی کنید. به محض اینکه احساس خستگی کردید، باید ورزش را قطع کنید. اگر عادت به ورزش ندارید از زمان کم مانند ۱۰ تا ۱۵ دقیقه شروع کرده و به تدریج آن را افزایش دهید. بهتر است ورزش در طبیعت مثلاً داخل پارک انجام شود تا اثر بهتری داشته باشد.



# شیرینی

وقتی قرار است برای مناسبت خاصی شیرینی درست کنیم بیشتر دنبال دستورهایی هستیم که آسان و بی دردسر باشند و خیلی سریع آماده شوند. شیرینی زنجبیلی از آن دسته از شیرینی هایی است که همه این ویژگی ها را دارد و به سادگی آماده می شود، در این مطلب طرز تهیه این شیرینی خوشمزه و آسان را باهم می بینیم.

## مواد لازم:

- کره: ۱۰۰ گرم
- پودر قند (شکر): ۵۰ گرم
- آرد نول: ۱۲۵ گرم
- بکینگ پودر: ۴/۱ قاشق چای خوری
- زنجبیل پودر شده: ۱ قاشق سوپ خوری
- پودر مغز فندق: ۲۰ گرم
- شکلات: ۲۰۰ گرم

## مراحل تهیه شیرینی زنجبیلی

مخلوط آرد و بکینگ پودر را به تدریج به مخلوط کره و پودر قند اضافه می کنیم و مقداری با دست ورز داده در حدی که با هم مخلوط شوند.



ابتدا کره را در دمای محیط قرار می دهیم تا نرم شود، فر را روی حرارت ۱۶۰ درجه سانتیگراد تنظیم می کنیم، در صورتی که پودر قند در دسترس نبود، شکر را با آسیاب برقی پودر می کنیم، سپس آرد را با بکینگ پودر داخل یک ظرف مخلوط کرده و دوبار الک می کنیم.

پودر فندق را به مواد اضافه می کنیم و مواد را ورز می دهیم (فندق را می توان با پوست و یا بدون پوست آسیاب کرد که بستگی به سلیقه شما دارد).



خمیر را جمع کرده و سپس گلوله های کوچکی از آن درست می کنیم و با فشار دست خمیرهای گلوله ای را تخت می کنیم که به صورت دایره تخت در می آیند. (ضخامت شیرینی ها کمتر از ۵ میلی متر نباشد)

کره نرم شده را با پودر قند در یک ظرف ریخته و با همزن برقی می زنیم تا کاملاً نرم شود.

پودر زنجبیل را به مخلوط کره و پودر قند اضافه می کنیم و هم می زنیم تا با هم مخلوط شوند.







مراحل تمپر کردن شکلات:

بهتر هست قبل از تمپر کردن شکلات را رنده یا خرد کنیم در غیر این صورت از شکلات چیپسی استفاده می کنیم.



یک قابلمه آب با اندازه مناسب روی شعله قرار می دهیم و اجازه می دهیم تا آب به جوش بیاد و بعد از اینکه جوش آمد حرارت را ملایم می کنیم.



یک سبد یا آبکش را روی شعله قابلمه در حال جوشیدن قرار می دهیم به صورتی که به هیچ وجه با آب در تماس نباشد، چون در واقع ما به بخار آب نیاز داریم و نباید از حرارت مستقیم آب جوش استفاده شود.

روی آبکش یک ظرف شیشه ای نشکن با کف ضخیم و یا استیل قرار می دهیم (مقدار آبی که در قابلمه در حال جوش هست باید پایین تر از سبد باشد)



۳/۲ از کل شکلات خرد شده یا رنده شده را داخل ظرف می ریزیم یا اگر از چیپس شکلاتی استفاده می کنیم به صورت خرد نشده اضافه می کنیم.



وقتی همه شکلات ذوب شد و به دمای ۲۷ تا ۲۹ درجه سانتیگراد رسید، مابقی شکلات ها را به شکلات ذوب شده اضافه می کنیم. این کار باعث می شود تا دمای شکلات کاهش یافته و دمای شکلات بیش از حد بالا نرود و باعث افت کیفیت آن نشود.

بعد از اضافه کردن مابقی شکلات ها با قاشق چوبی شکلات در حال ذوب شدن را هم می زنیم تا همه شکلات به صورت یکنواخت مخلوط شود و یک شکلات ذوب شده براق و روان داشته باشیم. برای اینکه از تمپر کردن صحیح مطمئن شویم می توانیم کمی از شکلات تمپر شده را روی یک چاقو بریزیم اگر سریع خودش رو گرفت یعنی شکلات آماده است.



شیرینی ها را با فاصله روی سینی فر می چینیم و با کمی فشار چنگال روی آن ها اثر چنگال روی شیرینی ها می افتد.



شیرینی ها را به مدت ۱۰ تا ۱۵ دقیقه در طبقه وسط فر که از قبل گرم شده است قرار می دهیم تا شیرینی ها بپزند.

بعد از خارج کردن شیرینی ها از فر، نیم ساعت صبر می کنیم تا خنک شوند، سپس آن ها را به شکلاتی که از قبل تمپر کرده ایم تا نیمه آغشته می کنیم و در صورت تمایل مقداری ترافل روی قسمت شکلاتی می ریزیم.



شیرینی های آماده شده را در ظرف موردنظر چیده و سرو می کنیم و برای نگهداری داخل ظرف درب دار در جای خشک و خنک نگهداری می کنیم.



## جانماز جیبی

فاطمه ناحی



### وسایل مورد نیاز:

ترمه - آستری - قیطون به رنگ ترمه - نخ به رنگ ترمه

ایجاد شده را اتو کنیم (توجه داشته باشید که اتو را روی کار نکشید چون سبب جمع شدن ترمه می شود، فقط اتو را به آرامی روی کار بگذارید و بردارید.)

بعد از اتمام این مرحله لبه های کار را مانند پاکت به سمت داخل (آستری) تا کرده و با سوزن ثابت می کنیم تا زیر چرخ حرکت نکند. به اندازه ی یک و نیم سانتیمتر از لبه کار فاصله گرفته و دور تا دور کار را با نخ هم رنگ ترمه با چرخ خیاطی می دوزیم. بعد از تمام شدن دوخت، دو دور قیطون را از داخل دوختی که انجام دادیم رد می کنیم.

سپس دو سر قیطون را به هم گره می زنیم، نخ قیطون را می کشیم تا جانماز به شکل گل چهارپر جمع شود.

ابتدا ترمه و آستری را به اندازه ی ۲۰\*۲۰ برش می زنیم. (اگر تمایل داشتید جانماز شما بزرگتر شود این اندازه را می توانید تغییر دهید.)

سپس روی ترمه و آستری را روی هم قرار می دهیم. (به حالت پشت و رو، یعنی روی ترمه و روی آستری روبروی هم قرار می گیرند.)

سپس از پشت کار دور تا دور آن ها را به هم می دوزیم و در آخر فقط ۲ الی ۳ سانتی متر را نمی دوزیم تا بتوانیم ترمه و آستری را به رو برگردانیم، پس از برگرداندن به روی کار قسمتی را که دوخته نشده است، طوری می دوزیم که دوخت آن معلوم نشود.

بهتر است در این مرحله مربعی که از دوخت آستری و ترمه







فاطمه میری



# طیف حکمت

## دانش و ثروت

از حبیب و همدم و غم خوار خویش  
علم، یا ثروت، کدامین برتر است  
کای کمیل، بشنو زمن پاسخ ناب  
مال بلای جان و درد سر بود  
حافظ و گهواره جنبانش تویی  
مونس و گهواره جنبان تو است  
دانش افزون می شود از آن ببخش  
می رود با رفتنش از هر دو دست  
مال و ثروت محکومند بیچاره ها  
گرچه در ظاهر بسان زنده اند  
عین وی مفقود، مثلش زنده است  
اندر این باب از تغافل کن حذر  
قلب فخر از نکته های آن جلیست

روزی می پرسد کمیل از یار خویش  
کای نگار من کدامین بهتر است  
گفت مولایش به آن عالی جناب  
دانش از ثروت بسی برتر بود  
مال و ثروت را نگهبانش تویی  
لیک دانش حافظ جان تو است  
مال ناقص می شود با بذل و بخش  
هر مقام کاید با ثروت به دست  
علم و دانش حاکمند در کار ها  
ثروت اندوزان بی دین مرده اند  
لیک دانشمند هرچند مرده است  
هان بگیر دنبال دانش ای پسر  
این زحمت های شیرین علیست

این مثنوی را از حکمت ۱۴۷، نهج البلاغه اقتباس نموده ام. آنجاکه کمیل بن زیاد می گوید روزی امام علی علیه السلام دست مرا گرفت و به سوی قبرستان کوفه برد، آنگاه آهی پردردی کشید و فرمود: ای کمیل! دانش بهتر از مال است. نکته در اینجا است که گویا این سؤال در ذهن کمیل بوده است که آیا دانش بهتر است یا ثروت. سؤالی که خیلی ها می پرسند. سپس آن حضرت به پاسخ این سؤال مقدر پرداخته و می فرماید در مقام مقایسه میان آن دو، دانش بهتر از ثروت می باشد. و سپس به شرح برتری آن می پردازد و چه زیبا برتری دانش نسبت به مال را ترسیم می نماید که آن را اینگونه به نظم در آورده ام.

غلامحسین میری (فخر) ۹۵/۱۲/۱۹





## اخبار آموزش

تقدیر از اساتید در روز بزرگداشت مقام معلم و برگزاری مراسم نیمه شعبان

به مناسبت بزرگداشت مقام شامخ استاد و تشکر از زحمات اساتید محترم مدرسه علمیه کریمه اهل بیت علیهم السلام در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ برنامه ای ویژه با حضور طلاب برگزار شد. همچنین جشن میلاد پر خیر و برکت آقا امام زمان ارواحنا فداه در مراسمی ساده و صمیمی با اهداء کارت هدیه و گل به اساتید و پذیرایی و صرف نهار برگزار گردید.



کسب رتبه استانی و راه یابی طلاب مدرسه به مرحله کشوری در نهمین المپیاد علمی حوزه های علمیه خاوران سال تحصیلی ۹۷ - ۹۶

نظر به گذشت ۹ دوره از المپیاد علمی سطح ۲ و موفقیت طلاب در مرحله مدرسه ای، با عنایت حضرت حق و تلاش و همت والای طلاب و داشتن برنامه ی منسجم آموزشی برای گروهی از طلاب سه نفر، با کسب رتبه استانی به مرحله کشوری المپیاد علمی سال ۱۳۹۶ راه یافتند.

- خانم ها:
۱. پورجعفری
  ۲. زهرا خندان
  ۳. معصومه باقری

تقدیر از برترین های آموزشی (رتبه های اول تا سوم آموزشی) و تقدیر از طلاب پیشرفت تحصیلی

با عنایت و لطف خداوند و توجهات حضرت ولی عصر ارواحنا فداه و سعی و کوشش طلاب سخت کوش مدرسه علمیه کریمه اهل بیت علیهم السلام در نیمسال تحصیلی ۹۷ - ۹۶، شاهد درخشش طلاب ممتاز در هر پایه و همچنین شاهد پیشرفت تحصیلی و شایسته تقدیر در تمام پایه ها بودیم. که با تلاش علمی، موفقیت کسب نمودند.



- کریمه:
- الهه پورجعفری
  - زهرا خندان
  - فائزه محمدی

- کریمه ج:
- فاطمه الحسینی المدرسیه
  - نسیمه آقابابایی
  - فاطمه ساطانی

- عارفه ها:
- الهه بادینلو
  - لیلا احمدی
  - فاطمه فریدنی

- ریحانه ها:
- صفیه نقی جلال آبادی
  - معصومه صفی قلی
  - مهديه عبدی

- نرجس:
- فاطمه جوادی
  - کبری عبدالهی
  - بهناز حسین زاده

- نجمه:
- معصومه باقری
  - خدیجه سلطانی
  - زینب سلطانی



## برگزاری اعتکاف علمی - معنوی



واحد آموزش و فرهنگی مدرسه علمیه کریمه اهل بیت علیها السلام بحول قوه الهی، پیرو فرمایشات مقام معظم رهبری مدظله العالی مبنی بر لزوم تحول در نظام آموزشی و به منظور ارتقاء سطح علمی و معنوی طلاب، اعتکافی را همراه با گروهی از طلاب در قالب شش اعتکاف علمی - معنوی از سال ۹۶ تا ۹۷ برگزار نمود که مورد استقبال طلاب قرار گرفت. ماحصل این اعتکاف های علمی، امتیازآوری سرگروه های گروه های مباحثه در المپیاد علمی طلاب و راه یابی به مرحله کشوری بود. در این اعتکاف ضمن برنامه اجرایی مدون برای طلاب نشست های اخلاقی با حضور حضرات حجت الاسلام و المسلمین پناهنده و سائلی زید غزهم، برگزار گردید.



سلسله نشست های مدیریت فضای مجازی، با موضوع جنگ شناختی، جناب آقای دیلمقانی، با حضور اساتید حوزه های علمیه و کادر مدرسه





## اخبار پژوهش



بازدید علمی - پژوهشی طلاب، اساتید و کادر مدرسه از کتابخانه و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ۹۷/۲/۵



بازدید علمی - پژوهشی از کتابخانه و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دیدار طلاب، اساتید و کادر مدرسه، با پژوهشگر برتر جشنواره علامه حلی جناب آقای دکتر زارعی ۹۷/۲/۵



بازدید معاون جدید پژوهش مدیریت استان، سرکار خانم دکتر بهشتی، از مدرسه - ۹۶/۹/۴



کرسی ترویجی با عنوان «نگاه روان شناختی به پدیده طلاق و ارتباط آن با دینداری در جامعه» با حضور حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر محمد زارعی (پژوهشگر برتر و عضو گروه مشاوره و خانواده پژوهشگاه حوزه و دانشگاه) ۱۳۹۷/۲/۲۶



کسب رتبه برگزیده، توسط معاون پژوهش مدرسه، سرکار خانم زینب رضایی، در پانزدهمین جشنواره بانوی کرامت، سال ۱۳۹۶، از بین حوزه های علمیه سراسر کشور



برگزاری نشست پژوهشی مهدویت به مناسبت آغاز امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه، با حضور حاج آقای حائری پور ۹۶/۹/۸



برپایی نمایشگاه دستاوردهای پژوهشی حوزه های علمیه خاوران استان قم در جمکران در ماه مبارک رمضان ۱۳ تا ۱۶ خرداد ۹۶



کارگاه آموزشی - پژوهشی با عنوان «آشنایی با پژوهش پیمایشی (میدانی)» ویژه ششمین جشنواره پژوهش گروهی رشد ۹۶/۵/۱، ۹۶ با حضور استاد کریمی، با شرکت جمعی از اساتید و طلاب مدارس علمیه خاوران استان قم، در سطوح مختلف چون سطح ۲، و سطح ۴





اولین کرسی نقد و آراء اندیشی با موضوع «پوشش فعلی بانوان و آسیب شناسی آن»، سرکار خانم دکتر جوانمرد و خانم آقایی زاده به عنوان استاد موافق بحث، دبیر علمی سرکار خانم زینب رضایی، ۹۶/۲/۹



بازدید حاج آقای ابراهیمیان زید عزه سرپرست جدید مدارس علمیه خواهران استان قم، از کتابخانه مدرسه علمیه کریمه اهل بیت علیها السلام، ۹۶/۲/۶



دوره مهارت افزایی کتابداران مدارس علمیه خواهران استان های قم، کاشان، آران و بیدگل به میزبانی مدرسه، ۹۶/۲/۲۰



بازدید علمی-پژوهشی طلاب مدرسه علمیه کریمه اهل بیت (سلام الله علیها) از کتابخانه جامعه الزهرا (سلام الله علیها)، ۹۶/۱/۲۷



بازدید علمی-پژوهشی طلاب، از کتابخانه آیت ا. مرعشی نجفی ۹۶/۸/۲۴



کسب رتبه دوم برگزیده کشوری رشد پنجم توسط طلاب، سرکار خانم ها مغنلو، سلطانی و اسماعیل زاده از مدرسه، سال ۹۵ و کسب رتبه برگزیده جشنواره علامه حلی توسط خانم مغنلو سال ۹۶



نشست علمی شیعه شناسی، با حضور سه نفر از طلاب خانم مستبصر و تازه مسلمان خانم ها: فاطمه فرزانه یوسف از کشور سریلانکا (تغییر مذهب از اهل سنت شافعی به شیعه)، ایندیرا از روسیه (تغییر مذهب از لائیک به تشیع) و فاطمه کمر از کشور گینه بیسائو (تغییر مذهب از اهل سنت حنفی به تشیع) و با حضور کارشناس سرکار خانم رضایی ۹۶/۱/۲۶.



## اخبار فرهنگی



برگزاری نشست سبک زندگی فاطمی، با حضور حجت الاسلام و المسلمین رضوی، ۹۶/۱۱/۲۶



نشست بصیرتی-سیاسی، پیرامون تبیین سخنان مقام معظم رهبری، با سخنرانی حجت الاسلام طیبی فر زید عزه، مورخ ۹۶/۶/۲۵



سلسله نشست های تبلیغی با حضور استاتید ارجمند: حجج اسلام و المسلمین حاج آقای رضوی و ایمانی، و استاد خانم علوی نژاد

زید عزم



نشست مدیریت فضای مجازی، جناب آقای دیلمقانی



ویژه برنامه آغاز نیمسال دوم با سخنرانی آقای امیر آبادی ۹۶/۱۱/۷



عرفان های نوظهور، حجت الاسلام و المسلمین مشکاتی، آذر ۱۳۹۶



نشست معاونان فرهنگی در مدرسه با حضور سرکار خانم دولتی



سلسله نشست های بانکداری اسلامی با حضور استاد نقی ای ۹۷/۱/۲۷

نگاه گذرا به فعالیت های صورت گرفته در مدرسه علمیه کریمه اهل بیت سلام الله علیها





جشنواره استانی کتاب یار با سخنرانی استاد شکوریان، مورخ ۹۶/۱۱/۱۴



نشست بصیرتی با حضور حجت الاسلام والمسلمین شیروی، ۹۶/۱۱/۲۱



بازدید حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای صالح زیدعزه، ۹۶/۷/۲۹



نشست فرق ضاله با حضور استاد ایمانی زیدعزه، ۹۶/۷/۲۲



برگزاری مراسم عزاداری شهادت امام سجاد علیه السلام در هیأت کریمه اهل بیت علیها السلام با حضور آیت ا. العظمی سبجانی دامت برکاته، ۲۴ الی ۹۶/۷/۲۶



## اخبار فرهنگی



نمایشگاه دستاوردهای طلاب



اعیاد شعبانیه حاج خانم کبری محمدی زید عزها - اردیبهشت ۹۷



جشن نیمه شعبان ، همخوانی طلاب کریمه - ۹۶/۲/۱۱



مراسم بزرگداشت روز معلم، ویژه اساتید و طلاب همزمان با جشن نیمه شعبان، با سخنرانی سرکار خانم ناصح زید عزها، ۹۶/۲/۱۱



ایام سوگواری فاطمیه ، سخنرانی حاج خانم گلگیری زید عزها



بازدید حجج اسلام جناب آقای حسینی پناه و قدرتی زید عزهم، از نمایشگاه دستاوردهای طلاب - سرود نونهالان



اهداء جوایز به فعالان فرهنگی



گلزار شهدا، در هفته دفاع مقدس ۹۶





مراسم میلاد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، سرکار خانم علوی تژاد زید عزها



میلاد حضرت زهرا علیها السلام، حجت الاسلام و المسلمین قدرتی زید عزه



مراسم سوگواری حضرت زهرا علیها السلام - بانوان منطقه نیروگاه - هیأت کریمه - بهمن و ۱ اسفند ۹۶



مراسم درختکاری با حضور سرکار خانم کبیری، ۹۶/۱۲/۱۵



اردوی مشهد مقدس، ۹۶/۸/۲۴ الی ۹۶/۸/۲۸



## اخبار فرهنگی



جشن اهالی منطقه مبعث - سرکار خانم ناصری تژاد



جشن نیمه شعبان، بانوان کانون، ۱۳۹۷



عکس دیدار خانواده شهیدان کارکوب زاده، قم اردیبهشت ۹۷



جلسه آموزشی شبکه بهداشت - موضوع آنفولانزا - ۳ اسفند ۹۶



کلاس های تابستان، بچه های کانون فرهنگی مدرسه، ۱۳۹۶



کلاس های تابستان، بچه های کانون فرهنگی مدرسه، ۱۳۹۶



مراسم کانون محرم ۹۶ سرکار خانم ناصری تژاد زیدعزها



حضور بانوان منطقه همراه مدرسه در راه پیمایی و تجمع بانوان در دفاع از حجاب





دانش

## دل چو بخت مرکب...



سیده زهرا امامی

مولای عصر و زمانم سلام!

نگو که نمی شناسیم چرا که می دانم یک یک شیعیانت را با اسم و رسم می شناسی!

نگو که نمی شناسیم چرا که می دانم هر صبح و شام برای گناهان بی شمارم طلب استغفار می کنی. شفیق هستی! نگو که نمی شناسیم چرا که همه فرماندهان عالم سربازان فراری خود را به خوبی می شناسند، آسمانی ترین فرمانده! من همان سرباز جامانده فراری ات هستم. همان که هرگاه برای رزم گاه نماز شب می خوانی اش خواب است. و تازه وقتی بیدار می شود، پوتین های اخلاصش را گم کرده است.

همان که هرگاه صدایش می زنی جواب نمی دهد و سر در لاک غفلت، پی نان شب و روزش می رود.

همان که شیطان هر از چند گاهی از خوان رحمت دورش می کند و از پادگان عشقت فراریش می دهد همان که بارها خون به دلت کرده و هنوز یکبار هم توبیخش نکرده ای. آقای مهربانم! دیگر از این زندگانی بی تو خسته ام می خواهم خوب زندگی کنم و در دنیا و آخرت همنشین تو باشم.

می خواهم هرگاه اسمم را در لیست سربازانت می بینی خوشحال شوی و برای بهتر شدنم دعا کنی نه اینکه سرافکنده برای بخشش گناهانم واسطه شوی! می خواهم با چشم بصیرت پا در رکاب ولایت افسر جوانت باشم نه اینکه لنگ لنگان در انتهای صف سربازانت برای همین آمده ام دوباره آمده ام و درب خانه ی مادرت زهرا زدم و می دانستم نام مادرت را ببرم راهم می دهی. یوسف زهرا! دوباره آمده ام تا برهان به برهان منطق بخوانم و قول می دهم برهان نیامدنت را از صفحه ذهن منطقیون محو کنم.

دوباره آمده ام تا ضرب ضرباً بخوانم و بدان مجرور ضربه علی یوم الخندق علی هست و بس! دوباره آمده ام تا بخوانم و بدانم کل مفعول منصوب اما خودت هم می دانی حالا دیگر همه زید و عمر و بکرها در حیرتند...

...

جهان منتظر شکفتن جوانه انتظار توست. بیا آقا...



حضرت صاحب زمان (عج)

إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ، وَلَا نَاسِيْنَ لِذِكْرِكُمْ، وَلَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ  
بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَاضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ

مادر رعایت حال شما کوتاهی نمی کنیم و شمارا فراموش نمی کنیم، اگر جز این بود گرفتاری ما بر شما فرود می آمد  
و دشمنان، شمارا ریشه کن می کردند پس تقوای خدای بزرگ را پیشه خود سازید.

احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵

مادر رعایت حال شما کوتاهی نمی کنیم

